



نشریه علمی، آموزشی، تبلیغی
حوزه علمیه سفیران هدایت آیت... دامغانی
(علویان) همدان

سال دوازدهم، شماره ۲۹
مردادماه ۱۴۰۴، قیمت ۹۵,۰۰۰ تومان

شهید حضرت آیت الله
سید محمد علی آل هاشم (ره):

خدایا تو شاهی که در مدت خدمتگزاری
اگر خبری به اسلام نرساندم سعی نمودم
ضرر نرسانم و این را به طور حتم اعتراف
می‌کنم که سعی بر این داشتم کسی به
جهت اعمال و رفتار و کردار من
به روحانیت بدبین نباشد.

دیدار با ابرار: گفتگو با:

سید محمد مهدی آل هاشم فرزند شهید
حضرت آیت الله سید محمد علی آل هاشم (ره)



اربعین، حماسه جاودانگی در میدان مبارزه
حجت الاسلام علیرضا یوسفی راستگو



چرا مذاکره به درد ما نمیخورد؟
به جای مذاکره چه کنیم؟
حجت الاسلام رضا بهرامی



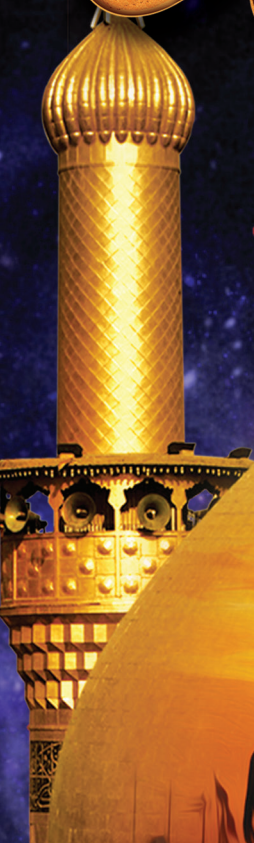
مصاحبه با فعال تبلیغی در کشورهای آمریکای جنوبی
(آرژانتین، شیلی، برزیل)
حجت الاسلام جواد رستگاری



خاطرات اربعینی
حجت الاسلام رحیم حضرتی



سجده



قالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

«...یقیناً پروردگارم با من است،

بزودی مرا هدایت خواهد کرد»

سوره مبارکه شعراء آیه ۶۲

 **KHAMENEI.IR**
مجلس خبرگان رهبری - دفتر مطبوعاتی - تهران



نقش انگشتری

حضرت آیت الله خامنه ای

۲۵ تیر ۱۴۰۴

امام صادق (علیه السلام):

كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ
اَلْاِجْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ اَلْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ.

کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۷۸، ح ۱۴

نشریه علمی، آموزشی، تبلیغی داعیه

صاحب امتیاز: معاونت پژوهش مدرسه سفیران
هدایت آیت الله دامغانی (علویون) همدان

مدیر مسئول:

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا یوسفی راستگو

سر دبیر:

حجت الاسلام و المسلمین رضا بهرامی فرزانه

نشانی: همدان، میدان امامزاده عبداللّه، بلوار
زینبیه، کوچه مدرسه، مدرسه علمیه سفیران
هدایت آیت الله دامغانی (علویون)
تلفکس: ۰۸۱-۳۴۲۲۰۲۲
۳۱۳ rezabahrani@gmail.com پست الکترونیک:
پیامک: ۰۹۱۸۷۱۲۰۱۲۷
داعیه در ویرایش مقالات و مطالب ارسالی آزاد
است.
لطفاً پیشنهادات و انتقادات سازنده خود را به
داعیه ارسال کنید.

طراحی و صفحه آرایی: نشر ذرینا (حبیبی فکور - ۰۹۱۸۹۰۲۰۲۳۷)

همکاران این شماره:

حضرت حجت الاسلام و المسلمین علیرضا یوسفی راستگو - سید محمد مهدی آل هاشم -
حجت الاسلام جواد رستگاری - علی محمد پور - علی مرادی - محمد مرتضی قلی - حجت الاسلام رحیم حضرتی
- حسین سبزیان - عباس محبتی - مهدی زارعی - حسین صانعی - هادی صفایی - حسین صفری -
امیر حسین توکلیان - میثم زارعی - میثم فرحی مصور - رضا بهرامی - حجت الاسلام مرتضی غرسبان
- حجت الاسلام حامد سرمیلی - مهدی درفش .

فهرست مطالب

سیاسی

- آموزه‌های سیاسی پیاده روی اربعین..... ۵۰
بررسی برجسته‌ترین عوامل متأثر شدن پیدایش
انقلاب اسلامی از فرهنگ عاشورا و اربعین حسینی .. ۵۲
پیام‌های جهانی پیاده روی اربعین..... ۵۴
جغرافیای محور مقاومت ۵۶
چرا مذاکره به درد ما نمی‌خورد؟
به جای مذاکره چه کنیم ؟ ۵۸
نیم‌نگاهی به دستاوردهای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ۶۰

پژوهشی

- الزامات قانون منع سگ گردانی ۶۴
کتابشناسی اربعین ۶۶
پیشنهاد موضوعات پایان نامه سطح ۳ و ۴ حوزی
با محوریت اربعین حسینی..... ۶۸
تازه‌های نشر کتب طلاب ۷۰

کلام امامین انقلاب ۲

سرمقاله

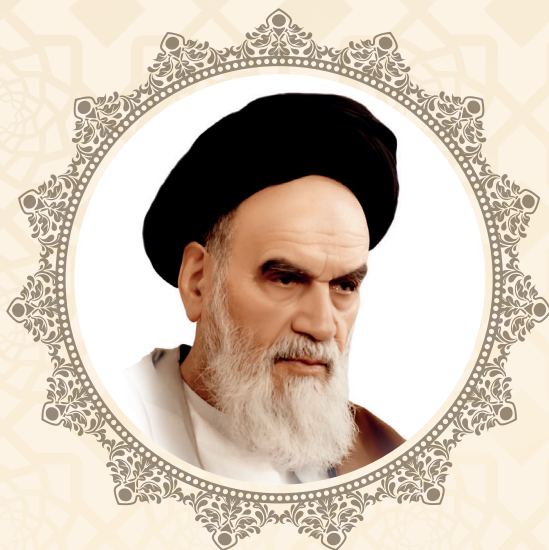
سرمقاله ۶

دیدار با ابرار

گفتگو با (سید محمد مهدی آل هاشم) فرزند شهید حضرت
آیت الله سید محمد علی آل هاشم (ره) ۸

تبلیغی

- مصاحبه با فعال تبلیغی در کشورهای آمریکای جنوبی
(آرژانتین، شیلی، برزیل) ۱۶
پیاده روی اربعین از نظر عرفای شیعه ۲۲
تجارب تبلیغی ۲۴
سفرنامه‌ی «ماموریت با پادشاه عوض» ۲۴
تجربیات و برداشت‌های غیرمسلمانان و اهل سنت
از پیاده روی اربعین ۲۶
خاطرات اربعینی ۲۸
روایت‌های کوتاه و دلنشین از پیاده روی اربعین ۳۲
سه مرتبه مکتوب اربعین ۳۴
شاخصه‌های زیست اربعینی ۳۸
رابطه مهدویت و پیاده روی اربعین ۴۰
فقه اربعین ۴۲
فلسفه زیارت اربعین در روایات و تاریخ ۴۴
موکب داران؛ میزبانان بی ادعای بهشت ۴۶



حضرت امام خمینی (ره)

اگر عشق به امام حسین (علیه السلام) و ذکر مصائب این بزرگوار نبود، معلوم نبود که نهضت ما با این کیفیت به پیروزی برسد. امام حسین (علیه السلام) عظیم‌ترین مبارزو مجاهد تاریخ اسلام است.

حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)

این حرکت عظیم و میلیونی میان نجف و کربلا و این شور و شوق و حرکت، حتی اگر با خطر همراه باشد، همواره درد دل مردم و جوانان ما موج می زند و این سرمایه را باید حفظ کرد زیرا ضامن بقای کشور است.



حضرت آیت الله موسوی اصفهانی (زیدعزه)

ایستادگی در برابر استکبار مهم ترین پیام اربعین برای جامعه امروز است و خود سازی و تهذیب نفس دو توشه‌ی زیارت اربعین است.



حضرت آیت الله شعبانی (زیدعزه)

اربعین، تقویت جایگاه سیاست‌ورزی مبتنی بر فرهنگ کربلا است، که سیاست آن مذهبی و مذهب آن سیاسی است.





ایشلا اربعه کجی باشا

سرمقاله



سرمقاله



اربعین، حماسه جاودانگی در میدان مبارزه



حضرت حجت الاسلام و المسلمین
علیرضا یوسفی راستگو

(مدیریت مدرسه علمیه سفیران علویون)

دیباچه

اربعین، تنها یک یادبود نیست؛ حماسه‌ای است زنده و پویا که هر ساله درس‌هایش را در صحنه‌های گوناگون تاریخ معاصر ما تکرار می‌کند. امسال، همزمانی این پیاده‌روی عظیم معنوی با تشدید خصومت‌های رژیم صهیونیستی علیه ایران و ادامه مسیر خونین شهادت سرداران و دانشمندان این مرز و بوم، پیوندی عمیق و نمادین را پیش چشم می‌گذارد.

از کربلا تا امروز:

نبرد مستمر حق و باطل

راهپیمایی اربعین، تجلی عشق و وفاداری به شهیدی است که در مقابل ظلم و استکبار، سر تسلیم فرود نیاورد. این حماسه، یادآور همیشگی این اصل است که مبارزه با زورگویی و استعمار، سنتی دیرینه و ضرورتی همیشگی است. امروز، رژیم صهیونیستی، به عنوان میراث‌دار همان استکبار تاریخی، با ادعاها و

اقدامات خصمانه‌اش علیه ملت ایران و آرمان‌هایش، چهره مدرن همان باطل همیشگی است. ترورهای کور، تهدیدها و تلاش‌های نافرجامش برای ایجاد تفرقه و ترس، حلقه‌ای دیگر از همان زنجیره دیرینه مبارزه حق علیه باطل است.

شهدا: ستارگان راه عزت

در این مسیر پرخطر، سرداران دلیر میدان‌های نبرد و دانشمندان عرصه‌های علم و فناوری، وارثان حقیقی راه حسین (ع) هستند. خون‌های پاک‌ی که در راه دفاع از امنیت میهن و عزت ملی بر زمین ریخت - از شهیدان هسته‌ای تا سرداران سپاه و شهدای ارتش و مردم غیور ایران اسلامی سرداران پرافتخار و سرافرازی چون رشید و باقری، سلامی و حاجی زاده و دانشمندانی مومن و انقلابی مانند شهیدان فریدون عباسی طهرانچی، فقیهی و مینوچی - نه نشانه ضعف، که سند زنده پایمردی و استقامت این ملت است. شهادت آنان، همچون شهادت یاران اباعبدالله (ع)، نه پایان راه، که مشعلی فروزان برای ادامه مسیر استقلال و پیشرفت است. آنان ثابت کردند که ترور و ترس، راهی برای توقف اراده ملت‌ی که بر مدار شهادت و ایثار می‌چرخد، نیست.

رهبری حکیمانه:

کانون وحدت و عزم استوار

در این گرداب فتنه‌ها و دشمنی‌ها، نقش بی‌بدیل رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، همچون سکاندار کشتی استوار انقلاب، تعیین‌کننده بوده است. مدیریت حکیمانه، هوشیاری بالا در برابر توطئه‌ها، تأکید مکرر بر وحدت کلمه و تقویت

بنیه دفاعی و علمی کشور، خط‌مشی روشنی را در مقابل دشمنی‌های پیچیده ترسیم کرده است. تأکیدات ایشان بر ادامه مسیر عزت‌آفرین دانشمندان شهید، تقویت بازدارندگی و افشای چهره پلید صهیونیسم، چراغ راهی برای تمامی آحاد ملت و مسئولان بوده است. رهبری، با درک عمیق از ژئوپلیتیک منطقه و توطئه‌های دشمنان، ملت ایران را در مسیری هدایت کرده‌اند که نه دچار جنگ‌طلبی می‌شود و نه در برابر تجاوز و تهدید ذره‌ای کوتاه می‌آید.

اربعین امسال:

پیام مقاومت و امید

همپایی اربعین حسینی با این شرایط خطیر، پیامی روشن دارد: راه حسین (ع) زنده است. خون شهیدان، از کربلا تا تهران، همواره بذر امید و مقاومت کاشته است. رژیم صهیونیستی و حامیانش باید بدانند که ملت ایران، با رهبری حکیمانه و الهام‌گرفته از مکتب عاشورا، همچون کوه در برابر طوفان‌های دشمنی ایستاده است. شهادت، برای ما شکست نیست؛ اوج عزت و سکوی پرش به سوی آینده‌ای درخشان است.

اربعین امسال، نه تنها زیارت است، بلکه تجدید پیمان با همه شهیدان راه عزت ایران اسلامی است؛ پیمانی برای ادامه مسیر با استواری، وحدت و امید، تحت پرچم رهبری فرزانه‌ای که سکان این کشتی را در امواج خروشان، به سوی ساحل امن و سربلندی هدایت می‌کند. راه شهیدان، راه ملت ایران است و این راه، با رهبری و استقامت، به پیروزی نهایی منتهی خواهد شد.





دیدار با ابرار

گفتگو با سید محمد مهدی آل هاشم

فرزند

شهید حضرت آیت الله

سید محمد علی آل هاشم (ره)



دیدار با ابرار



**گفتگو با (سید محمد مهدی آل هاشم)
فرزند شهید حضرت آیت الله
سید محمد علی آل هاشم (ره)**

دیباچه

نشریه تبلیغی داعیه در این شماره به سراغ فرزند شهید حضرت آیت الله محمد علی آل هاشم رفته است تا از رشادت‌های پدر شهیدش بگوید؛ شهیدی که عمرش را وقف اخلاص و خدمت به مردم کرد. همان‌گونه که زندگی او سرشار از بهانه‌هایی از جنس خدا بود. امروز یاد و خاطره او در دل مردمی زنده است که عشقش را به ارث بردند. این گفت‌وگو روایتی است از نسل ادامه‌دهنده راه شهیدانی که نه از ترس مرگ، از عشق پرواز به معبود، بال گشودند.

داعیه: لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید.

سید محمد مهدی آل هاشم متولد اردیبهشت ۱۳۷۴ هستم و به قول پدرم هم فرزند دوم هستم و هم فرزند چهارم؛ یک خواهر و یک برادرم در کودکی فوت کرده‌اند و در حال حاضر فقط یک خواهر و یک برادر هستیم و خواهرم از من بزرگ‌تر است. حاج آقا سه‌نوه دختری دارد؛ دو دختر و یک پسر و دو نوه پسر از پسرش که دومی تازه به دنیا آمده است. پدرم متولد سال ۱۳۴۱ بود. ما اصالتاً اهل خود تبریز هستیم.

داعیه: لطفا حضرت آیت الله آل هاشم را مختصری معرفی بفرمایید.

کتابی به‌نام «روایت ساواک» نوشته شده که در آن مطالبی در مورد پدرم آمده که آن زمان شانزده سال داشتم: «سید محمدتقی آل هاشم فرزندی به‌نام سید محمدعلی دارد که فعالیت سیاسی انجام می‌دهد و به مساجد می‌رود و از طرف پدرش سخنرانی می‌کند...»

از همان اول هم پدر پسری ارتباط خیلی خوبی داشتند، چون پدرم اولین فرزند پدر بزرگم بود. من سه عموی دیگر هم دارم که مشغول به کارهای مختلفی هستند. عمویم، سید محمدرضا، معلولیت ذهنی دارد. پسر سوم پدر بزرگم رئیس عشایر استان بود و اکنون بازنشسته شده. چهارمی هم قائم مقام رئیس صداوسیما استان آذربایجان بود که او هم بازنشسته شده است و یک عمه هم دارم.

خانه پدر بزرگم در محله اسماعیل بقال قرار دارد که یکی از محلات قدیمی تبریز است و از همان اول در

مادر بزرگم چند سال پیش به رحمت خدا رفته و پدر بزرگم، آیت الله سید محمدتقی آل هاشم، از ایام خیلی دور امام جمعه موقت آذربایجان شرقی بود؛ چه در زمان آقای ملکوتی، چه زمان آیت الله قاضی و چه در زمان حاج آقای شبستری. وقتی که به نمایندگی ولی فقیه در تبریز منصوب شد، خدمت حضرت آقا رفته بودند و گفته بودند: «پدر حاج آقا آل هاشم امام جمعه موقت تبریز است، ولی خودش قرار است نماینده ولی فقیه شود.»

حضرت آقا فرموده بودند:

«خودشان پدر پسری کنار می‌آیند، شما با این مسئله کاری نداشته باشید.» پدر نیز خدمت پدر بزرگم آمده بود و ماجرای امام جمعه شدنش را به او گفته بود. پدر بزرگ جواب داده بود: «تا دیروز شما فرزند من بودی، از امروز نماینده ولی فقیه هستی و بر من ولایت داری. هر طور که شما صلاح بدانی همان می‌شود؛ اگر دستور بدهی می‌مانم و اگر تشخیص بدهی که رفتنم بهتر است، می‌روم.»



نداریم.»

از ۲۸ تیر ۱۳۸۸ تا ۱۱ تیر ۱۳۹۶ مسئولیت نمایندگی ولی فقیه و ریاست سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران را برعهده داشت و در این دوران سه بار موفق به کسب مقام اول بین سازمان‌های عقیدتی-سیاسی نیروهای مسلح شد. در دوره ششم مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده مردم آذربایجان شرقی انتخاب شد. او با کسب ۸۳۴ هزار و ۱۰۸ رأی، بیشترین رأی را در ادوار مختلف خبرگان در آذربایجان شرقی به دست آورد. البته قبل از برگزاری نخستین جلسه دوره ششم مجلس خبرگان در سانحه هوانی به شهادت رسید.

از دیگر سمت‌های رسمی او می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ مسئول ستاد نماز جمعه تبریز، مسئول عقیدتی-

آن خانه بوده‌اند. خانه‌ای قدیمی ست، که سقف آن هم از چوب است و هر لحظه ممکن است بریزد. حتی مراسمات عید غدیر هم هر سال در طبقه بالای آن خانه برگزار می‌شد، اما دیگر نزدیک چهار سال است که در حیاط برگزار می‌شود، چون آن خانه مقاومتش را از دست داده و نمی‌توان به آن اعتماد کرد. در این چند سال ما و دوستان و ارادتمندان پدر بزرگ می‌گفتیم که آنجا نباشد، ولی قبول نمی‌کرد. وسایل خانه که بعد از انقلاب جابه‌جا شدیم نیز همان‌هاست؛ صندلی‌های پلاستیکی و... پدر بزرگم فقط همان یک خانه را دارد، که خانه بسیار ساده‌ای هم هست.

پدرم در تبریز در همان خانه پدر بزرگم بزرگ شده‌است. مقطعی از دوران تحصیلی‌اش را در مدرسه سردار ملی گذرانده و قسمتی از دوران طلبگی را در حوزه علمیه تبریز و بقیه را در قم تحصیل کرده و سپس دوباره به تبریز برگشته و در این حین هم به صورت مقطعی در تهران و تبریز بوده‌است. تا مقطع دکترا (سطح چهار حوزه) تحصیل کرده‌بود.

داعیه: حاج آقاچه مسئولیت‌هایی داشتند؟

پدرم در تبریز عهده‌دار مسئولیت‌های زیادی بود، از جمله سمت‌های رسمی و سیاسی او؛ در دهم خرداد ۱۳۹۶ با حکم آیت‌الله خامنه‌ای به نمایندگی ولی فقیه در آذربایجان و امام جمعه تبریز منصوب شد. در همین دوره بود که به درخواست پدرم نرده‌هایی که جایگاه مسئولان را از صف مردم جدا می‌کرد، برداشته شد. می‌گفت: «دیگر مسئول و غیرمسئول

اداره عقیدتی-سیاسی نیروی زمینی ارتش، معاون هماهنگ‌کننده سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش، جانشین سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش با تصویب فرماندهی معظم کل قوا، عضو میز آذربایجان در مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس اداره عقیدتی-سیاسی نیروی زمینی ارتش.

در این سال‌ها همه رفت و آمدهای پدرم بین تهران و تبریز با هزینه شخصی خودش انجام می‌شد و به صورت مقطعی بود. زمانی بود که ما در تهران بودیم و پدرم به تبریز رفت و مدتی آنجا تنها بود. ما و سایلمان را به تبریز بردیم. پس از مدتی دوباره پدر به تهران رفت و ما در تبریز ماندیم و بعد دوباره به تهران رفتیم. آخرین بار سال ۸۰ یا ۸۱ بود که پدر حدود دو سال به خاطر شغلش



در تهران بود و ما در تبریز زندگی می‌کردیم و بعد از آن اسباب‌کشی کردیم و دوباره به تهران آمدیم و از سال ۸۱ دیگر در تهران ماندگار شدیم.

پدرم در تهران بیشتر هیئت‌ها را می‌رفت. ارتش هم هیئت‌هایی داشت که آنها را مدیریت می‌کرد.

سیاسی مرکز آموزش پشتیبانی نیروهای زمینی ارتش، رئیس عقیدتی-سیاسی لشکر ۲۱ حمزه در آذربایجان، رئیس اداره عقیدتی-سیاسی منطقه آذربایجان، معاون تبلیغات و روابط عمومی سازمان عقیدتی-سیاسی منطقه آذربایجان، جانشین اداره عقیدتی-سیاسی نیروی دریایی ارتش، جانشین



در هیئت‌های مقیم آذربایجان تهران هم شرکت می‌کرد. در خانه سازمانی شهرک شهید فلاحی، لویزان که بودیم، جلسات خانگی هم که گاهی در خانه ما برگزار می‌شد و پدر قبلاً اعلام می‌کرد که این بار من میزبان هیئت هستم.

داعیه: جایگاه مردم نزد حاج آقا به چه شکل بود؟

من که حدود سی سال دارم، در طول این مدت شاید دو بار هم نشد که با پدرم به صورت شخصی

به مسافرت بروم. هرگز نشد که من با پدرم مثلاً به شمال بروم و لب دریا با او قدم بزنم. هر مسافرتی هم که من با او رفتم، فقط مأموریت بوده و حتی اتفاق نیفتاده که با او برای خرید رفته باشم و یا بازار را با ایشان بگردم، چون همه دغدغه‌اش خدمت به مردم بود. حتی آن زمانی که در ارتش بود. همیشه هم با ماشین مأموریت می‌رفت.

می‌گفت: «مثلاً تا اینجا آمدیم، یزد هم برویم. تبریز برویم. ارومیه برویم.» موقع برگشت می‌گفت: «به

مشهد برویم» و همه این مسیرها را با ماشین می‌رفت. مأموریت‌ها مدت یک یا دو هفته طول می‌کشید. فکر سلامتی خودش نبود. البته برای خانواده‌اش کم نمی‌گذاشت. رابطه من و پدرم رابطه بسیار خوبی بود؛ مثل رابطه دو دوست یا دو برادر، تا جایی که حتی در مورد مسائلی که نمی‌توانستم با کسی در میان بگذارم، با پدر صحبت می‌کردم. حسن بزرگی که داشت و اکنون هم من مدیون آن حسن خلق او هستم، اختیاراتی بود که به من داده بود. اصلاً کاری به کار خانه نداشت و همه مسئولیت‌های آن را از زمان کودکی به من داده بود. می‌گفت: «وقتی می‌خواهید فلان چیز را بخرید، به من زنگزنید، با مهدی هماهنگ کنید.»

در سال ۸۷ یک پیکان داشتیم و هر کاری می‌کردم آن را عوض نمی‌کرد. آن زمان خودروی زانتیا تازه آمده بود و هجده میلیون ارزش مالی داشت. هرچه گفتیم: «یکی بخریم»، می‌گفت: «آدم هیچ وقت ماشین غیر متعارف سوار نمی‌شود. نهایتاً یا پرشیا، یا سمند.» و سال ۸۷ بود که من آن را خریدم. خیلی هم روی ماشین حساس بود. آن موقع گواهینامه هم نداشتم و با دوستان رفتیم و آن را آوردیم. وقتی بیرون می‌رفت و برمی‌گشت، بنزین ماشین را چک می‌کرد و می‌گفت: «وقتی ماشین را در حیاط می‌گذاری، باید باک بنزینش پر باشد. چون یک وقت مأموریتی پیش می‌آید و مجبور می‌شویم که شب حرکت کنیم.» من هنوز هم آن عادت را حفظ کرده‌ام. پدرم کلاً پیگیر مسائل خانواده بود و برای خانواده وقت می‌گذاشت. مدام زنگ می‌زد و پیگیری می‌کرد. مثلاً وقتی من دانشگاه می‌رفتم



داعیه: از روحيات شخصی حاج آقا پدربزرگ ما

اهل تشکیل تیم شخصی نبود.

من جایی را سراغ ندارم که پدرم آنجا مسئولیت داشته باشد و آنجا با خودش تیم برده باشد. می گفت: «هنر نیست که کسی جایی برود و با خودش تیم ببرد، بلکه باید بتوانی با همه کار کنی.» شاید یکی دو نفر را اضافه کرده بود، ولی به ساختار قبلی کارکنان دست نزده بود. حتی وقتی به او می گفتند که «من مشکلی ندارم و با همین افراد کار می کنم.» من تا زمان قبل از ازدوایم نزدیک هفده هجده سال، هرساله با پدرم به سفرهای نور جنوب و غرب می رفتم. همه سفرها را هم با ماشین می رفتم و نزدیک سه هفته طول می کشید. چون مأموریت بود و چند نفر از بچه ها هم بودند، با ماشین اداره می رفتیم. یک بار به جایی در لب مرز رفتیم. جایی که می گفتند دو هفته است آب ندارند. پدرم گوشی را برداشت و به فرمانده زنگ زد. گفت:

«من جای دیگری بازدید دارم، تا می روم و سه چهار ساعت برمی گردم، اینجا باید تا نکر آب آمده باشد.» رفتیم و به خاطر همین کار، سه چهار ساعت راه را دوباره برگشتیم. پدرم وقتی برای بازدید، یا سخنرانی و یا افتتاح جایی می رفت، ساعت مشخص نمی کرد. می گفت: «وقتی ساعت مشخص می کنم، همه چیز آماده می شود و آن سرباز بنده خدا از چهار ساعت قبل معطل می شود.»

همیشه با تشریفات مخالف بود.

یکی از مأموریت های پدرم بجنورد (یا بیرجند) بود. پدرم در زمان ریاست

و ساعت شش می شد، زنگ می زد و می گفت: «چرا هنوز خانه نیامدی؟»

من کاردانی معماری و کارشناسی تربیت بدنی دارم. خواهرم نیز فوق دیپلم دارد و سال ۸۲، ۸۳ ازدواج کرده است. من ۱۹ سالم بود که ازدواج کردم.

در مراسم تودیعش همه گریه می کردند.

به یاد دارم که وقتی سال ۹۶ پدرم حکم مقام معظم رهبری را برای تبریز گرفت، در سازمان مراسم خداحافظی گذاشته بودند. فیلم آن مراسم هم موجود است که همه کارکنان عقیدتی سیاسی ارتش گریه می کردند. خود پدر هم گریه می کرد و خیلی ناراحت بود. اتحاد خاصی بین کارکنان ارتش وجود داشت.

وقتی پدرم خداحافظی کرد و در ماشین نشست، گفت: «ماشین شخصی بنده اینجاست، من با آن به خانه برمی گردم. من از امروز اینجا مسئولیتی ندارم.» و ماشین سازمانی را همان جا گذاشت و من او را سوار کردم. بلیت گرفته بود تا به تبریز برود.

دوست و همکار پدر نیز با ما بود. وسط راه پدرم گفت: «صبر کن، صبر کن! برگرد!» برگشتم. پدر پیاده شد و بالا رفت. همه تعجب کردند. در آبدارخانه را باز کرد. سه، چهار سرباز نشسته بودند، گفت: «شما در این مدت برای ما چایی آوردید و خیلی زحمت کشیدید، فقط خواستم از شما تشکر کنم. زحمت اصلی را شما کشیدید.» و با آنها روبرویی کرد و پایین آمد. حتی به فکر سربازها هم بود. هرگز نشده بود که کسی را تنبیه کند. می گفت: «حتی بدی را هم باید با خوبی جواب بدهی.»

سازمان خواسته بود که یک بلیت هواپیما به مقصد آنجا برایش بگیرند. می گویند که به خاطر مسائل امنیتی یکی از بچه ها همراهان باشد، ولی او با محافظ میانه ای نداشت و بیشتر با راننده خودش می رفت و به ندرت می شد که با محافظ باشد. همیشه اعتراض می کرد که: «وقتی کسی می آید تا با من دست بدهد، چرا سریع وسط می پرید و او را می گیرید که نزدیک نشو! ما با مردم یکی هستیم و هیچ فرقی نمی کند.» یک بار که حدود ساعت چهار بعد از ظهر مراسم افتتاحیه داشت، پرواز ساعت شش صبح را گرفته و ساعت هفت به فرودگاه رسیده بود و با تاکسی دم پادگان رفته بود. ابتدا به بخش انتظامات رفته بود و گفته بود: «بار رئیس عقیدتی کار دارم.» پرسیده بودند: «شما؟! جواب داده بود: «یک ارباب رجوع» به او می گویند: «نمی شود رئیس را ببینید، چون شخصی به نام آقای آل هاشم از تهران می آید و همه دارند کارهای آمدنش را انجام می دهند. کسی اجازه کار دیگری را ندارد.» پدرم گفته بود: «نه اشکالی ندارد، شما به رئیس تان اطلاع بدهید.» و بالأخره داخل می رود و می بیند که سربازها و گروه سرود و بقیه از صبح جلوی آفتاب مانده و روی زمین نشسته اند و تا آن ساعت بعد از ظهر منتظرند. پدرم مخالف این تشریفات بود. به سمت بخش عقیدتی رفته و پرسیده بود: «رئیس تان کجاست؟ فلانی کجاست؟» گفته بودند: «رفته فلان کار را انجام بدهد.» می گوید: «به او زنگ بزنید و بگویید که آل هاشم آمده!» گفته بودند: «آل هاشم؟! او قرار است که ساعت چهار بیاید.» به آن مسئول زنگ می زنند و او می آید. پدرم می گوید:

«مگر من نگفتم که این سربازها را این طور جلوی آفتاب اذیت نکنید؟!»

با کودکان هم کودکی می کرد.

ارتباطش با اطرافیانش خیلی خوب بود. با کودکان کودک بود و با پیرها، سنجیده می کرد. همیشه بر این باور بود که هرکسی برای خودش شخصیتی دارد. وقتی بچه ای پیشش می آمد، بلند می شد و او را بغل می کرد. در نماز جمعه که بود، وقتی بچه ای می آمد، او را بغل می کرد. آن بچه می گفت: «حاج آقا می خواهم عکس بگیرم.» کنارش می نشست و عکس می گرفت. در یکی از سایت ها هم هست که بچه ها را گرفته و سه نفری محاسن پدر را گرفته اند و می کشند. وقتی می خواستند آن بچه ها را دور کنند، پدرم گفته بود: «آنها را رها کنید، بگذارید بازی کنند.» در خانه هم همین طور بود و وقتی فرزند من شلوغ می کرد و ما می خواستیم جلوی او را بگیریم، می گفت:

«بچه است؛ بگذارید بازی اش را بکند.» از زمانی که به تبریز رفت، طبق گفته خودش حتی یک روز هم مرخصی نرفته بود و فقط سعی اش بر این بود که فرمان حکم آقا را اجرا کند. برای انجام وظیفه، وقت می گذاشت.

پدر سوار تاکسی و مترو می شد. سینما هم می رفت. کدام روحانی را دیده اید که در نماز جمعه توصیه کند که به سینما بروید و فلان فیلم را ببینید؟! فیلمی در مورد شهید ستاری ساخته بودند که مردم را به دیدن آن توصیه می کرد. همین طور فیلم «به وقت شام» که خودش نیز آن را دیده بود. در تبریز گاهی تتاثر شهر هم می رفت. البته این کارها

در تبریز برای یک روحانی تقریباً غیر ممکن است.

به یاد دارم که بازی استقلال، تراکتور در تهران بود و حاشیه هایی درست شد. بعد بازی پرسپولیس، تراکتور هم در تبریز بود. تبریزی ها هم که طرفداران دوآتشی تراکتور هستند، گفته بودند: «ما امروز وقتی بازی تمام شد، داخل شهر می ریزیم و اغتشاش ایجاد می کنیم.» پدر هم تا شنید، زنگ زد و گفت: «این کار تراکتور اشتباه است.» در امور ورزشی و حوزه فوتبال با رسول خطیبی خیلی مشورت می کرد. معتقد بود که آدم باید در کارش تخصص داشته باشد. مثلاً می گفت: «آقای فلانی شما که در فوتبال این حکم را دادی، درست است یا نه؟» به رسول زنگ می زد و یکی دو ساعت با او به گفت و گو می نشستند.

یک بار هم بحثی در مورد فضای ابری کامپیوتر پیش آمده بود. پدرم نزدیک سه چهار ساعت با چند نفر از متخصصین به طور کامل بحث کردند که من انتظار نداشتم پدرم این همه وقت پای چنین بحثی بنشیند.

حضور امام جمعه در استادیوم ورزشی

یک بار که در نماز جمعه بودیم، بعد از نماز گفت: «من به خانه می روم.» من هم به خانه پدرخانم رفتم. تا رسیدم، تلویزیون را روشن کردم، فوتبال داشت شروع می شد، که یک دفعه تصویر پدرم را دیدم که در وی آی پی نشسته است. پدرم بعد از این که به خانه می آید، می بیند که امروز تراکتور بازی دارد. به بچه های حفاظت می گوید:

«می خواهم به ورزشگاه بروم.» آنها می گویند: «ما اجازه نمی دهیم. آنجا امنیتش مناسب نیست. یکی دو نفر

که نیستند. چند هزار نفر هستند و ما هم از قبل زمینه سازی نکرده ایم و آنجا پاکسازی نشده.» پدرم گفته بود: «من نمی دانم اگر مرا نمی برید، تاکسی می گیرم.» آنها مخالفت کرده و گفته بودند: «حاج آقا! ممکن است یک دفعه به شما بی احترامی بشود، زشت است.» پدرم اصرار بر رفتن می کند و بالاخره وارد ورزشگاه می شوند. همین که پدر وارد ورزشگاه می شود، همه فریاد می زنند: «سید آل هاشم!» و او را تشویق می کنند و بعد هم سکوت. پدرم می گوید: «شما که می گفتید فلان و فلان می کنند، شما باید هوای این ها را داشته باشید.»

داعیه: پیرامون دیدارهای مردمی ایشان چند جمله بفرمایید.

چند وقت پیش زمانی که در تبریز اوضاع شهر شلوغ شده بود و روحانیت را اذیت می کردند و در ماجرای عمامه برایشان مشکل ایجاد می شد، یک دفعه سر بازار از ماشین پیاده شد و داخل بازار رفت. همه هم به او احترام می گذاشتند. پدر به صورت ۲۴ ساعته تلفنش روشن بود. تک تک پیامک های تلفنش را جواب می داد. وقتی کسی زنگ می زد، اگر نمی توانست جواب بدهد، شب که به خانه می رفت، حتی اگر شماره را نمی شناخت، خودش به آنها زنگ می زد. دیدار مردمی گذاشته بود و همه می آمدند و مشکلات شان را مطرح می کردند.

مادرم همیشه همراه و همدل او بود. پدرم هر وقت به خانه می آمد، همیشه پرونده همراهش داشت. می نشست و آنها را می خواند و امضا می کرد. مطالعه می کرد و سخنرانی آماده می کرد. می گفت: «مسئولیتی که بر دوش دارم، مسئولیت کمی نیست، چون حکم آقا است.» حضرت آقا را خیلی دوست





داشت. همیشه می گفت: «وقتی که کاری به من محول کرده اند، من تکلیف دارم و باید انجام بدهم.» به همین خاطر هر چه می گفت، ما هم تبعیت می کردیم و «چشم» می گفتیم. حضرت آقا از زمان قدیم هم به پدر بزرگم و هم به پدرم محبت داشتند. خیلی وقت ها می شد که ایشان را می دیدند و صحبت می کردند. حتی حضرت آقا هر از گاهی هم با پدرم ترکی حرف می زدند. وقتی که موضوعی بود، پدرم به خدمت حضرت آقا می رفت. زمان ارتش و یا بعد از آن، هر کار ضروری پیش می آمد، به محضر ایشان می رسید. تلاش پدرم فقط این بود که هر دستوری که حضرت آقا دادند و هر راهنمایی ای که کردند، انجام شود. می گفت: «ما فقط یک خط داریم و آن خط رهبری و ولایت است.» خط قرمز خط رهبری بود. پدرم مجذوب حضرت آقا بود و هر چه دستور می دادند، انجام می داد. ما همه سرباز آقا هستیم.

داعیه: خاطره ای اگر از دیدار با حضرت آقا دارید بیان بفرمایید.

من قبل از دیدار خانواده شهدای پرواز با حضرت آقا، یک بار در مراسم دانشگاه تهران که حضرت آقا نماز شهدا را می خواندند، قبل از نماز سعادتی شد و ایشان را دیدم. آن جا گفتم: «اگر امکان دارد، من حضرت آقا را ببینم!» و لطف کردند و اجازه دادند. من و پسر شهید امیر عبداللهیان با هم بودیم. داخل اتاق که رفتیم، حضرت آقا نشسته بودند.

گفتند: «شما فرزند شهید هستید.» و آرامش دادند و تسلیت گفتند. سپس حال پدر بزرگم را جویا شدند و گفتند:

«حتماً سلام مرا به ایشان برسان.» آن روز پدر بزرگم نیز می خواست بیاید، ولی حال

تسلیت گفتند. آن جا دست پدر بزرگم در دست من بود که گفت: «حضرت آقا! سید محمد مهدی فرزند شهید سید محمد علی و نوه من هست.» من به خواهرم نیز گفتم که جلو بیاید و با ایشان صحبت کند. نوه دختری ایشان هم بود و خیلی محبت داشتند. من آن روز به حضرت آقا گفتم: «پدرم همیشه به ما می گفت و وصیت هم کرده که «هر وقت برای من اتفاقی افتاد و شهید شدم یا فوت کردم، سلام مرا به حضرت آقا برسانید و بگویید که من تا آخرین لحظه سرباز شما بودم و هستم و از این به بعد هم سرباز شما خواهم بود.»

خوبی نداشت. به حضرت آقا گفتم: «یک یادگاری از پدرم مانده، یک انگشتر است. من از دست بابا در آوردم.» البته آن روز در انگشتم نبود و در جیبش گذاشته بود و من از جیبش برداشتم. به حضرت آقا گفتم: «اگر اجازه بدهید من انگشتر شما را داشته باشم. می خواهم آن را به دستم بیندازم.» ایشان انگشترش را از دستش در آورد و به من داد و من دستشان را بوسیدم. بعد هم صبر کردیم تا حضرت آقا به جمع مردم رفتند و ما پشت سر ایشان بیرون آمدیم.

یک بار هم پدر بزرگم را برای دیدار با حضرت آقا بردم. حدود سه چهار دقیقه ای با هم صحبت کردند. حضرت آقا دوباره

داعیه: از عادات خاص تبلیغی ایشان بفرمایید.

به تک تک مساجد سر می زد.

پدرم در تبریز هم که بود، عادت خاصی داشت؛ مثلاً ساعت چهار صبح بیدار می شد و می گفت: «به فلان مسجد برویم و بینم چه خبر است!» به شنیده هایش در مورد آن مساجد اکتفا نمی کرد و خود به تک تک آنها سر می زد. به مسجد که می رفت، می دید که فقط چهار نفر در آنجا هستند، پیگیری می کرد که چرا این مسجد این طور هست و با خود مردم منطقه در این مورد وارد صحبت می شد و پیگیری می کرد و مثلاً می گفتند: «کوچه مسجد آسفالت ندارد و خاکی هست، یاربق ندارد و یاسیستم صوتی مناسبی ندارد و...» پدرم همه اینها را پیگیری کرد و این موارد را در تک تک مساجد راه اندازی کرد.

داعیه: ایشان در جبهه ها هم حضور داشتند؟

پدرم در جبهه با شهید صیاد شیرازی بوده و مأموریت های زیادی هم رفته. سوابق جبهه پدرم زیاد است و مدارک آنها هم موجود و به هر دو جبهه جنوب و غرب می رفت و برای رزمنده ها صحبت می کرد و البته فعالیت هایی غیر از سخنرانی هم داشته، مثلاً با شهید صیاد با بالگرد برای بازدید می رفتند، چون آن زمان با ارتش در ارتباط بود. اکثر مأموریت ها و جاهایی که فرمانده ها می رفتند، رفت و آمد داشت. با خود آقای محسن رضایی تعامل داشت و مأموریت ها را با هم می رفتند. حضور فعال در مناطق عملیاتی داشت. از فعالان قبل و بعد از انقلاب بود، خود را نیروی کمکی فرماندهان می دانست.

داعیه: از شگردهای خاص تبلیغی ایشان بفرمایید.

به سربازها خیلی احترام می گذاشت.

«حاج آقا خوب نیست که شما اینجا آمده اید.» می گفت: «می خواهم برای خانه نان بگیرم، مشکلی که نیست.» در صف نانوايي ایستاد و جلو رفت. نان را که گرفت، گفت: «چقدر شد؟» گفتند: «حاج آقا! تو را به خدا، یک عدد نان که این حرف ها را ندارد!» و پول همان یک عدد نان را از جیبش در آورد و داد. شاید اگر من بودم و به من تعارف می کردند که قابلی ندارد، می گذاشتم و می رفتم، ولی او حواسش به همه چیز بود. نمی گذاشت، کسی از او ناراحت شود. دل بسیار مهربانی داشت. زمان حضورش در ارتش بود که یک اتفاقی افتاد و در حوزه کاری باید به یکی از همکاران تذکری داده می شد و چیزی می گفت، به نیم ساعت هم نمی کشید که زنگ می زد و می گفت: «حالا بیا اینجا یک چایی با هم بخوریم.» دلش نمی آمد که کسی را ناراحت کند.

وقتی اشتباهی از ما سر می زد و پدر با خبر می شد، زنگ می زد که چرا چنین اشتباهی را انجام دادی؟ می گفت: «اشتباه کردی، مثل مرد بگو اشتباه کردم و توجیه نکن.» توجیه کردن را نمی پسندید.

اقدامی که پدرم در عیدهای نوروز در تبریز انجام می داد، این بود که اول به پاسگاه می رفت. در ماه رمضان سرزده به آسایشگاه سربازان می رفت. به هلال احمر و ایستگاه آتش نشانی می رفت. هر ماه رمضان افطاری به حوزه علمیه می رفت. یا این که یک دفعه صبح ساعت هفت پیش طلبه ها می رفت و می دید که در حال خوردن املت هستند، می گفت: «اجازه است من هم بیایم و با هم صبحانه بخوریم؟» عکس هایش موجود است که با هم صبحانه می خورند.

ماه رمضان که می شد، می رفت و از نانوايي نان می گرفت و می آمد و در شهرک به تک تک کیوسک های نگهبانی که در خیابان فرماندهی گذاشته بودند، نان می داد. به من هم می گفت که پنیر بگیرم و برایشان ببرم. می گفت: «پنیری که برای خودمان می گیری، برای آنها بگیر.» سازمان هم که بود، هیچ وقت برایش غذا از بیرون نمی آمد و هر غذایی که سربازها می خوردند، برای ایشان هم همین بود.

در صف نانوايي

مثلاً به نانوايي که رفته بود، مردم او را دیدند، تعجب کردند، می گفتند:





تبلیغ

- ◀ مصاحبه با فعال تبلیغی در کشورهای آمریکای جنوبی (آرژانتین، شیلی، برزیل)
- ◀ پیاده روی اربعین از نظر عرفای شیعه
- ◀ تجارب تبلیغی سفرنامه‌ی «ماموریت بابا شاه عوض»
- ◀ تجربیات و برداشت‌های غیرمسلمانان و اهل سنت از پیاده‌روی اربعین
- ◀ خاطرات اربعینی
- ◀ روایت‌های کوتاه و دلنشین از پیاده‌روی اربعین
- ◀ سه مرثیه مکتوب اربعین
- ◀ شاخصه‌های زیست اربعینی
- ◀ رابطه مهدویت و پیاده روی اربعین
- ◀ فقه اربعین
- ◀ فلسفه زیارت اربعین در روایات و تاریخ
- ◀ موکبداران؛ میزبانان بی‌ادعای بهشت

مصاحبه با فعال تبلیغی در کشورهای آمریکای جنوبی (آرژانتین، شیلی، برزیل)



حضرت حجت الاسلام
جواد رستگاری

با سلام و احترام خدمت [حضرت حجت الاسلام جواد رستگاری] گرامی، از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید و پذیرفتید تا در این گفتگو شرکت کنید، صمیمانه سپاسگزاریم. در دنیای امروز که ارتباطات جهانی و تبادلات فرهنگی به سرعت در حال گسترش است، نقش فعالان تبلیغی در معرفی ارزش‌ها و مبانی دینی و فرهنگی، اهمیتی دوچندان یافته است.

[حاج آقای رستگاری]، شما به عنوان یکی از چهره‌های شناخته شده در عرصه تبلیغ دینی در خارج از کشور، تجربه‌ها و دیدگاه‌های ارزشمندی دارید که بی‌شک برای مخاطبان ما که علاقه‌مند به درک بهتر این حوزه و چالش‌های پیش روی آن هستند، بسیار مفید و روشن‌گر خواهد بود. در این مصاحبه، قصد داریم نگاهی

عمیق‌تر به مسیر فعالیت‌های تبلیغی شما در محیطی بین‌المللی داشته باشیم. از چالش‌هایی که در این مسیر با آن‌ها روبرو بوده‌اید، استراتژی‌هایی که برای موفقیت در این زمینه اتخاذ کرده‌اید، تا فرصت‌هایی که در پیش رو می‌بینید و راهکارهایی برای تقویت و گسترش فعالیت‌های تبلیغی در سطح جهانی.

داعیه: چه انگیزه‌ای شما را به سمت تبلیغ دین در خارج از کشور سوق داد؟

بنده با توجه به اینکه سطح ۲ تبلیغ داشتم، این پیش زمینه ای شد تا در مسئله تبلیغ به صورت تخصصی تری وارد بشم و بعد از اتمام سطح ۳ مهدویت اساتید ما در مرکز مهدویت قم از اعزام مبلغ به خارج از کشور تحت عنوان مباحث مهدویت صحبت کردند و اولین جرقه‌ها در این زمان بود.

داعیه: شرط تبلیغ در خارج از کشور چیست؟

شما برای تبلیغ در خارج از

امیدواریم این گفتگو، دریچه‌ای نو به سوی درک بهتر دین و فرهنگ از منظر جهانی بگشاید و بتواند الهام‌بخش کسانی باشد که در این مسیر گام برمی‌دارند. با آرزوی موفقیت روزافزون برای شما، گفتگوی خود را آغاز می‌کنیم.

داعیه: لطفاً یک بیوگرافی کوتاه از خودتون معرفی بفرمایید.

بنده سال ۱۳۸۳ وارد حوزه علمیه شدم و علاوه بر سطح ۴ حوزه



2024/8/24 20:29



کشور علاوه بر داشتن سطح ۳ باید به یک زبان مسلط باشید. بعد از طریق ثبت نام و شرکت در مصاحبه می‌تونید به خارج از کشور برای تبلیغ اعزام شوید.

داعیه: چه مراکز اعزام مبلغی برای خارج از کشور وجود دارد؟

جامع المرتضی و امور تبلیغ بین الملل و بنیاد فرهنگی باقر العلوم و سازمان تبلیغات از جمله مراکز اعزام مبلغ به خارج از کشور هستند.

داعیه: در مصاحبه چه چیزهایی نیاز هست؟

علاوه بر آشنایی با زبان، آشنایی با علوم روز مثل روانشناسی مخاطب و فقه و همچنین آشنایی با تخصصی که قراره برای اون به خارج از کشور اعزام بشید لازمه. مثلاً اعزام مبلغ برای مباحث مهدویت، اعزام مبلغ برای مسجدداری و تبلیغ میدانی، اعزام مبلغ برای شرکت در کنفرانس تقریب ادیان و مذاهب، اعزام مبلغ برای ترویج اسلام و دعوت به اسلام و غیره. بعد از مصاحبه کتبی و شفاهی، قبولی در استعلامات وزارت اطلاعات و دادگاه ویژه روحانیت و ارائه تعهدات کتبی لازم هست.

داعیه: آیا در سفر تبلیغی با مشکلات اجتماعی یا سیاسی خاصی مواجه شدید یا خیر؟

سفر تبلیغی بر اساس نوع تبلیغ شما در خارج از کشور متفاوت خواهد بود. همانطوری که شما ممکنه مجبور باشید از لباس

جمعیت زیادی از اسرائیلی‌ها به آمریکای جنوبی سرازیر شدند و عملاً تبلیغ ما از حالت کنفرانس به تبلیغ میدانی در بین کلیساها و به صورت نامحسوس کشیده شد.

داعیه: سفر شما به کجا بود، مختصری توضیح بدید.

سفر من به آمریکای جنوبی بود یعنی آرژانتین، برزیل و شیلی، که حدود ۳۰۰ میلیون نفر از مردم این منطقه به زبان پرتغالی صحبت می‌کنند. به طور میانگین و در مجموع حدود ۹۰ درصد از این مناطق مسیحی حدود ۸ درصد بی‌دین، یک درصد مسلمان و یک درصد جادوگر و هستند. یعنی جمعیت مسلمان این مناطق به ۳ میلیون نفر نمی‌رسه، که حدود یک سوم اون‌ها تقریباً شیعه ایرانی یا لبنانی هستند و مجموع مساجد این کشورها به تعداد انگشتان دست

طلبگی استفاده کنید یا پوشیدن این لباس در برخی جاها ممنوع باشه. مثلاً به عنوان نمونه ما هنگام ورود به کشور دبی از طریق مسئولین فرودگاه با مشکل مواجه شدیم با اینکه لباس طلبگی تن ما نبود اما سیستم‌های اطلاعاتی فرودگاه برای ما هشدار صادر کرده بود که بعد از گفتگوهای زیاد و معطلی موفق به عبور از گیت‌های پرواز شدیم. و علت مشکل هم ارتباط ما با رهبری و حوزه علمیه بود.

داعیه: اول اینکه شما برای کدام نوع از تبلیغ سفر کردید و دوم اینکه روش‌های اصلی شما برای تبلیغ چه بود؟

ما برای گفتگوهای کنفرانسی در بین اندیشمندان مسیحی و پیرامون مسئله منجی در ادیان ورود کردیم، اما با توجه به اینکه کشمکش بین ایران و اسرائیل بالا گرفت



بین افراد با ارتباط گیری چهره به چهره و طرح سوالات نامحسوس موضوع اسلام و قرآن و منجی رو با نگاهی جدید و حق گرایانه به خورد مخاطب بده.

داعیه: میشه یک نمونه فرضی از این ارتباط چهره به چهره رو بیان کنید.



بله البته، مثلاً مبلغ در طی دو هفته ای که در یک مکان سکونت داره، با ارزیابی افرادی که با اون ها ارتباط داره و احتمال اثرگذاری دیده می شه، مثلاً رستوران یا هتل در طی این چند روز به وسیله محبت و ارتباط گیری و گفتگو از مبانی اسلامی البته به صورت نامحسوس، مطالبی رو بیان می کنه.

کتب خودشون مورد واکاوی قرار می دن و جهت شفاف سازی حقایق مشترک گفتگو می کنن، بسیاری از مفاهیمی که مادر کتب تشیع داریم در سایر ادیان هم با الفاظ مختلف وجود داره. مثل بحث منجی، مثل دجال، مثل جنگ جهانی سوم،

مثل درگیری ایران و اسرائیل، مثل بیماری ها و کشتارهای همه گیر، مثل گسترش فساد و غیره.

اما گاهی مباحث از حالت کنفرانس و میزگرد خارج می شه، و به حضور مبلغ در بین جمعیت ها و دانشگاه ها و کلیساها و اجتماعات مذهبی کشیده می شه، تا مبلغ با حضور میدانی در

هم نمی رسه. بسیار از دین اسلام فاصله دارند و آشناییشون بسیار محدوده، به عبارتی جای کار کردن بسیار زیاده، البته در یک کشور مثل شیلی اوضاع گسترش فرقه ها به وسیله ترکیه مراکش و مصر و عربستان متأسفانه زیاده و تقریباً تمامی مساجد گرایش وهابی دارند. همچنین صهیونیست ها در این کشورها بسیار فعال هستند و واقعا جای کشور ما در این مناطق خالیه.

داعیه: از تفکرات مسیحیت در این کشورها بیشتر بفرمایید.

مسیحیت در این کشورها معتقدند که تشکیل یک حکومت تماماً یهودی در فلسطین، مقدمه ظهور حضرت مسیح خواهد بود و معتقدند که کشورهای ایران، روسیه، لیبی و غیره با اسرائیل وارد جنگ خواهند شد، و درست زمانی که اسرائیل در حال نابودیست مسیح ظهور می کند و مسلمانان را شکست داده و مسیحیان پیروز خواهند شد و در بین کلیساها سخنرانان این مطالب رو ترویج داده و به شدت از اون حمایت می کنند. طبیعتاً در بسیاری از کلیساها مخصوصاً در آرژانتین پرچم اسرائیل به عنوان یک نماد مذهبی برافراشته شده. البته اوضاع در برزیل مقدار بهتره

داعیه: در چنین جوی شما چطور ورود می کردید و چطور صحبت می کردید؟

یک بار قرار بر کنفرانس یامیزگرد علمی هست، طبیعتاً اندیشمندان و افراد متبحر در موضوع منجی در ادیان دور هم نشسته و مطالب رو بر اساس



نماز بدون توجه به اطراف، یک سمتی می‌ایستی و عبادت می‌کنی، با یک نگاه مشتاقانه به سمت شما می‌اومدن و شما رو به عنوان یک انسان فرهیخته و مومن تلقی می‌کردن.

داعیه: آیا محدودیت‌های قانونی خاصی برای تبلیغ دین در کشورهای میزبان وجود دارد؟

بله تبلیغ دین در کشورهای مختلف ممنوعیت دارد مگر اینکه شما ملبس باشی و در یک مسجد یا موسسه خاص رفت و آمد کنی، یعنی فقط امام جماعت یک مسجد هستی نه بیرون از مسجد. و یا اینکه تحت عنوان یک اندیشمند علمی برای طرح مباحث علمی، در مکان‌های خاص مثل دانشگاه ادیان حضور پیدا کنی اونم فقط محیط دانشگاه نه همه

مورد مشروبات. در جلسه سوم در مورد جلسات مختلط، در جلسه چهارم در مورد ارزش خانواده و و همینطور مطالب مختلف بر اساس نیاز مخاطب، و حقایقی در تورات یا انجیل که فقط افراد متخصص به آنها اشراف داشتن. و در جلسات پایانی از منبع این حقایق به نام اسلام رونمایی می‌شد.

داعیه: آیا شاهد تغییر در نگرش افراد بودید یا خیر؟

بله یک حقیقت اینه که با وجود گسترش انواع فسادها در این کشورها، اخلاق مداری و معنویت و فطرت پاک در بین اغلب این افراد وجود داشت. یعنی وقتی می‌دیدن شما گوشت خوک نمی‌خوری، شما مشروبات نمی‌خوری، شما در هنگام

مثلاً مواردی بود که وقتی که گفتگو می‌کردیم و کم کم احساس می‌کرد که من دارم اعتقادی صحبت می‌کنم، میز غذا رو ترک می‌کرد و حاضر به ادامه گفتگو نبود و اعلام می‌کرد که ما اجازه نداریم با توریست‌ها روی یک میز بشینیم و آزادانه گفتگو کنیم. از طرفی بعضی از افراد مخصوصاً کسانی که منافع مادی براشون داشت مثل رستوران‌ها، یا کلیساها که قصد داشتن ما رو به تور خودشون بندازن در حالی که خود مایه تور بودیم برای جذب اون‌ها. مثلاً در مورد چیزی که در دست رستوران دار بود می‌پرسیدم می‌گفت که این الکل، توضیحات تکمیلی در مورد الکل میداد و من هم توضیحات تکمیلی در مورد الکل و مضرات الکل و ممنوعیت الکل می‌دادم. در جلسه دوم در





مختلف و متفاوت بود. مثلاً مالیات به صورت آنلاین و بلافاصله همون لحظه از حساب فرد کاسب کسر می‌شد. فاصله گذاری اجتماعی و رعایت ماسک در هنگام بیماری یک امر ضروری بود، توجه به چراغ قرمز و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی یک امر کاملاً جا افتاده بود که البته

نمای زیبا باعث میشه که با مبانی اسلام آشنا بشن و شما حق نداری به صورت آشکار به تبلیغ پردازی. به عبارتی همون کونوا لنا زینا

داعیه: برخی از قوانین و تجربیات عینی خودتون رو مختصر بیان کنید.

در بعضی از مسائل قوانین جامعه بسیار

جا. و یا اینکه یک توریست هستید و فقط برای تفریح رفتید، بنابراین حضور شما در سطح جامعه صرفاً به عنوان یک توریست هست که به وسیله رفتارش و گفتارش و ارتباط چهره به چهره سعی می‌کنه یک نمای زیبا از یک انسان نمایش بده، و کنجکاوی اون افراد در مورد این

می گرفتن و التماس دعا داشتن. یا زمانی که ایران تهدید به حمله کرد اسرائیلی ها فرار کردن و به آمریکای جنوبی پناهنده شدن و این برای ما ملموس بود که اونجا بودیم نه برای مردم ایران

خاطرات تلخ یکیش زمانی بود که هواپیما از فرودگاه امام پرواز کرد و همه افراد ظاهراً حجاب داشتن اما به فاصله چند دقیقه به جرات به غیر از یک دو نفر همه کشف حجاب و آرایش غلیظ کردن انگار حجاب دستور خدا نیست و یک امر حکومتیه! یکی هم گسترش فساد در اون مناطق بود که هر کوچه و هر خیابون رنگ و بویی از فساد و دوری از معنویت داشت.

و کلیسای مشروب و موسیقی و غیره، پوشش خانم ها مناسب نبود اما از آرایش خبری نبود و افراد بعد از مراجعه به هتل در یک اتاق مخصوص آرایش می کردن و دو ساعت در عروسی شرکت می کردن و این شیوه استفاده از وسایل آرایشی بود، به دلیل فشارهای اقتصادی و همچنین سبک زندگی خاص، مرد و زن هر دو شاغل بودن و حتی درآمد هر فردی برای خودش جدا بود.

داعیه: یک خاطره تلخ و یک خاطره شیرین بیان کنید.

خاطرات شیرین زیاد بود از جمله وقتی که در اماکن عمومی مشغول به نماز می شدیم مردم با تعجب و با انگشت اشاره به هم نشون می دادند سلفی می گرفتن. یا داخل هواپیما اگر نماز می خوندیم با روی باز با ما برخورد می کردن و عکس

دلیلش قوانین بسیار سختگیرانه بود، عکسبرداری و فیلمبرداری از اشخاص ممنوع بود و به شدت برخورد می شد، اکثر مغازه ها و پمپ بنزین ها و داروخانه ها و فروشگاه های مختلف برای جذب مشتری از انواع تبلیغات مثل پخش موسیقی به وسیله باندهای بزرگ یا پخش موسیقی زنده یا کارواش رایگان یا سرو نوشیدنی رایگان استفاده می کردند که دلیل اصلی اون آزادی قیمت ها بود، تقریباً در همه رستوران ها نوشیدنی های اصلی حاوی الکل و مشروبات بود و شما برای به دست آوردن نوشیدنی حلال باید تلاش می کردی، اتفاقاً به دلیل استفاده از مشروبات به صورت مرسوم در بین غالب افراد یک کم حواسی و کند ذهنی خاصی در بین افراد مشهود بود، استفاده از دستمال توالت به جای آب شویع داشت، تنوع کلیساها مثل کلیسای خانواده، کلیسای زوجین و کلیسای دعا



پیاده روی اربعین از نظر عرفای شیعه



علی محمد پور

طلبه پایه پنجم سفیران علویون

پیاده روی اربعین از منظر عرفای شیعه، دارای ابعاد عمیق معرفتی و باطنی است که آن را از یک صرفاً عمل ظاهری فراتر می برد و به یک سیر و سلوک معنوی جمعی تبدیل می کند. عرفا و علمای اخلاق، این حرکت عظیم را نه تنها یک زیارت، بلکه یک تجربه عرفانی و خودسازی می دانند که انسان را به معرفت الله و قرب الهی نزدیک تر می کند.

در ادامه به مهمترین ابعاد پیاده روی اربعین از نگاه عرفای شیعه اشاره می شود:

۱. سفر معنوی و سیر و سلوک الی الله: از دید عرفا، پیاده روی اربعین، نمادی از سیر و سلوک انفسی و آفاقی است. همانطور که سالک در مسیر عرفان به سوی خدا گام برمی دارد و از خودی ها و تعلقات می رهد، زائر اربعین نیز با هر قدم، از مادیات و دلبستگی های دنیوی فاصله گرفته و به سمت معبود و حقیقت وجودی خود حرکت می کند. این پیاده روی، نوعی تزکیه نفس و پالایش روح است که انسان را برای پذیرش انوار الهی آماده می کند.

۲. تجلی ایثار و فداکاری (فناء در معشوق): در مسیر اربعین، ایثار و از خودگذشتگی به اوج خود می رسد. موکب داران با تمام وجود و بدون چشمداشت مادی، به زائران خدمت می کنند و زائران نیز با تحمل سختی ها، عشق و ارادت خود را به امام حسین (ع) ابراز می دارند. این صحنه ها، تجلی عملی مفهوم فناء در معشوق است؛ یعنی آنجا که "من" و "ما" کمرنگ می شود و "او" (حسین) در تمام وجود حاکم می گردد. عارف واقعی کسی است که از خود رها شده و در وجود معشوق فانی شود، و اربعین بستر مناسبی برای این تجربه فراهم می آورد.

۳. حضور در جمع عشاق (عرفان جمعی): برخلاف برخی از عرفان های انفرادی که بر خلوت گزینی تأکید دارند، عرفان شیعی به حضور در جمع و اجتماع نیز اهمیت می دهد. اربعین، نمونه بارز عرفان جمعی است. میلیون ها نفر با یک هدف مشترک، یک دل و یک صدا حرکت می کنند. این اجتماع عظیم، قدرت معنوی ویژه ای را ایجاد می کند که روح زائران بگذارد و آنها را در مسیر توحید و قرب الهی یاری رساند. در این جمع، فردیت کمرنگ شده و احساس تعلق به یک امت واحد حسینی پررنگ می شود.

۴. رسیدن به معرفت امام و باطن ولایت: عرفا معتقدند که معرفت به ائمه معصومین (ع) به خصوص امام حسین (ع)، صرفاً شناخت تاریخی نیست، بلکه درک



سفارش آیت الله بهجت رحمته الله علیه برای در امان ماندن در سفر و خطرات جاده ای:

دادن صدقه ■ خواندن شش بار سوره قدر ■ یک بار آیت الکرسی

بهجت الدعاء، ص ۸۲





• **میرزا جواد آقا ملکی تبریزی:** از جمله عرفای بزرگی است که خود بارها با پای پیاده از نجف به کربلا رفته و آداب خاصی را برای این زیارت توصیه کرده‌اند.

• **آیت‌الله بهجت:** ایشان پیاده‌روی اربعین را نشانه عشق به ثارالله و حرکتی پربرکت می‌دانستند.

در مجموع، عرفای شیعه پیاده‌روی اربعین را نه یک حرکت صرفاً فیزیکی، بلکه یک عروج روحی و مسیری برای قرب الهی و معرفت حسینی می‌دانند. این سفر، با تمامی مشقات و زیبایی‌هایش، یک دانشگاه سیار اخلاق و عرفان است که سالکان را در مسیر رسیدن به کمال و اتصال به حقیقت وجودی هدایت می‌کند.

توبه و بازگشت به فطرت الهی است. بسیاری از زائران در این مسیر، به خودشناسی و خودسازی می‌پردازند، از گناهان خود پشیمان شده و تصمیم به تغییر رفتار می‌گیرند. این تحول روحی، از مهمترین دستاوردهای عرفانی سفر اربعین است.

۷. ارتباط با عالم غیب و معنویت

ناب: برخی عرفا بر این باورند که در مسیر اربعین، به دلیل اجتماع پاک‌ترین دل‌ها و ارواح، ارتباط با عالم غیب و امدادهای الهی بیشتر می‌شود. این سفر، می‌تواند تجربه‌ای از معنویت ناب و خلوص را برای زائران به ارمغان آورد که کمتر در زندگی روزمره امکان‌پذیر است.

نمونه‌هایی از دیدگاه عرفا:

• **آیت‌الله قاضی طباطبائی:** ایشان پیاده‌روی اربعین را سنت مستمر شیعه در طول تاریخ می‌دانند و بر اهمیت آن تأکید فراوان دارند.

باطن ولایت و جایگاه ایشان در هستی است. پیاده‌روی اربعین، فرصتی برای تعمق در اهداف قیام امام حسین (ع) و درک عمیق‌تر از جایگاه ایشان به عنوان تجلی اسماء و صفات الهی است. برخی عرفا معتقدند که در این سفر، حجاب‌ها کنار رفته و انسان می‌تواند به درک بالاتری از ولایت دست یابد.

۵. تجربه فقر و بندگی خالصانه:

در پیاده‌روی اربعین، بسیاری از زائران از راحتی‌های زندگی فاصله گرفته و با کمترین امکانات، مسیر را طی می‌کنند. این تجربه فقر اختیاری و بندگی خالصانه، به انسان کمک می‌کند تا از وابستگی به دنیا رها شود و فقط به خدا و اهل بیت (ع) اتکا کند. این نوع زهد و بی‌تعلقی، از اصول مهم عرفان است که در این سفر به صورت عملی تجربه می‌شود.

۶. تزکیه نفس و توبه: فضای

معنوی اربعین، بستر مناسبی برای



علی مرادی

طلبه سطح سه حوزه علمیه
سفیران علویون

گمشده‌اش می‌گشت؛ کار کرده بود، زود بزرگ شده بود، اما حالا همان کودکی نکرده را در خنده‌های شبانه جبران می‌کرد.

یکی بود که به خاطر نامزدش آمده بود سربازی، اما حالا سربازی برایش بوی خاطرات سوخته می‌داد.

یکی بود که عاشق کشتی بود، اما فقر نگذاشته بود؛ مانده بود گوشه‌ی دکان لباس فروشی، با غم غربت، با سیگار، با پوست پر از جوهر.

و پیرمردی بود که دو سال بود داوطلبانه آمده بود و حضورش دلگرمی عجیبی بود.

حرکت‌هایش آرام و حساب‌شده بود. وقتی کنارش می‌نشستی، می‌فهمیدی باید کلمه‌هایت را درست انتخاب کنی.

حرف که می‌زد، کوتاه بود و ساده، اما می‌نشست روی دل آدم.

با همان قصه‌های کوتاه و خاطره‌های واقعی، چیزی می‌گفت که تا مدت‌ها یادت بماند.

هرکس داستانی داشت. هر داستان، رازی.

ما یک خانواده‌ی از پیش تعیین‌شده نبودیم. آدم‌هایی بودیم که هرکدام به هزار دلیل ناخواسته کنار هم افتاده بودیم؛ مثل تکه‌های پازلی که به‌زور در یک قاب چیده باشند.

روز اول، سخت بود. هیچ‌کس مرا «یکی از خودشان» نمی‌دید. نگاهشان پر بود از تردید، از گارد.

شاید حق داشتند. حق داشتند فکر کنند آمده‌ام از بالا نگاهشان کنم و بروم. اما من اگر می‌خواستم فقط همان مبلغ باشم، همان روز اول باید برمی‌گشتم.

نشستم. گوش کردم. ساعت‌ها. شب و روز. بدون قضاوت، بدون عجله برای جواب دادن.

از دلشان گفتند. از شکست‌هاشان، از زخم‌هایی که هنوز تازه بود، از امیدهایی که نصفه‌کاره مانده بود.

از عشقی که رفت، از فقری که راه را بست، از سیگاری که سنگ صبورشان شد، از تنویری که زخم را روی پوست حک کرد تا شاید کمی سبک شوند.

یکی بود که هنوز دنبال کودکی

نمی‌دانم از کجا شروع کنم... شاید از همان لحظه‌ای که خبرش رسید و من ته دلم گفتم: «نمی‌خواهم».

دل‌کندن از خانه، از خانواده، برای من آسان نبود. همه چیز در زندگی‌ام طوری بود که نباید به این مأموریت می‌رفتم. اما حالا، در انتهای این راه، وقتی چشم‌هایم را می‌بندم و لحظه‌به‌لحظه‌اش را مرور می‌کنم، می‌بینم اگر نیامده بودم، چه گنجی را از دست می‌دادم؛ گنجی که نه در کتابی نوشته شده، نه در کلاسی تدریس می‌شود.

همه چیز ساده بود؛ من قرار بود یک مبلغ باشم: چند ساعت سخنرانی، چند کلاس عقیدتی، چند نماز جماعت. کاری که بلد بودم، کاری که فکر می‌کردم جواب می‌دهد.

اما این جمع، این مکان، این آدم‌ها. با هیچ چیز آماده‌شده‌ای جواب نمی‌دادند. این‌جا، حرف کلیشه‌ای خریدار نداشت. اینجا اگر می‌خواستی شنیده شوی، باید قبلش شنونده می‌شدی.



امروز اگر کسی پرسد: «ماموریت چطور گذشت؟»

می‌گویم: «من کاری نکردم، این آدم‌ها بودند که به من درس دادند.»

یاد گرفتم آدمی اگر شنیده شود، دوباره جان می‌گیرد.

یاد گرفتم هیچ‌کس بی دلیل سرد نیست. هیچ‌کس بی دلیل فاصله نمی‌گیرد.

این سفر شاید در نگاه مدیران، همان چیزی نشد که روی کاغذ نوشته بودند؛ اما در دل من، چیز دیگری شد؛ خانواده‌ای که با من ماند.

خانواده‌ای که اگر روزی هم دیگر نبینمش، می‌دانم گوشه‌ای از دل هم مانده‌ایم.

و در پایان این سفر، اگر قرار باشد چیزی بگویم، فقط همین است:

«هر آدمی اگر شنیده شود، دوباره نفس می‌کشد.»

شاید ما فقط باید بلد شویم گوش کنیم تا دل‌ها دوباره جان بگیرند»

سوال‌ها خودشان سبز شدند. دیگر نیازی به «اجبار» نبود.

هرکس هر جا فرصتی می‌دید، سوالی می‌پرسید، چیزی می‌گفت، گوشه‌ای باز می‌شد.

کم‌کم یکی از خودشان شدم. دیگر کسی نمی‌گفت «این مبلغ است»، «این بازرس است».

ما خانواده‌ای شدیم؛ خانواده‌ای دهنفره، در دل جایی که قرار بود غریبه بمانیم. حالا که نگاه می‌کنم، می‌فهمم آن چه در گزارش‌ها نوشته می‌شود، تنها بخشی از کار است.

اصل کار، همان چیزی است که در دل آدم‌ها رخ می‌دهد.

این سفر یادم داد دل‌ها را باید دید، نه ظاهرها را. زخم‌ها را باید شناخت، نه نقاب‌ها را.

یادم داد که گاهی باید دهان را بست و فقط گوش شد.

هر راز، گرهی که سال‌ها بسته مانده بود. کم‌کم فهمیدم من نیامده‌ام که کلاس برگزار کنم؛ نیامده‌ام که فقط جماعت را به صف کنم.

من آمده‌ام که گوش کنم.

شب‌ها که خستگی روز جمع می‌شد، دور آتش حلقه می‌زدیم؛ همان آتشی که یخ دل‌هایمان را آب می‌کرد.

همان جا خنده و درد و خاطره درهم قاطی می‌شد. همان جا قصه‌ها راحت‌تر گفته می‌شد و حرف‌هایی باز می‌شد که جایی برای گفتشان نبود.

صدای چوب‌هایی که می‌سوخت، انگار زبان دل همه‌مان بود.

و چقدر عجیب بود که شنیدن، گره‌راشل می‌کرد...

انگار هرکس بخشی از سنگینی‌اش را زمین می‌گذاشت وقتی می‌دانست قصاصت نمی‌شود.

شب‌ها کوتاه‌شد، روزها سریع گذشت.



تجربیات و برداشت‌های غیرمسلمانان و اهل سنت از پیاده‌روی اربعین



محمد مرتضی قلی
 طلبه پایه پنجم حوزه سفیران علویون

پیاده‌روی اربعین، رویدادی بی‌نظیر است که هر ساله میلیون‌ها نفر را از سراسر جهان، از مذاهب و ادیان گوناگون، به سوی کربلا می‌کشاند. حضور زائران غیرمسلمان و اهل سنت در این راهپیمایی عظیم، یکی از جذاب‌ترین و تأمل‌برانگیزترین ابعاد اربعین است. گفت‌وگو با این زائران، پرده از برداشت‌ها، تجربیات و تغییرات عمیقی برمی‌دارد که این سفر معنوی در وجود آن‌ها ایجاد می‌کند.

۱. انگیزه‌های حضور

برای بسیاری از غیرمسلمانان و اهل سنت، تصمیم به شرکت در پیاده‌روی اربعین از انگیزه‌های متنوعی نشأت می‌گیرد:

• **کنجکاوی و جستجوی حقیقت:** برخی با شنیدن روایت‌ها و دیدن تصاویر این حماسه میلیونی، کنجکاو می‌شوند تا خود از نزدیک این پدیده را تجربه کنند. این کنجکاوی غالباً با جستجوی معنویت، حقیقت و معنا در زندگی همراه است.

• **دعوت دوستان یا آشنایان:** بسیاری از طریق دوستان و همکاران شیعه خود دعوت می‌شوند و با تردید یا هیجان اولیه، این سفر را می‌پذیرند.

• **جاذبه‌های انسانی و معنوی:** برخی دیگر جذب عظمت انسانی، ایثار و همبستگی بی‌نظیری می‌شوند که در اربعین به نمایش گذاشته می‌شود و بدون هیچ پیش‌زمینه‌ی مذهبی خاصی، صرفاً برای تجربه این بُعد انسانی پا در راه می‌گذارند.

• **مطالعه و تحقیق:** عده‌ای نیز پس از مطالعه در مورد واقعه کربلا و شخصیت امام حسین (ع) به عنوان یک نماد آزادی‌خواهی و مبارزه با ظلم، تصمیم می‌گیرند به این کاروان بپیوندند.

• **نذری یا حاجت‌روایی:** هرچند کمتر شایع است، اما مواردی هم دیده شده که غیرمسلمانان یا اهل سنت برای حاجت‌روایی یا نذری که کرده‌اند، به این پیاده‌روی می‌آیند.

۲. تجربه سفر و برداشت‌های اولیه

ورود به فضای اربعین، برای زائران غیرمسلمان و اهل سنت، اغلب با شگفتی و تحیر آغاز می‌شود:

• **شوک فرهنگی و معنوی:** اولین چیزی که آن‌ها را درگیر می‌کند، مقیاس عظیم جمعیت، مهمان‌نوازی بی‌حد و حصر موکب‌داران و شور و حرارت معنوی حاکم بر فضا است. آن‌ها نمی‌توانند باور کنند که چگونه میلیون‌ها نفر، بدون هیچ چشم‌داشتی، به خدمتگزاری مشغولند.

• **احساس امنیت و آرامش:** برخلاف تصورات قبلی که ممکن است بر اساس اخبار رسانه‌های مغرض شکل گرفته باشد، بسیاری از این زائران، حس امنیت و آرامش عجیبی را تجربه می‌کنند. آن‌ها درمی‌یابند که این حرکت، نه یک تجمع سیاسی، بلکه

یک جریان عمیقاً معنوی است.

• **همزیستی مسالمت‌آمیز:** حضور افراد از ملیت‌ها و مذاهب مختلف، در کنار یکدیگر و بدون هیچ درگیری یا تبعیضی، برای آن‌ها بسیار جذاب و آموزنده است. آن‌ها شاهد برابری برادری واقعی می‌شوند.

• **معنای خدمت:** شاهد بودن ایثار موکب‌داران که حتی پای زائران را می‌شویند یا ماساژ می‌دهند، برای آن‌ها معنای خدمت و فروتنی را دگرگون می‌کند. این صحنه‌ها، تصویری متفاوت از دین و انسانیت ارائه می‌دهد.

۳. درک عمیق‌تر از امام حسین (ع) و عاشورا

یکی از مهمترین دستاوردهای این گفت‌وگوها، درک دگرگون شده این زائران از امام حسین (ع) و نهضت عاشورا است:

• **امام حسین (ع):** نماد آزادی و عدالت: بسیاری از آن‌ها درمی‌یابند که امام حسین (ع) تنها امام شیعیان نیست، بلکه نمادی جهانی از ایستادگی در برابر ظلم، فساد و ستم است. آن‌ها پیام "هیئات منا الذله" را فراتر از یک شعار مذهبی، به عنوان یک اصل انسانی درک می‌کنند.

• **عاشورا:** حماسه‌ای برای بشریت: واقعه کربلا دیگر برای آن‌ها یک حادثه تاریخی صرف نیست، بلکه حماسه‌ای است که درس‌های جهانی ایثار، فداکاری، حق‌طلبی و کرامت انسانی را به همه بشریت می‌آموزد.

• **پلی به سوی شناخت اسلام حقیقی:** برای بسیاری، این سفر، راهی برای شناخت اسلام حقیقی و دور از تحریفات و خشونت‌هایی است که

راهکارها

- **تسهیلات ویژه:** فراهم آوردن راهنماهای چندزبانه، موب‌های ویژه برای زائران غیرایرانی و ارائه اطلاعات جامع پیش از سفر می‌تواند به تسهیل سفر آن‌ها کمک کند.
- **پاسخ به شبهات:** حضور روحانیون و کارشناسان آگاه به زبان‌های مختلف برای پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات این زائران بسیار ضروری است.
- **دعوت و میزبانی هدفمند:** دعوت هدفمند از شخصیت‌های فرهنگی، علمی و رسانه‌ای غیرمسلمان و اهل سنت، می‌تواند به گسترش این تجربه و

اربیین تبدیل می‌شوند. آن‌ها تجربیات خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند و به روشن‌گری درباره این رویداد عظیم می‌پردازند، و بدین ترتیب، دایره آشنایی با اربیین را گسترش می‌دهند.

- **تأثیر بر نگاه جهانی:** این روایت‌های دست‌اول، به تدریج می‌تواند در تغییر نگاه رسانه‌های جهانی و اذهان عمومی نسبت به اسلام و شیعه مؤثر باشد و تصویر واقعی‌تری از این دین و مذهب را ارائه دهد.

۵. چالش‌ها و راهکارها

هرچند تجربیات عمدتاً مثبت است،

در رسانه‌ها به تصویر کشیده می‌شود. آن‌ها اسلام را در چهره مهربان و ایثارگر موب‌داران و زائران می‌بینند.

۴. تغییرات شخصی‌پایمدها

تجربه اربیین غالباً منجر به تغییرات عمیقی در زندگی این زائران می‌شود:

- **تحول روحی و معنوی:** بسیاری از آن‌ها، پس از بازگشت، احساس می‌کنند که از نظر روحی و معنوی متحول شده‌اند. آن‌ها ممکن است به دنبال مطالعه بیشتر درباره اسلام، تشیع و شخصیت امام حسین (ع) بروند.



پیام اربیین کمک کند.

نتیجه‌گیری

گفت‌وگو با زائران غیرمسلمان و اهل سنت، نشان می‌دهد که اربیین فراتر از یک رویداد مذهبی، یک پدیده جهانی و انسانی است که پیام‌های عمیق صلح، ایثار، عدالت‌خواهی و وحدت را به گوش جهانیان می‌رساند. این زائران، با تجربه مستقیم فضای اربیین، به واسطه‌هایی مهم برای انتقال حقیقت کربلا و تصویر واقعی اسلام تبدیل می‌شوند و این خود، یکی از مؤثرترین ابزارها برای ترویج پیام اربیین در دنیای امروز است.

اما ممکن است چالش‌هایی نیز وجود داشته باشد:

- **بسترهای فرهنگی و زبانی:** تفاوت‌های زبانی و فرهنگی می‌تواند در ابتدا یک چالش باشد که با مهربانی و زبان مشترک انسانی و حسینی تا حدود زیادی برطرف می‌شود.
- **شبهات و تصورات قبلی:** برخی زائران ممکن است با شبهات یا تصورات نادرستی از شیعه وارد این سفر شوند که نیاز به تبیین و روشن‌گری در طول مسیر دارد.

• **بازنگری در باورها:** برخی غیرمسلمانان، حتی به اسلام یا تشیع گرایش پیدا می‌کنند. برای اهل سنت نیز، این سفر به درک عمیق‌تر از جایگاه اهل بیت (ع) و پیوند عمیق آن‌ها با امام حسین (ع) منجر می‌شود.

• **تغییر در سبک زندگی:** ایثار، سادگی و برادری که در اربیین تجربه کرده‌اند، ممکن است بر سبک زندگی آن‌ها در محیط عادی نیز تأثیر بگذارد و آن‌ها را به سمت رفتارهای اجتماعی‌تر و انسانی‌تر سوق دهد.

• **سفیران اربیین:** این زائران، پس از بازگشت به کشورهای خود، به سفیران

خاطرات اربعینی



حجت الاسلام رحیم حضرتی طلبه درس خارج مدرسه آخوند (ره)

دیباچه

راهپیمایی اربعین، نمادی از عشق و دلدادگی به سیدالشهدا (ع) است. این حرکت عظیم، نه تنها یک رویداد مذهبی، بلکه یک پدیده فرهنگی و اجتماعی است که هر ساله میلیون‌ها نفر از سراسر جهان را به سوی کربلا می‌کشاند. در این سفر معنوی، زائران با پای پیاده، رنج و مشقت را به جان می‌خورند تا در کنار مرقد مطهر امام حسین (ع)، تجدید بیعت کنند و از این دریای بیکران، جرعه‌ای بنوشند.

خاطرات اربعینی، مجموعه‌ای از تجربیات ناب و لحظات معنوی است که در این سفر برای زائران رقم می‌خورد. این خاطرات، گنجینه‌ای ارزشمند از عشق، ایثار، همدلی و ایمان است که در دل‌ها حک می‌شود و تا ابد ماندگار می‌ماند. هر زائری، کوله‌باری از خاطرات دارد؛ از موکب‌هایی که با روی گشاده پذیرای زائران هستند، تا همسفرانی که در این مسیر، همراه و یاور یکدیگرند.

در این مقاله، به بیان خاطرات اربعینی

می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم تا گوشه‌ای از این دریای بیکران را به تصویر بکشیم. هدف ما، ثبت و انتقال این تجربیات ارزشمند به دیگران است، تا شاید این چراغ، راهنمای دل‌های مشتاق شود و آنان را نیز به این سفر معنوی دعوت کند.

خاطره اول

من رحیم حضرتی هستم به طلبه ساده آخ جاتون خالی جوونا و نوجونا اگه بدونید چه حالی می‌ده وقتی به اسم سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صداتون می‌زنن یا می‌شناسن تون چقدر حال می‌ده امیدوارم نوکر

خوبی تونسته باشم برا حضرت، خب خیلی دور نشیم سال اولم بود که میرفتم کربلا اونم تو اربعین رفتم گذرنامه ثبت نام کردم بعد ده روزی اومده بود در خونه مون مامان عزیزتر از جونم رفته از پستچی گرفته بود وقتی از مسجد اودم خونه با دوتا چشمی که پر از اشک دلتنگی و شوق بود روبرو شدم می‌دونم چرا چون مادرم تا حالا کربلا نرفته بود.

بغلم کرد از سر و صورتم بوسید و گفت عزیز دلم خوش بسعدت گذرنامه ات اومد ان شاء الله میری زیارت آقا بغض گلوم گرفت همونجا گفتم مادر تا شما





دوروز در جوار آقا نفس کشیدم و راهی شدم بسوی کربلا همسفرام جدا شدن من ماندم مسیر پیاده روی و دنیایی نوگر که میخواستن هر چه زودتر برسند به آقا جاتون خالی چقدر شور، چقدر محبت و عشق، ایثار و فداکاری از این موکب به این موکب تا اینکه بعد از دوروز و نصفی رسیدم سلام آقا که الآن روبرو توئم من اینجام و زیارت نامه میخونم السلام علیک یا ابا عبد الله الحسین علیه السلام بغضم ترکید فریاد زدم یا حسین یا ابوالفضل یا علی .

مدهوش و سرمست بودم رفتم به موکب که استراحت کنم کوله م بذارم برم عرض ادب خدمت ارباب بی کفن تا وارد موکب شدم بهت زده شدم خدایا چندتا از طلبه های حوزه مون رفیقام خدایا ممنونم ازت بعد احوالپرسی و استقبال، پذیرایی از من رفتم خوابیدم بعدش رفتم آماده شدم راهی زیارت شدم چند ساعت موندم تو حرم و عقده های دلمو وا کردم و سلام

سیدگفت حاجی شما فکر کنم عربی بلد باشید یه ماشین هماهنگ کن بریم نجف یادم رفت بگم سیدعلی یکی از سه نفر همسفرم بود گفتم سید بلد که نیستم ولی سعی میکنم کارمون راه بیفته رفتم جلوون راننده داخل بود گفتم نجف نعم نعم تفضل بفرمائید سوار شدیم راننده هم سیدصابر بود اسمش تکمیل شد و حرکت کردیم کلی باهم دست و پا شکسته صحبت کردیم و خوش گذشت یه سه ساعتی خوابم برد یه موقع صدا کرد شیخ حبیبی سیدنا علی خدایا خواب میبینم رسیدیم حرم شاه نجف .

السلام علیک یا امیرالمومنین علی علیه السلام اشک جاری شد پیاده شین کرایه ها رو جمع کرد و نوبت ما شد گفت شیخ مهمان سید گفتم نه زحمت کشیدید نمیشه گفت اصلاً شیخ علی رأسی خدایا ممنونم ازت بخاطر توفیق طلبگی .

رو هم نبرم نمیرم همین صبح میریم گذرنامه میگیرم برات گفت این حرف نزن پسرم آقا طلبیده باید بری من با این پا درد نمیتونم پیاده پیام تازه یکی باید باشه به بابات آبجی داداشات برسه برو ما رو هم دعا کن و سلام به آقا برسان .

گذشت یک هفته مونده به اربعین سیدالشهداء راهی شدم اوادم کنار جاده و پژو ۴۰۵ که سه تا بچه هییتی و امام حسینی داخلش بودن نگه داشتن سوال کرد حاجی کجا میری گفتم پابوسی امام حسین علیه السلام گفت بیا بالا که ماهم نوکریم تو راه کلی خوش بش کردیم و قلبمون هرچی نزدیکتر می شدیم تندتر میزد تا رسیدیم مهران ماشین پارکینگ پارک کردیم رفتیم سمت پایانه شانس ما زیاد شلوغ نبود معطل نشدیم ساعت ۲:۴۵ دقیقه بامداد از مرز رد شدیم و رفتیم بسمت پایانه کشور دوست عراق او نجا هم بلطف خدا بسلامتی عبور کردیم

و التماس دعاها رو خدمت آقا رساندم و برگشتم موکب کوتاه کنم شب اربعین رسید رفتم حرم زیارت و برگشتم سمت خیمه گاه که هم هیئت هامون قرار بود جمع بشن و روضه خوانی و سینه زنی خدا رو شکر، فقط بگم جاتون خالی وسط روضه گفتم آقا یه خواهش دارم ازت که اذن بدی بهم یه گوشه از حرم اطراف حرم نوکری کنم برات بشم خادم افتخاری حرمت پاشدم و اوادم بیرون نگام افتاد به کفشداری خیمه گاه دیدم یه جوون خوش سیمایی داره کفشداری می کنه اما از قیافه معلوم بشدت خوابش میاد چون کفشهارو هم بعضاً اشتباهی میداد رفتم جلو سلام کردم خدا قوت گفتم با کلی سختی تونستم بگم بیا برو استراحت کن من وایسم جات گفتم لا لا برو از من اصرار از اون انکار اوادم رو برو نشستم زمین شروع کردم به آقا التماس کردن که قبول کنی نوکر خونه تون باشم حتی دقیقه ای یهو دیدم کسی داره صدام میزنه دیدم جوون کفشدار یعنی آقا یعنی اذن دادی آقا رفتم جلو مات و مبهوت گفتم بیا داخل من برم ساعتی بخوابم خدایا ممنونم ازت آقا جان ممنونم قربونت برم جوون رفت من از ساعت یک بامداد تا ساعت ۸ صبح شدم کفشدار کفشداری خیمه گاه امام حسین علیه السلام بهترین لحظات عمرم که هیچوقت فراموش نمیکنم و از خدا خواستم حاجات دل همه ی شما و من روسیاه برآورده کنه بحق الحسین علیه السلام.

آغاز حیات ما حسین بن علی ست
پایان ممات ما حسین بن علی ست
ای غرقه ی زور و زور و تزویر یزید!
کشتی نجات ما حسین بن علی ست

خاطره دوم

سلام دوستان عزیزم و مخاطبان گرامی میخام یه خاطره بگم براتون برا شمایی که شرایط جور نیست نمی تونید امسال هم مثل من جزو زائران اربعین

پناه من است

علیه السلام

باشید و بقولی جامانندگان.

تقریباً چند سال پیش بود داشت اربعین می رسید هر چی تلاش می کردم منم برم نمی شد که نمی شد انگار آقا دلتنگ من نشده بود چون از آقا امام صادق علیه السلام سوال کردن آقا جان اینکه ما خدمت شما می رسیم بستگی به پولمون داره یا همت مون، رفقا آقای من و شما فرمود نه پول کارسازه نه همت

تون، پ چیه آقا جان فرمودن تا ما دلمون به شما تنگ نشه و طلب شما رو نکنیم از خداوند امکان نداره بتونین بیاین به دیدن ما، خلاصه دیدم نه واقعاً نمیشه دیگه آقا جان چرا زور میگی گفتم بذار لااقل یه کاری کنیم و دل بنده گان خدا رو شاد کنیم رفتم سراغ سه تا از دوستان میثم و بهنام حجت، گفتم حالا که دعوت نشدیم بیاین یه کار خیری کنیم بریم یه روستایی کار جهادی انجام بدیم روز اربعین هم مردم جمع کنیم روضه بخوانیم عزاداری کنیم و بعد از ظهر اربعین هم برگردیم.

آقا قبول بزن قدش میثم و بهنام و حجت من همه باهم یا علی گفتم قرار شد صبح ساعت ۷ راه بیفتیم بسمت یک روستای محروم، راهی شدیم ۹ رسیدیم همون ورودی روستا صبحانه خوردیم حرکت کردیم سراغ بزرگ روستا گرفتیم آدرس حسین آقا رو دادن شخصی مومن با خدا اهل روضه و خدمت در عین نداری از دیدن ما و قصد و نیت ما خوشحال شد محل خدمت نشون داد شروع کردیم به خدمت با میثم عصرها جوونا و نوجونا رو جمع میکردیم احکام و گپ و گفت دوستانه راه انداختیم، اربعین رسید مردم رو جمع کردیم مسجد کوچک روستا روضه خوندم سینه زنی کردیم ظهر هم حسین عمو ما رو برد منزلشون

جایی که گنبد قمر منیر بنی هاشم خودنمایی می‌کرد و دل از عاشقان می‌ربود اربعین سه روز هم در کربلا ماندم زیارت عباس بن علی علیه السلام و ابی عبدالله عزیز رفته و عشقبازی با مولای عاشقان اربعین فرارسید و قرائت زیارت نامه اربعین و خداحافظی با آقا دوباره برگشتم نجف صبح دو روز بعد اربعین بود که میخواستم برگردم مرز رفته زیارت ظهر شد با آقا خداحافظی کردم راه افتادم نه موکبی نه غذایی نه آبی هزینه هم بالا پول هم فقط اندازه برگشت نگه داشتم بودم گرسنگی شدیدی بر من غالب شد نشستم به روی پله ای نفسی تازه کردم خدایا گرسنه م چه کنم رو کردم به گنبد مولا عرض کردم آقا جان شاهی نه پولی دارم نه غذایی که بخورم گرسنگی هم امانم بریده نظری کن مولا ، هنوز حرفم تمام نشده بود ناگاه پنجره پشت سرم باز شد آقایی با زبان فارسی پرسید ایرانی هستی بله غذا خوردی نه ناگهان بسته غذایی را بیرون آورد گفت یکی از خدام آقا نیامده سهم اوست گفتم پنجره را باز میکنم به اولین نفری که بینم میدهم گرفتم تشکر کردم و مشغول به خوردن ماهی قزل آلا و شویدپلو شدم با ولع تمام غذا که تمام شد یادم افتاد که از آقای عالم چه خواستم و چگونه برآورده فرمودند.

اللهم عجل لوليک الفرج

افتادیم بعد چند ساعت مهران پیاده شین پیاده شدیم و با اتوبوس های واحد رفته بسمت پایانه خیلی شلوغ ماشاءالله اینهمه زائر دو ساعتی تو پایانه موندم و بلاخره نوبت خروج من هم رسید از پایانه های ایران و عراق عبور کردم سوار ماشین های عراقی شدم



رفتم نجف خدمت و پابوسی امام علی علیه السلام .

ایوان نجف عجب صفایی دارد
حیدر بنگر عجب بارگاهی دارد

چهار روز در نجف ماندم بعد راهی کربلا شدم از طریق العلما عجب حالی و صفایی و مردمانی مثل آینه صاف و صادق روز سوم رسیدم

یه آبگوشت با دوغ محلی مهمان مون کرد و تشکر حسابی کرد خداحافظی کردیم وسیله هارو بار زدیم راه افتادیم که یهویه پیر مرد کنار یه خانه کاه گلی قدیمی نیمه مخروبه عصاش بلند کرد نگه داشتیم به احترامش پیاده شدیم حجت گفت جانم پدر جان امری دارین گفت میخواستم تشکر کنم بابت زحماتی که کشیدید ممنونم حاجی وظیفه است شما کمبود هارو ببخشید گفت فقط دارین میرین سلام من به شاه برسونید بله هان چی می شنویم میثم بهنام دارین میرین سلام من به شاه برسونید سکوت کردیم سوار ماشین شدیم یهو چنان زدیم زیر خنده که دل درد گرفتیم ، اینهمه زحمت و تبلیغ دین و نظام آخرش... هه هه عجب.

سر میدهم سروش نجف روزی ام کنید
ابر گناه پوش نجف روزی ام کنید
هستم پیاله نوش نجف روزی ام کنید
دیدار می فروش نجف روزی ام کنید

خاطره سوم

دومین سالی بود که اربعین توفیق پیدا کردم که کربلا برم کوله م بسته م راهی شدم ترمینال همدان یه اتوبوس داشت حرکت می کرد بسمت مهران دونفرم جا داشت سوار شدم تو مسیر یه موکب نگه داشتن براشام چه باصفا بی ریای بی ریا تخم مرغ و سیب زمینی آب پز دادن بهمون با یه لیوان چای یه جوری مزه داد که انگار نه انگار که همون سیب زمینی و تخم مرغی که تو خونه می پزند با هزار جور غر زدن میخوریم راه

روایت‌های کوتاه و دلنشین از پیاده روی اربعین



حسین سبزیان

طلبه پایه پنجم مدرسه علمیه سفیران علویون

مقدمه

پیاده روی اربعین، دریایی موج از ارادت و عشق است که در هر گوشه از آن، می‌توان داستانی از ایثار، کرامت و پیوندهای عمیق انسانی یافت. این روایت‌های کوتاه، تکه‌هایی از این بهشت زمینی هستند که عمق معنویت و زیبایی‌های این سفر را به تصویر می‌کشند:

۱. کفش‌های جادویی پیرمرد

«سال‌ها پیش بود، اولین بار که برای اربعین با پای پیاده رفتم. بعد از چند کیلومتر، کفش‌هایم پایم را زد و تاول‌های بزرگی روی پاهایم نشست. درد امانم را بریده بود. گوشه‌ای نشستم و اشک می‌ریختم. پیرمردی عراقی که از کنارم می‌گذشت، متوجه حال من شد. بدون اینکه کلمه‌ای حرف بزند، نشست مقابلم، کفش‌هایش را درآورد - که سایز پای من نبود اما خیلی

راحت به نظر می‌رسیدند - و با اصرار آن‌ها را به من داد. هر چه اصرار کردم که خودت چه؟ فقط لبخند زد و با اشاره گفت که او راه زیادی ندارد. بعد هم با پاهای برهنه به راهش ادامه داد. آن کفش‌ها برای من جادویی بودند؛ نه تنها دردی حس نکردم، بلکه احساس می‌کردم با هر قدم، سبک‌تر می‌شوم. هنوز هم یاد لبخند آن پیرمرد، آرامم می‌کند.»

۲. لیوان آبی که جان شد

«ظهر گرم اربعین بود و حسابی تشنه بودم. موکب‌ها کمی از هم فاصله داشتند و توان راه رفتن نداشتم. از شدت گرما

سرم گیج می‌رفت. یک نفر که از کنارم رد می‌شد، متوجه شد. ایستاد و با لهجه غلیظ عراقی گفت: «عطشان؟» سرم را تکان دادم. او بلافاصله بطری آب سردی را از کیف کوچکش بیرون آورد، در لیوان یکبار مصرفی که از موکب قبلی برداشته بود، آب ریخت و با اصرار دستم داد. آب را که خوردم، انگار جان تازه‌ای گرفتم. وقتی خواستم بطری را پس بدهم، با اشاره دست گفت: «للزوار!» (برای زائران!) و با لبخند دور شد. آن لیوان آب، فقط تشنگی‌ام را برطرف نکرد، بلکه ایمانم را به مهربانی و بخشش آدم‌ها سیراب کرد.»

۳. خواب در آغوش آرامش

«همراه با دوستم پیاده می‌رفتیم و خیلی خسته بودیم. هر موکبی می‌رسیدیم، پر بود و جایی برای خواب پیدا نمی‌کردیم. ناامید شده بودیم. کنار جاده، پیرزنی عراقی نشسته بود که با دیدن صورت‌های خسته ما، به سمتمان آمد و با اشاره از ما خواست دنبالش برویم. او ما را به خانه‌اش برد، خانه‌ای کوچک و ساده. روی زمین برایمان رختخواب پهن کرد و حتی با دست‌های خودش، ما را باد زد تا خنک شویم و خوابمان ببرد. صبح که بیدار شدیم، متوجه شدیم که پیرزن خودش تمام شب را بیدار مانده تا ما راحت بخوابیم. این همه ایثار و مهربانی در آن چهره چین و





چروک خورده، هنوز هم در خاطرم زنده است.»

۴. نذر هر ساله، نه برای خود

«یک سال در یکی از موکب‌های بین راه، با مردی آشنا شدم که هر سال از بصره می‌آمد و به مدت یک هفته، خودش به تنهایی تمام کفش‌های زائران را واکس می‌زد. از او پرسیدم چرا این کار را می‌کند؟ گفت: «من سال‌ها بیمار بودم و دکترها جوابم کرده بودند. یک روز نذر کردم اگر شفا پیدا کنم، هر سال در مسیر اربعین، کفش زائران امام حسین (ع) را واکس بزنم. شفا پیدا کردم و حالا این نذر من است.» او بادست‌های پینه‌بسته‌اش، کفش‌های هزاران زائر را برق می‌انداخت، نه برای خود، بلکه برای ادای عهد و پیمانی که با امام بسته بود.»

۵. کرامت در لحظه‌های آخر

«در یکی از آخرین ستون‌ها به سمت حرم، پسر بچه‌ای حدوداً ده ساله را دیدم که گوشه‌ای نشسته بود و آرام اشک می‌ریخت. نزدیکش رفتم. متوجه شدم گم شده و از خانواده‌اش دور افتاده است. خیلی ترسیده بود. سعی کردم آرامش کنم. به او گفتم: «نترس، امام حسین هوای همه زائرانش را دارد.» در همان لحظه، ناگهان مردی از میان جمعیت با عجله به سمت ما آمد و با هیجان پسرش را در آغوش گرفت. معلوم شد خانواده‌اش چندین ساعت بود که دنبال او می‌گشتند و ناامید شده بودند. پدرش گفت که در عالم خواب به او الهام شده که پسرش در

همین ستون‌هاست. این ماجرا، برای من مصداق روشنی از کرامت و عنایت امام حسین (ع) در مسیر اربعین بود.»

این داستان‌ها، تنها بخش کوچکی از هزاران روایت پنهان و آشکار در مسیر اربعین است که هر کدام، گواهی بر عظمت این حماسه و پیوند عمیق میان زائران و میزبانان در راه عشق حسینی است.

ایستادم در راه حسین

سه مرثیه مکتوب اربعین



عباس محبتی

طلبه سطح سه حوزه سفیران علویون

پروژه اربعین حسینی، یکی از عمیق‌ترین و سوزناک‌ترین بخش‌های عزاداری شیعیان است. این روضه‌ها، عمدتاً زبان حال حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) و کاروان بازگشته از شام را به تصویر می‌کشند که پس از چهل روز فراق و مصیبت، به کربلا بازگشته و دوباره با پیکرهای پاره‌پاره عزیزانشان روبرو می‌شوند.

روضه اول (ورود به کربلا)

سلام ابتدایی: اَلْسَلَامُ عَلَیْکَ يَا اَبَاعَبْدَ اللّٰهِ وَ عَلَی الْاَزْوَاجِ الَّتِیْ حَلَّتْ بِفِئَاثِکَ عَلَیْکَ مِنْی سَلَامٌ اللّٰهُ اَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِنْی لِزِیَارَتِکُمْ. اَلْسَلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَوْلَادِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی اَصْحَابِ الْحُسَیْنِ.

ورود به کربلا - زبان حال حضرت زینب (س):

«چهل روز گذشت... چهل روزی که بر من، چهل سال گذشت... امروز، روز اربعین است. کاروان بازگشته از شام، بعد از رنج سفر، بعد از سیلی

و تازیانه، بعد از بازار شام و مجلس یزید، بالاخره به کربلا رسید. خوش آمدی ای کربلا... خوش آمدی ای سرزمین غم... چهل روز پیش، با چه شکوهی از اینجا رفتم... با برادرانم، با عباس و اکبر، با قاسم و عون و جعفر... با کودکان خندان... اما امروز، چه آورده‌ام برایت کربلا؟ کاروانی از دل‌های شکسته... سرهای به نیزه رفته... و زنانی که قامتشان خمیده است...

مقدمه ورود (اوج حزن و اندوه): چشم کاروان به نینوا افتاد... تا چشم‌های بی بی زینب به قبرهای بی سروصاحب افتاد... نتوانست خودش را نگه دارد... از بالای مرکب پایین آمد... یکی دوید سمت قبر پدرش، یکی سمت قبر برادرش، یکی سمت قبر عمویش... رقیه جان... رقیه جان! چرا به شام آمدی؟ چرا کنج خرابه مهمان سر بریده بابا شدی؟ اینجایی که امروز آمدیم، جای کوچک تو خالی است... شعر:

یک اربعین برای تو حیران شدم حسین مانند گیسوی تو پریشان شدم حسین با چند قطره اشک دل من سبک نشد یک اربعین برای تو باران شدم حسین رفتی و من بدون تو، برناقه‌ی عریان نشستم... من که به روی چشم علمدار جا داشتم... حالا مامور حفظ جان این کودکان شدم... صد کربلا پس از تو بلا دیده‌ایم ما... ای وای از اسیر شدن، کو به کو شدن... از خجالت و غریب شدن، سرخ رو شدن...

کنار قبر برادر - اوج روضه و گریز به عاشورا:

بی بی زینب آمد کنار گودال قتلگاه... همان گودالی که در آن، جان برادرش را از تن جدا کردند... آمد، نشست کنار قبر بی سروصاحب برادر... دست به سینه برادر گذاشت... (آه...)

«حسین جان! حالا برگشته‌ام... خواهرت آمده... اما نشناختی مرا... چهل روز پیش که از اینجا رفتم، جوان بودم، اما امروز قامت خمیده است... یادت هست حسین؟ آن روز تو با نگاه با من حرف می‌زدی... اما من امروز باید با تو حرف بزنم... یادت هست داداش؟ روز عاشورا... خودم دیدم که بر سینه‌ات نشست و استخوان‌هایت را شکست... یادم نمی‌رود... با سنگ و نیزه بین تو و خیمه سد شدند... یادم نمی‌رود... ده اسب تازه نعل به نعل از تو برداشتن...

ناله و سوز حضرت زینب (س) بر سر مزار: با اشاره به حوادث شام و کوفه

حسین جان! این تقصیر زینب است بر من ببخشا عفو تو زخم دلم را التیام است... (آه...) یادم نرفته، روز عاشورا... وقتی می‌خواستی از خیمه‌ها به سمت میدان بروی، آخرین وداع را با من کردی... گفتم: «أُخِی إِلَیَّ»... خواهرم بیا پیشم... حسین جان!

خودم تو را به مدینه می‌برم... و اگر شهید شدم، نگران نباش، خدا پشت و پناه توست. حسین جان! به خدا که خدا پناهم بود، وگرنه چگونه طاقت می‌آوردم این همه داغ را؟ می‌خواستی از اینجا بروی... گفتی: «خواهر جان، مواظب بچه‌ها باش...» حالا آمده‌ام حسین، اما بعضی از بچه‌ها نیامدند... یادت هست رباب؟ هر شب منتظر بود... گمان می‌کرد که علی اصغر

شدم... امروز، روز اربعین است. کاروان بازگشته است... اما نه با همان شکوهی که از اینجا رفتیم... حسین جان! نگاه کن... این منم، زینب... خواهرت... آمده‌ام تا دوباره گودال را به آغوش بکشم... آمده‌ام تا زخم‌های کهنه دلم را بر مزار تو باز کنم...

درد دل با امام حسین (ع): «یادم هست... چقدر به من سفارش می‌کردی: «زینبم، اگر زنده ماندم،

امروز من آمده‌ام پیش تو... اما تو کجایی؟... چهل روز است که در کوچه و بازار شام، من و این اطفال یتیم تو را به تماشا گذاشتند... به خدا هر کاری از دستم برآمد، برای رقیه انجام دادم... اما... (ناله و گریز به شهادت حضرت رقیه در شام) یادت هست؟ وقتی رقیه در خرابه، سر بریده تو را دید... دیگر طاقت نیاورد...

خاتمه روضه: حسین جان! سه غم آمد به جانم، هر سه یک بار... غریبی و اسیری و غم یار... غریبی و اسیری چاره داره... ولی آخر کشد ما را غم یار...

حسین جان! با این حال برگشته‌ام تا پرچم عزای تو را برافراشته نگه دارم... تا به عالم بگویم که تو تنها یک شهید نیستی، تو راه و مرام هستی... یا حسین... یا حسین...

روضه دوم: وصال پس از فراق (درد دل حضرت زینب با امام)

سلام ابتدایی: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا اَبَاعَبْدِاللَّهِ... سلام بر غربت حسین... سلام بر بدن پاره پاره‌ات... سلام بر خواهر داغدارت...

ورود به کربلا - مقدمه حزن: چهل روز از آن غروب پر از خون می‌گذرد... چهل روز از آن لحظه که پیکرت، میان گودال، زیر سم اسبان دشمن لگدمال شد... چهل روز است که من با داغ تو و داغ همه عزیزانم، کوچه به کوچه، شهر به شهر، اسیر و رسوا



ناله‌هایت را از گودال بشنوم... حسین جان! حالا که برگشته‌ام، دیگر از زخم زبان و طعنه‌های کوفیان و شامیان باکی نیست... من همه را برای تو تحمل کردم...

خاتمه روضه: برادر جان! تا زنده‌ام، روضه تو را می‌خوانم... تا زنده‌ام، پرچم عزای تو را به دوش می‌کشم... مظلوم حسین... عطشان حسین... غریب حسین...

شعر و اوج روضه: تو را به هر کجا رفتم، نشان دادم... من از نیزه بلند، صدایت زدم حسین... چهل روز است که قامت خمیده است... اما به خدا قسم، حتی یک لحظه هم نشد که بگویم: «کاش حسین نیامده بود...» ما به عهد خود وفادار ماندیم حسین... پرچم تو را بلند نگه داشتیم... آه، چقدر دلم می‌خواست یکبار دیگر صدای

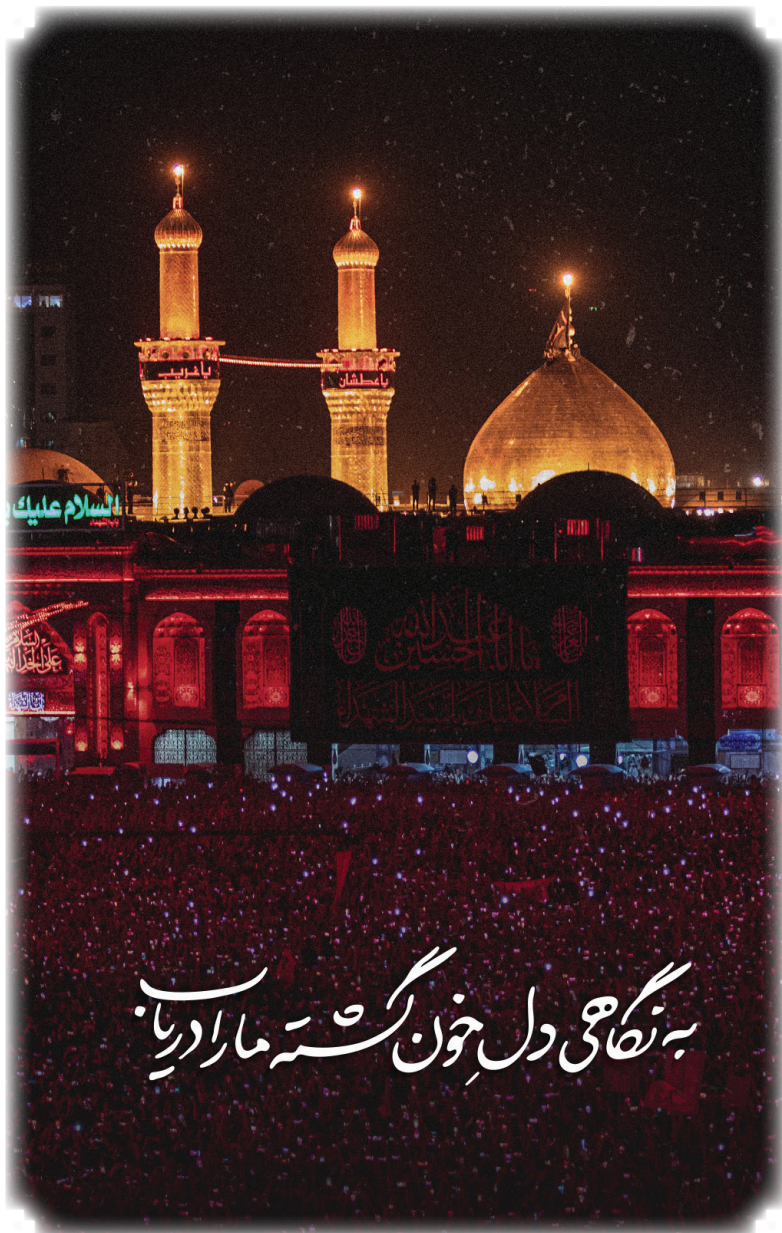
شیر می‌خواهد... (ناله) یادت هست رقیه؟ آن گوشه خرابه شام... سر بریده‌ات را که آوردند... دیگر طاقت نیاورد... (اشک) چهل روز گذشت... و زینب در این چهل روز، لحظه‌ای آرام نداشت. هر جا نام تو را شنیدم، بلند فریاد زدم: «یا حسین!» هر جا تازیانه خوردیم، گفتیم: «فدای غربت حسین!» هر جا سنگ زدند، گفتیم: «این سنگ‌ها فدای سر بریده حسین!»

روضه سوم: رسالت زینبی و پیام اربعین (خطبه و روشنگری)

سلام ابتدایی: اَلسَّلَامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَتِی یا زَیْنَبُ الْکُبْرَى... یا شیرزن کربلا... یا امتداد عاشورا... سلام بر آن زبانی که پیام کربلا را به گوش عالم رساند...

ورود به کربلا - آغاز حماسی - غمگین: چهل روز است که آفتاب بر نیزه، و ماه بر خاک است... چهل روز است که صدای «هل من ناصر ینصرنی، حسین، در گوش زمین و زمان می‌پیچد... و چهل روز است که زنی، با قامتی خمیده، اما اراده‌ای فولادین، پرچم رسالت حسین را بر دوش می‌کشد... امروز، اربعین است. زینب آمده... آمده نه برای گریه و ناله صرف... آمده تا اتمام حجت کند... آمده تا پرده از ظلم و نفاق بردارد...

بیان رسالت زینب (س): «اینجا کربلاست... همان جایی که حسین



به نگاهی دل خون گشته ما را دریا

امروز همه آمده‌اند تا به تو بگویند:
«ما همان عهد را که تو بستی، ادامه
می‌دهیم... عهد مبارزه با ظلم و
فساد...»

خاتمه روضه: یا حسین! ما اربعین‌ها
را زنده نگه می‌داریم تا پرچم نهضت
تو هرگز بر زمین نماند... «یا حسین! یا
حسین!» (همراه با زمزمه یا حسین توسط
مستمعین)

دیدید که زینب با همین کاروان، با
همین دست‌های بسته، چه بر سر
یزید آورد؟ حسین جان! خواهرت
امروز به کربلا برگشته... سربلند
برگشته... نه تنها رسوایی دشمنان
را به ارمغان آورده، بلکه قلب عالم
را با نام تو آشنا کرده است. این
جمعیت میلیونی که امروز به سمت
کربلا روانه است، نتیجه همان
رسالت زینبی است... حسین جان!

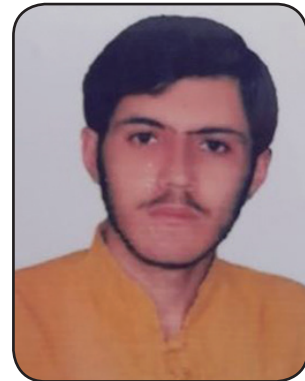
من، با همه هستی‌اش، در راه خدا
ایستاد. همان جایی که ۷۲ نفر از
بهترین یاران، جانشان را فدا کردند
تا اسلام زنده بماند. مردم! خیال
نکنید که با کشتن حسین، همه چیز
تمام شد! نه! یزید! تو فکر کردی
با سر بریدن حسین، می‌توانی
یاد او را محو کنی؟ با اسیر کردن
ما، می‌توانی صدای ما را خاموش
کنی؟ زینب آمده تا به گوش تاریخ
برساند که «کربلا در کربلا می‌ماند
اگر زینب نبود». زینب آمده تا به
گوش مردم بگوید، شمایی که نامه
نوشتید و حسین را دعوت کردید، اما
تنها گذاشتید، این نتیجه بی‌وفایی
شماست.

اوج روضه و گریز به خطبه‌ها:
من که به شام رفتم، در کوفه،
در بازار، در مجلس یزید... فریاد
زد... (اقتباسی از خطبه‌های
حضرت زینب (س) در کوفه و
شام) «ای یزید! هر حیلتی که
داری به کار ببر، هر تلاش که
می‌خواهی بکن، اما به خدا
سوگند که نمی‌توانی نور ما را
خاموش کنی! نمی‌توانی یاد ما را
از دل‌ها بیرون کنی! کید خود را
به کار گیر، اما به خدا قسم که
نمی‌توانی به مقام و جایگاه ما
دست یابی!»

شعر و تجلیل از پایداری: دشمن
شکست خورده، چون پرچم
به‌دست اوست... در شام کفر و
ظلم، سخن از کربلاست...



شاخصه‌های زیست اربعینی



مهدی زارعی

طلبه پایه چهارم حوزه سفیران علویون

شاخصه‌های زیست اربعینی، به ویژگی‌ها و نمودهای سبک زندگی خاصی اطلاق می‌شود که در طول پیاده‌روی اربعین و در فضای حاکم بر این گردهمایی عظیم، به ظهور می‌رسد. این ویژگی‌ها، نه تنها به دلیل شرایط خاص سفر، بلکه به دلیل آموزه‌های عمیق عاشورایی و فرهنگ شیعی، شکل می‌گیرند و می‌توانند به عنوان یک الگوی الهام‌بخش برای زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرند.

در ادامه به برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های زیست اربعینی اشاره می‌شود:

۱. ایثار و از خودگذشتگی

• خدمت‌رسانی بی‌منت: مهمترین شاخصه. موکب‌داران و مردم عراق با تمام وجود و بدون هیچ چشمداشتی، دارایی و توان خود را برای پذیرایی و

خدمت به زائران به میدان می‌آورند. این ایثار، از غذا و آب گرفته تا جا و امکانات رفاهی، همه را شامل می‌شود.

• تقدیم نیازهای دیگران: زائران نیز در مواجهه با یکدیگر، غالباً نیازهای همسفر یا زائر دیگر را بر نیاز خود مقدم می‌دارند.

• بذل مال و جان: حتی در مواردی، شاهد بذل مال و حتی جان (در صورت بروز خطر) برای نجات و کمک به زائران هستیم.

۲. سادگی و ترک تکلف

• حداقل‌گرایی: زائران با حداقل امکانات و وسایل، به سفر می‌آیند



و خود را برای زندگی ساده و بدون تجملات آماده می‌کنند.

• پرهیز از اسراف: در موکب‌ها و میان زائران، علی‌رغم فراوانی نعمت، تلاش می‌شود تا از اسراف و ریخت و پاش جلوگیری شود.

• همزیستی ساده: خوابیدن در فضای عمومی، کنار هم، و استفاده از امکانات

عمومی، نماد سادگی این زیست است.

۳. برادری، همدلی و همبستگی

• وحدت فراملی و فرامذهبی: اربعین، مرزهای ملیت، زبان، رنگ پوست و حتی مذهب (حضور اهل سنت و مسیحیان) را در هم می‌شکند و یک حس عمیق برادری و همدلی بین میلیون‌ها انسان ایجاد می‌کند.

• کمک به یکدیگر: زائران به صورت خودجوش به یکدیگر کمک می‌کنند، از حمل بار گرفته تا مراقبت از کودکان و سالمندان.

• تقسیم داشته‌ها: هر آنچه که زائران با خود دارند، از آب و غذا تا دارو، با دیگران به اشتراک گذاشته می‌شود.

۴. تواضع و فروتنی

• خادمی بی‌ریا: موکب‌داران با تمام وجود، حتی با شستن پای زائران، نهایت تواضع را به نمایش می‌گذارند.

• برابری در مسیر: در زیست اربعینی، عناوین و مقامات دنیوی کنار گذاشته می‌شوند و همه در کسوت یک زائر، در یک سطح قرار می‌گیرند.

• خضوع در برابر اهل بیت: این تواضع ریشه در خضوع و خشوع در برابر عظمت امام حسین (ع) و اهل بیت دارد.

۵. معنویت‌گرایی و اخلاق‌محوری

اصلی این نظم و همبستگی است. مسیر.

• احساس امنیت: علیرغم جمعیت

انبوه، حس امنیت خاطر بالایی در بین زائران وجود دارد که ناشی از لطف الهی و حضور پررنگ نیروی مردمی و انتظامی است.

• **توکل و اعتماد:** توکل بر خدا و اعتماد به کمک دیگران، نقش مهمی در احساس امنیت دارد.

این شاخصه‌ها، در مجموع، تصویری از یک جامعه آرمانی شیعی را به نمایش می‌گذارند که در آن ارزش‌های الهی و انسانی بر مادیات و خودخواهی مقدم هستند. زیست اربعینی یک الگوی عملی است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان با تکیه بر ایمان، عشق، ایثار و همبستگی، یک جامعه معنوی و کارآمد را بنا نهاد. بسیاری معتقدند که این ویژگی‌ها، همان مقدمات ظهور جامعه مهدوی هستند.

۷. صبر و پایداری

• **تحمل سختی‌ها:** زائران با تحمل خستگی، تشنگی، کمبود خواب و دیگر مشکلات مسیر، صبر و پایداری خود را نشان می‌دهند.

• **استقامت در مسیر حق:** این صبر، نمادی از استقامت در مسیر حق و عدم عقب‌نشینی در برابر مشکلات است.

۸. امید و سرزندگی

• **شادی معنوی:** علی‌رغم خستگی، یک حس امید و شادی معنوی بر فضای اربعین حاکم است که از عشق به امام حسین (ع) نشأت می‌گیرد.

• **احساس رهایی:** بسیاری از زائران احساس رهایی از دغدغه‌های مادی و دنیوی را تجربه می‌کنند.

۹. سلامت و امنیت (با مشارکت جمعی)

• **حفظ بهداشت عمومی:** تلاش برای حفظ نظافت و بهداشت در موكب‌ها و

• **ذکر و عبادت:** فضای اربعین سرشار از ذکر، دعا، تلاوت قرآن، مداحی و نماز است که نشان از عمق معنویت‌گرایی دارد.

• **پرهیز از گناه:** بسیاری از زائران تلاش می‌کنند در این سفر، از گناهان و رفتارهای ناشایست دوری کنند.

• **تربیت نفس:** پیاده‌روی با مشقات خود، نوعی ریاضت معنوی است که به تهذیب و تربیت نفس کمک می‌کند.

۶. **نظم‌پذیری و قانون‌مداری** (مبتنی بر فهم مشترک):

• **مدیریت خودجوش:** با وجود جمعیت میلیونی، یک نظم خودجوش و قابل تحسین در حرکت، اسکان و خدمات‌رسانی وجود دارد.

• **تبعیت از عرف و توصیه:** زائران غالباً به توصیه‌های خادمان، مسئولین و حتی سایر زائران با تجربه احترام می‌گذارند.

• **هدف مشترک:** هدف مشترک زیارت امام حسین (ع) و تعظیم شعائر، عامل



رابطه مهدویت و پیاده روی اربعین



حسین صانعی

رابطه بین مهدویت و پیاده روی اربعین از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است و بسیاری از اندیشمندان و علمای شیعه این دو پدیده را به شدت به هم مرتبط می‌دانند.

در واقع، پیاده روی اربعین به عنوان یک مانور بزرگ جهانی و یک تمرین عملی برای جامعه مهدوی تلقی می‌شود و زمینه‌ساز ظهور امام زمان (عج) است.

۱. اربعین؛ تجلی انتظار عملی و آمادگی برای ظهور

یکی از مهمترین ارتباطات، پیوند اربعین با انتظار عملی و آماده‌سازی برای ظهور است. امام زمان (عج) "انتقام‌گیرنده خون حسین (ع)" است و

ظهور ایشان، ادامه و تحقق آرمان‌های عاشورا و کربلاست. پیاده روی اربعین، با نمایش میلیون‌ها عاشاق حسینی، نشان می‌دهد که:

• آمادگی جهانی: میلیون‌ها نفر از سراسر جهان با وجود سختی‌ها و مشقت‌ها، برای یک هدف مشترک گرد

هم می‌آیند. این اجتماع عظیم، تمرینی برای اتحاد و یکپارچگی جهانی است که از شروط اصلی ظهور امام زمان (عج) به شمار می‌رود.

- بصیرت و معرفت: در این مسیر، به تبیین اهداف قیام امام حسین (ع) و ظلم‌ستیزی پرداخته می‌شود. این بصیرت‌افزایی، زمینه را برای شناخت امام زمان (عج) و اهداف حکومت جهانی ایشان فراهم می‌کند. بسیاری از روایات اشاره دارند که امام مهدی (عج) خود را با مظلومیت جدشان، امام حسین (ع)، به جهانیان معرفی خواهند کرد.
- تقویت روحیه فداکاری و ایثار:



۲. اربعین؛ مانوری برای سپاهیان امام زمان (عج)

برخی از تحلیل‌گران، پیاده روی اربعین را به مثابه یک مانور بزرگ نظامی-معنوی برای سپاهیان امام زمان (عج) در آخرالزمان می‌دانند:

• اجتماع میلیونی: این اجتماع بی‌نظیر، قدرت بسیج‌کنندگی و سازماندهی شیعه را به نمایش می‌گذارد و آمادگی برای حضور در رکاب امام عصر (عج) را تداعی می‌کند.

• نظم و انسجام: با وجود جمعیت انبوه، نظم و هماهنگی عجیبی در این راهپیمایی وجود دارد. این نظم، بیانگر ظرفیت عظیم امت اسلامی برای اطاعت‌پذیری و انسجام تحت لوای یک رهبر الهی است.

• غلبه بر ترس و تهدید: حضور میلیونی در منطقه پر آشوب، نشان از نترسیدن از تهدیدها و غلبه بر ترس است که از ویژگی‌های یاران حقیقی امام زمان (عج) خواهد بود.

۳. اربعین؛ رسانه جهانی معرفی عاشورا و مهدویت

اربعین به دلیل وسعت و فراگیری، به یک رسانه بی‌بدیل برای معرفی نهضت عاشورا و پیام مهدویت تبدیل شده است:

• جهانی‌سازی پیام حسین (ع): با شرکت زائران از ملیت‌ها و حتی ادیان مختلف، پیام ظلم‌ستیزی و

زیست اربعینی سرشار از ایثار، گذشت و خدمت‌رسانی بی‌منت است. این ویژگی‌ها، همان خصایص یاران امام زمان (عج) هستند که برای تشکیل حکومت عدل جهانی مورد نیاز است. اربعین، تمرین فداکاری و همدلی برای دوران ظهور است.



خامنه‌ای با قدم‌های هزاره در برابر

علامه گرافیک
Alamdargraphic

خودسازی، تهذیب نفس و توبه است که از لوازم انتظار حقیقی به شمار می‌رود.

• **یادآوری غیبت و نیاز به امام:** این تجمع، به نوعی یادآوری غیبت امام زمان (عج) و نیاز مبرم بشریت به رهبری الهی برای برقراری عدالت است.

به طور خلاصه، پیاده‌روی اربعین را می‌توان یک پروژه عظیم الهی برای زمینه‌سازی ظهور دانست. این حرکت، با تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و معنوی خود، جامعه شیعی و حتی بشریت را برای پذیرش و یاری آخرین حجت خدا، امام زمان (عج)، آماده می‌سازد.

تجربه زیسته، تصویری از جامعه آرمانی مهدوی را به جهانیان نشان می‌دهد.

۴. **اربعین: تمرین انتظار حقیقی**
انتظار فرج در نگاه شیعه، تنها به معنای دست روی دست گذاشتن نیست، بلکه به معنای تلاش و آماده‌سازی برای ظهور است. اربعین این انتظار را به یک حرکت پویا و فعال تبدیل می‌کند:

- **دعا برای فرج:** در طول مسیر اربعین، دعا برای تعجیل فرج امام زمان (عج) از زبان زائران جاری است.
- **خودسازی:** سفر اربعین، به دلیل مشقت‌ها و فضای معنوی، بستری برای

عدالت‌خواهی امام حسین (ع) به گوش جهانیان می‌رسد. این شناخت اولیه از امام حسین (ع)، زمینه را برای شناخت امام زمان (عج) که احیاگر عدالت حسینی است، فراهم می‌کند.

• **مقابله با جنگ نرم:** پیاده‌روی اربعین، نمادی از قدرت نرم شیعه است و به نوعی خنثی‌کننده تبلیغات منفی دشمنان علیه اسلام و شیعه است. این نمایش همبستگی و ایمان، در راستای زمینه‌سازی فرهنگی برای ظهور عمل می‌کند.

• **معرفی جامعه آرمانی:** در اربعین، بسیاری از شاخصه‌های جامعه مهدوی مانند ایشار، سادگی، برادری و عدالت به صورت عملی تجربه می‌شود. این

فقه اربعین

آثار زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام

بخش اول

روزی راز یاد می کند

عمر را طولانی می کند

خطرات را دفع می کند

گناهان گذشته و آینده را می آمرزد

زائر می تواند پنجاه نفر را شفاعت کند

حاجات او کنار قبر مستجاب است

ملائکه برای زوار امام حسین (علیه السلام) دعا می کنند

نام او را در اعلیٰ علین می نویسند

هنگام خروج از خانه از گناه خارج می شود

ثواب هزار حج مقبول دارد



هادی صفایی

طلبه پایه پنجم سفیران علویون

"فقه اربعین" به مجموعه‌ای از احکام و مسائل شرعی اطلاق می‌شود که مرتبط با پیاده‌روی و زیارت اربعین امام حسین (ع) است. با توجه به ابعاد گسترده این مراسم، مسائل فقهی مختلفی برای زائران و برگزارکنندگان مطرح می‌شود که مراجع عظام تقلید در پاسخ به استفتائات، به آنها پاسخ داده‌اند.

در ادامه به برخی از مهم‌ترین جنبه‌های فقه اربعین اشاره می‌شود:

۱. حکم و فضیلت پیاده‌روی اربعین

• **استحباب و فضیلت:** تمامی مراجع تقلید، زیارت امام حسین (ع) به خصوص در روز اربعین را مستحب مؤکد و دارای فضیلت و پاداش فراوان می‌دانند. روایات متعددی از ائمه معصومین (ع) بر فضیلت پیاده‌روی برای زیارت امام حسین (ع) تأکید کرده‌اند و برای هر قدم، ثواب‌های عظیمی ذکر شده است.

• **مختص روز اربعین:** برخی مراجع معتقدند ثواب خاص زیارت

یا در طول سال زیاد سفر می‌کنند (مثل دانشجویانی که هر هفته به شهر محل تحصیل خود رفت و آمد دارند)، در برخی موارد ممکن است نمازشان کامل باشد. مراجع تقلید در این مورد فتاویٰ متفاوتی دارند و زائر باید به مرجع تقلید خود مراجعه کند.

• **روزه در سفر:** روزه در سفر صحیح نیست و باید پس از بازگشت، قضای آن را به جا آورد.

۳. مسائل مرتبط با رعایت قوانین و مقررات

• **رعایت قوانین دو کشور:** تقریباً همه مراجع عظام تقلید تأکید دارند که زائران باید قوانین و مقررات دو کشور (ایران و عراق)، از جمله داشتن گذرنامه و ویزا (ویزا) معتبر و پرداخت عوارض خروج، را رعایت کنند. تخلف از این قوانین جایز نیست و می‌تواند تبعات امنیتی و شرعی داشته باشد.

اربعین مربوط به همان روز است، اما کسانی که به دلیل ازدحام یا شرایط دیگر، قبل یا بعد از روز اربعین زیارت می‌کنند نیز به ثواب تعظیم شعائر الهی نائل می‌شوند و ان شاء الله پاداش زیارت روز اربعین را هم خواهند داشت.

۲. احکام نماز و روزه در سفر اربعین (احکام مسافر)

• **نماز شکسته:** زائران در طول مسیر پیاده‌روی و در شهرهای عراق که قصد اقامت ده روز یا بیشتر ندارند، نمازشان شکسته (قصر) است (دو رکعت).

• **حد ترخص:** مسافر از زمانی که از حد ترخص خارج می‌شود (مکانی که صدای اذان شهر شنیده نمی‌شود یا دیوارهای شهر دیده نمی‌شود) باید نماز خود را شکسته بخواند.

• **کثیرالسفر:** افرادی که شغلشان سفر است (مثل رانندگان بین شهری)

به دیگران و رعایت ادب و تواضع در سفر زیارتی توصیه کرده‌اند.

• **دعا برای فرج:** مراجع تقلید تأکید دارند که زائران در این سفر معنوی، برای تعجیل فرج امام زمان (عج) دعا کنند.

نکته مهم: برای کسب اطلاعات دقیق و عمل به فتاوی شرعی، هر زائر باید به رساله عملیه یا دفتر استفتائات مرجع تقلید خود مراجعه کند، زیرا ممکن است در برخی جزئیات فتاوی مراجع با یکدیگر متفاوت باشد.

فقه اربعین در واقع تلاشی برای سازماندهی و جهت‌دهی شرعی به این حرکت عظیم معنوی است تا زائران بتوانند با خیالی آسوده و با رعایت تمام جوانب شرعی، از فضیلت این زیارت بهره‌مند شوند.

با رعایت کامل حجاب و عفاف، مورد تأکید همه مراجع است.

• **رضایت شوهر/پدر:** در سفر واجب (مثل حج واجب) نیاز به اجازه شوهر/پدر نیست، اما در سفرهای مستحب (مثل اربعین)، رضایت شوهر برای زن شوهردار و رضایت پدر (یا ولی شرعی) برای دختری که به سن بلوغ رسیده اما هنوز استقلال کامل مالی و اجتماعی ندارد، لازم است.

• **همراهی محارم:** برخی مراجع به ارجحیت همراهی محارم (پدر، برادر، شوهر) برای بانوان در سفر اربعین اشاره کرده‌اند تا امنیت و حریم ایشان بهتر حفظ شود.

۷. آداب و اخلاق زیارت

• **حسن خلق:** ائمه معصومین (ع) به خوش‌رفتاری با همسفران، کم‌گویی (جز به نیکی)، کمک

• **مدیریت جمعیت:** با توجه به ازدحام جمعیت، مراجع توصیه می‌کنند زائران به توصیه‌ها و مقررات مسئولین برگزاری مراسم و نیروهای امنیتی توجه کنند تا نظم و آرامش حفظ شود و از اذیت و آزار دیگران جلوگیری شود.

۴. مسائل مرتبط با طهارت و نظافت

• **آب وضو و غسل:** آب مورد استفاده برای وضو و غسل باید مباح باشد. استفاده از آب‌های سردکن یا موکب‌ها که برای شرب یا مصارف خاص تعبیه شده‌اند، برای وضو و غسل باید با اجازه و علم به مباح بودن آن باشد.

• **حفظ نظافت:** رعایت نظافت شخصی و عمومی در طول مسیر و در اماکن مقدس، از توصیه‌های مؤکد شرعی و اخلاقی است.

۵. مسائل مالی

• **قرض و بدهی:** اگر فرد بدهکار است و زمان ادای قرض فرا رسیده و طلبکار نیز مطالبه می‌کند، اولویت با پرداخت بدهی است. اما اگر زمان پرداخت نرسیده یا طلبکار رضایت دهد، قرض گرفتن برای سفر اربعین اشکالی ندارد و حتی برخی مراجع آن را مستحب می‌دانند.

• **اسراف:** اسراف و تبذیر در مصرف امکانات و غذا در موکب‌ها و در طول سفر حرام است. هرگونه ریخت و پاش اضافی که منجر به تضییع نعمت شود، جایز نیست.

۶. مسائل مرتبط با حضور بانوان

• **رعایت حجاب و عفاف:** حضور بانوان در پیاده‌روی اربعین

اعمال شب و روز

• اربعین حسینی •

غسل اربعین	زیارت اربعین
غسل زیارت و دعا	زیارت وداع اربعین
ذکر تسبیح و تکبیر	زیارت روز آخر عاشورا
لباس تمیز و آراستگی و خوش‌بوئی	



فلسفه زیارت اربعین در روایات و تاریخ



حسین صفری

طلبه پایه نهم حوزه علمیه ملایر

زیارت اربعین امام حسین (ع) یکی از مهم‌ترین و پرشورترین مناسک شیعی است که ریشه‌های عمیقی در تاریخ اسلام و احادیث ائمه اطهار (ع) دارد. این زیارت صرفاً یک حرکت احساسی نیست، بلکه مبتنی بر مبانی مستحکم روایی و تاریخی است که فلسفه و جایگاه آن را در فرهنگ شیعه تبیین می‌کند.

۱. ریشه‌های تاریخی زیارت اربعین

سابقه زیارت اربعین به اولین اربعین پس از واقعه کربلا بازمی‌گردد و چند روایت تاریخی مهم، به عنوان مبنای این سنت شناخته می‌شوند:

• **بازگشت جابر بن عبدالله انصاری و عطیه کوفی:** مشهورترین روایت تاریخی، مربوط به بازگشت جابر بن عبدالله انصاری (از صحابه بزرگ پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و عطیه کوفی به کربلا در اولین اربعین شهادت امام حسین (ع) (یعنی ۲۰ صفر سال ۶۱ هجری قمری) است. بر اساس این روایت، جابر، که نابینا شده بود، با راهنمایی عطیه، خود را به کربلا رساند و اولین زائر اربعین شد. او در کنار قبر امام حسین (ع) حاضر شد، غسل کرد، عطر زد و به عزاداری پرداخت. این روایت، پایه و اساس سنت زیارت اربعین را بنا نهاد.

• **بازگشت اهل بیت (ع) به کربلا:** برخی روایات تاریخی نیز حکایت از آن دارند که کاروان اسیران کربلا به سرپرستی حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع)، در مسیر بازگشت از شام به مدینه، از کربلا عبور کرده و در روز اربعین، به زیارت قبور مطهر شهدا پرداخته‌اند. این روایت، هرچند از نظر تاریخی مورد بحث برخی محققان است (به دلیل بعد مسافت)، اما از نظر معنایی و نمادین، جایگاه بسیار والایی در فرهنگ شیعه دارد و تجدید میثاق اهل بیت با شهدا و ابراز وفاداری به راه حسین (ع) را نشان می‌دهد. در هر صورت، حتی اگر این بازگشت در همان اربعین اول نباشد، اصل بازگشت اهل بیت (ع) به کربلا و زیارت قبور شهدا، از جایگاه خاصی برخوردار است.

• **احیای یاد شهدا:** در دوران بنی امیه و بنی عباس، حاکمان تلاش فراوانی برای محو یاد امام حسین (ع) و کربلا داشتند. زیارت اربعین، به عنوان یک سنت مستمر، نقش بسیار مهمی در حفظ و احیای نام و یاد سیدالشهدا (ع) و رساندن پیام عاشورا به نسل‌های بعد ایفا کرده است. در واقع، این زیارت، یک اعتراض مدنی و مذهبی علیه سیاست‌های محو دین و ظلم بوده است.

۲. احادیث مربوط به زیارت اربعین

فضیلت زیارت اربعین و جایگاه آن در نگاه ائمه معصومین (ع) در روایات متعددی آمده است که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• **حدیث امام حسن عسکری (ع) و نشانه‌های مؤمن:** مشهورترین حدیث در این زمینه، روایتی از امام حسن عسکری (ع) است که در آن، پنج نشانه برای مؤمن شمرده شده است. این حدیث در کتاب‌های معتبر حدیثی شیعه نظیر "تهذیب الاحکام" شیخ طوسی و "مصباح‌المتجهد" آمده است. در این حدیث، امام (ع) می‌فرماید:

"علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين، و زیارة الأربعین، و التختیم بالیمین، و تعفیر الجبین، و الجهر ببسم الله الرحمن الرحیم." (نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: اقامه پنجاه رکعت نماز (واجب و نافله)، زیارت اربعین، انگشتن به دست راست کردن، ساییدن پیشانی بر خاک (سجده بر خاک)، و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم.)

• **فلسفه این حدیث:** این حدیث، زیارت اربعین را در ردیف اعمال عبادی مهمی مانند نماز و سجده بر خاک قرار می‌دهد که نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده این زیارت در شکل‌گیری هویت مؤمن و شیعه است. این حدیث، زیارت اربعین را به عنوان یک "شاخصه هویتی" برای شیعیان مطرح می‌کند و آن را فراتر از یک عمل مستحب صرف قرار می‌دهد.

• **"زیارة الأربعین" چیست؟** مفسران این حدیث، "زیارة الأربعین" را زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین تفسیر کرده‌اند. برخی آن را شامل پیاده‌روی نیز می‌دانند که در طول تاریخ شیعه به سنت تبدیل شده است.

• **احادیث فضیلت زیارت امام حسین (ع) به طور عام:** علاوه بر حدیث خاص اربعین، احادیث فراوانی درباره فضیلت زیارت امام حسین (ع) به طور عام وجود دارد که بر ثواب عظیم، آمرزش گناهان، رفع بلا و نزدیکی به خدا از طریق این زیارت تأکید می‌کنند. اربعین، اوج این فضیلت‌ها را در خود جمع کرده است.

• **احادیث پیوند با مهدویت:** برخی روایات نیز به پیوند عمیق بین قیام امام حسین (ع) و ظهور امام زمان (عج) اشاره دارند. زیارت اربعین، به عنوان تجدید میثاق با آرمان‌های حسینی، می‌تواند به عنوان یک گام مهم در زمینه‌سازی ظهور و آمادسازی شیعیان برای همراهی با امام مهدی (عج) تلقی شود.

۳. فلسفه وجودی و جایگاه اربعین

حَضَرَتِ آيَةُ اللَّهِ الْعَظِيمَةِ

اصل پیاده رفتن خودش فضیلت دارد؛
«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا؛ برترین اعمال
سخت‌ترین آنهاست» اینجاست. قضیه
امام مجتبی سلام‌الله‌علیه، دیگر نص است
در این باب. «يَسَاقُ الْمَحَامِلُ بَيْنَ يَدَيْهِ؛
در حالی که محمل‌ها به همراهش بود»،
پیاده روی می‌کرد به سوی حج.



پیاده روی اربعین



• آمادگی برای ظهور: همانطور که در بخش‌های قبلی اشاره شد، بسیاری از اندیشمندان، اربعین را یک تمرین عملی برای ظهور امام زمان (عج) و ایجاد ارتش میلیونی منتظران عدالت می‌دانند.

نتیجه‌گیری

فلسفه زیارت اربعین در روایات و تاریخ، فراتر از یک عمل صرفاً مستحب، آن را به یک نشانه‌ی هویتی برای مؤمن، یک نماد پایداری و ظلم‌ستیزی، یک بستر برای خودسازی و در نهایت، یک مقدمه برای ظهور منجی عالم بشریت تبدیل می‌کند. این ریشه‌های عمیق، به پیاده‌روی اربعین جایگاهی بی‌بدیل در قلب و جان شیعیان بخشیده و آن را به بزرگترین گردهمایی بشری جهان تبدیل کرده است.

نشان‌دهنده همدردی با اهل بیت (ع) و تعظیم شعائر الهی است.

• **میشاق با آرمان‌های عاشورا:** این زیارت، تجدید پیمان با ارزش‌های عاشورا مانند ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، ایثار و فداکاری است. زائران با هر قدم، خود را متعهد به پیروی از این اصول می‌دانند.

• **اعتراض سیاسی و اجتماعی:** در طول تاریخ، زیارت اربعین بارها به عنوان یک حرکت اعتراضی علیه حاکمان ظالم و یک نمایش قدرت و همبستگی شیعیان عمل کرده است.

• **پالایش روحی و خودسازی:** سختی‌های پیاده‌روی و فضای معنوی حاکم بر اربعین، به زائران فرصتی برای تزکیه نفس، توبه و خودسازی می‌دهد.

با توجه به ریشه‌های تاریخی و احادیث، می‌توان فلسفه‌های متعددی برای زیارت اربعین برشمرد:

• **نماد پایداری بر مکتب اهل بیت (ع):** زیارت اربعین، نشانه تداوم راه حسین (ع) و عدم فراموشی آرمان‌های عاشورا است. این زیارت، پیام می‌دهد که با گذشت قرن‌ها، مکتب حسینی زنده و پویاست.

• **احیای امرائمه (ع):** زیارت قبور ائمه (ع) و به خصوص امام حسین (ع)، احیای امر اهل بیت و زنده نگه داشتن یاد و سیره آن‌هاست که از مهمترین وظایف شیعیان است.

• **عزاداری و همدردی با اهل بیت (ع):** اربعین، روز پایان چهل روز عزاداری و سوگواری برای شهادت امام حسین (ع) و یارانش است. حضور در کربلا در این روز،

موکب داران؛ میزبانان بی ادعای بهشت



امیر حسین توکلیان
طلبه پایه پنجم سفیران علویون

هر سال با نزدیک شدن به ایام اربعین حسینی، میلیون ها نفر از سراسر جهان عازم کربلا می شوند تا در بزرگترین پیاده روی تاریخ بشر شرکت کنند. اما این حماسه عظیم، تنها با قدم های زائران کامل نمی شود؛ نبض تپنده و روح جاری آن، مهمان نوازی بی نظیر و ایثار بی ادعای مردم عراق است که در قالب موکب ها تجلی می یابد. موکب داران، نه تنها میزبان زائران، بلکه نماد واقعی عشق، از خودگذشتگی و تجلی گاه مفهوم "بهشت" در همین دنیای خاکی هستند.

فراتر از میزبانی؛ روحی از ایثار

مهمان نوازی در فرهنگ عرب و عراق ریشه ای عمیق دارد، اما در اربعین، این مهمان نوازی به سطحی فراتر از یک سنت اجتماعی می رسد و به یک فریضه عاشقانه تبدیل می شود. موکب داران، اغلب از اقشار کم برخوردار جامعه هستند که تمام دارایی خود را، چه بسا با مشقت فراوان به دست آورده اند، با روی گشاده و اصرار فراوان تقدیم زائران می کنند. آن ها نه تنها غذا و آب، بلکه جای خواب، حمام، خدمات درمانی،

عمق فروتنی و خدمت عاشقانه را به تصویر می کشد. آن ها این کار را با نهایت افتخار و ادب انجام می دهند و این عمل، نمادی از تواضع مطلق در برابر مهمانان حسین (ع) است.

• **خانه به دوشان اربعین:** بسیاری از خانواده های عراقی، نه تنها موکب های بزرگ برپا می کنند، بلکه خانه های کوچک و محقر خود را نیز به روی زائران می گشایند. آن ها با تمام وجود، حتی اگر خودشان در سختی باشند، بهترین امکاناتشان را برای اسکان و پذیرایی از زائران فراهم می کنند. این میزبانی، حس امنیت و آسودگی خاطری به زائر می دهد که گویی در خانه خود است.

• **اصرار بر پذیرایی:** از نکات بارز دیگر، اصرار عجیب و دلسوزانه موکب داران برای پذیرایی از زائران است. آن ها با محبت و التماس، از زائران می خواهند که در موکبشان استراحت کنند، غذا بخورند یا چای بنوشند. این اصرار، نه برای کسب منفعت، بلکه از سر شور و شغف خدمتگزاری است. گاهی زائران از فرط شرم و عدم توانایی

ماساژ پا، شارژ موبایل، و حتی شست و شوی لباس زائران را با افتخار و بدون کوچکترین چشم داشتی ارائه می دهند. این بذل و بخشش تا حدی است که گاهی برای تأمین هزینه های موکب، خودشان هم به قرض و سختی می افتند، اما ذره ای از ارادتشان کم نمی شود.

این ایثار، ریشه در عشق عمیق به اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) دارد. موکب داران معتقدند که این زائران، مهمانان امام حسین (ع) هستند و خدمت به آن ها، خدمت به خود امام است. این باور، انگیزه ای قدرتمندتر از هر منفعت مادی یا اجتماعی ایجاد می کند.

داستان هایی از بهشت زمینی

روایت های ایثار موکب داران بی شمار و هر کدام تکان دهنده تر از دیگری است:

• **مردانی که پای زائران را می شویند:** دیدن مردان مسن و میان سالی که با دستان خود، پای خسته زائران را می شویند، ماساژ می دهند و حتی واکس می زنند، صحنه ای است که





در رد محبت‌های آن‌ها، دچار عذاب وجدان می‌شوند.

• **کودکان خادم:** در میان موکب‌داران، کودکان نیز نقش پررنگی دارند. پسران و دختران خردسال با اشتیاق فراوان، در موکب‌ها به زائران آب، خرما یا چای تعارف می‌کنند. این حضور کودکان، نشان‌دهنده تربیت نسل در نسل بر پایه عشق حسینی و روحیه خدمتگزاری است و آینده این فرهنگ ایثارگرانه را تضمین می‌کند.

• **میزبانی در بدترین شرایط:** حتی در سخت‌ترین شرایط امنیتی یا آب و هوایی، مردم عراق از خدمت به زائران دست نمی‌کشند. آن‌ها در گرما و سرمای شدید، در شرایطی که شاید خودشان هم با کمبود مواجه باشند، هر آنچه دارند را با زائران شریک می‌شوند.

فلسفه‌ای از ایثار و بخشش

این مهمان‌نوازی بی‌ادعا، ریشه‌های عمیقی در فرهنگ شیعی و واقعه کربلا دارد:

• **تکریم مهمانان حسین (ع):** موکب‌داران معتقدند که امام حسین (ع) خود مهمان‌نوازترین انسان بود و در کربلا با همه وجود از یارانش پذیرایی کرد. حال، آن‌ها به تأسی از امامشان، مهمانان او را تکریم می‌کنند.

• **احیای ارزش‌های فراموش شده:** در دنیای امروز که سودجویی و فردگرایی بیداد می‌کند، زیست اربعینی و روحیه موکب‌داران، نمادی از ارزش‌های فراموش شده انسانی نظیر ایثار، گذشت، برادری و همدلی است.

• **پیامی برای جهانیان:** این ایثار

مشاهده این حجم از عشق و ایثار، علاوه بر تجربه یک سفر معنوی، درس‌های فراموش‌نشده‌ای از زندگی و ارزش‌های واقعی را می‌آموزند. در واقع، موکب‌داران با میزبانی بی‌ادعای خود، هر سال بار دیگر، بهشت را در مسیر نجف تا کربلا به تصویر می‌کشند و این زیست اربعینی را به تجربه‌ای بی‌نظیر برای تمام بشریت تبدیل می‌کنند.

بی‌منت، پیامی قوی به جهانیان مخابره می‌کند که دین اسلام، دین صلح، محبت و خدمت است، نه خشونت و افراط‌گرایی. موکب‌داران با اعمال خود، تصویری واقعی و انسانی از اسلام ارائه می‌دهند.

موکب‌داران؛ قهرمانان گمنام اربعین

موکب‌داران، قهرمانان گمنام پیاده‌روی اربعین هستند. آن‌ها با وجود سادگی و بی‌پیرایگی، الگویی بی‌نظیر از انسانیت و تقوا را به نمایش می‌گذارند. زائران با

نایب‌الاست

ایران حسین





سیاست

- ◀ آموزه‌های سیاسی پیاده روی اربعین
- ◀ بررسی برجسته‌ترین عوامل متاثر شدن پیدایش انقلاب اسلامی از فرهنگ عاشورا و اربعین حسینی
- ◀ پیام‌های جهانی پیاده روی اربعین
- ◀ جغرافیای محور مقاومت
- ◀ چرا مذاکره به درد ما نمیخورد؟ به جای مذاکره چه کنیم؟
- ◀ نیم‌نگاهی به دستاوردهای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

سیاسی



میثم زارعی

طلبه پایه پنجم حوزه سفیران علویون

پیاده روی اربعین، فراتر از یک مناسک صرفاً مذهبی، سرشار از آموزه های عمیق سیاسی است که می توانند برای جوامع امروزی الهام بخش باشند. این آموزه ها ریشه در قیام امام حسین (ع) و اهداف آن دارند و در قالب این گردهمایی عظیم، به شکل های مختلفی نمود پیدا می کنند:

۱. مبارزه با ظلم و استکبار

اصلی ترین پیام سیاسی اربعین، مخالفت با ظلم، جور و استکبار است. امام حسین (ع) در برابر یزید، نماد طاغوت و فساد ایستاد و نشان داد که در برابر ستمگر نباید سر خم کرد. پیاده روی اربعین، تجدید بیعت با این اصل حسینی است. میلیون ها زائر با حرکت خود، پیام "هیئات منا الذله" (ذلت هرگز) را فریاد می زنند و نشان می دهند که تسلیم زورگویی و سلطه گری نخواهند شد. این پیام، امروز نیز برای ملت های مظلوم

آموزه های سیاسی پیاده روی اربعین



نشان دهنده ظرفیت عظیم مردمی برای اداره امور و تحقق اهداف بزرگ است. این خودباوری و استقلال از قدرت های خارجی، یک درس سیاسی مهم برای جوامعی است که به دنبال رهایی از وابستگی و تحقق اهداف ملی خود هستند. موکب های مردمی، خدمات رسانی داوطلبانه و تأمین نیازهای میلیون ها نفر، بدون اتکا به منابع دولتی، نمونه بارز این استقلال و خودباوری است.

۴. عدالت خواهی و نفی تبعیض

در مسیر اربعین، برابری و عدالت به وضوح مشاهده می شود. در این گردهمایی، فقیر و غنی، باسواد و بی سواد، شهری و روستایی، همه در کنار هم و بدون هیچگونه تبعیضی، به خدمتگزاری مشغولند یا از خدمات بهره مند می شوند. این فضا، نمونه ای عملی از جامعه آرمانی اسلامی است که در آن، ارزش ها بر مبنای تقوا

جهان که تحت ستم قدرت های بزرگ قرار دارند، الهام بخش است.

۲. وحدت و همبستگی

اربعین، تجلی بی نظیری از وحدت و همبستگی میان مسلمانان، به ویژه شیعیان، از ملیت ها و اقشار مختلف است. در این مسیر، مرزهای جغرافیایی و تفاوت های زبانی و فرهنگی کمرنگ می شوند و همه در یک هدف مشترک، یعنی ابراز ارادت به امام حسین (ع)، گام برمی دارند. این وحدت، پیامی قوی به دشمنان اسلام و کسانی است که به دنبال تفرقه افکنی هستند. نشان می دهد که علیرغم تلاش ها برای ایجاد شکاف، امت اسلامی می تواند در بزنگاه های مهم، متحد و یکپارچه ظاهر شود.

۳. استقلال و خودباوری

پیاده روی اربعین، بدون وابستگی به دولت ها و سازمان های بین المللی و با تکیه بر مشارکت مردمی و خودجوش شکل می گیرد. این امر،



در راه رسیدن به هدف است. این آموزه سیاسی، به ملت‌ها می‌آموزد که برای تحقق اهداف بزرگ و مبارزه با چالش‌ها، باید صبور، مقاوم و ثابت‌قدم باشند و از سختی‌ها هراس نداشته باشند.

در مجموع، پیاده‌روی اربعین یک پدیده سیاسی-اجتماعی بی‌نظیر است که با الهام از قیام امام حسین (ع)، در خود درس‌هایی از مبارزه با ظلم، وحدت، استقلال، عدالت‌خواهی، بصیرت و قدرت نرم را جای داده است. این آموزه‌ها، نه تنها برای شیعیان، بلکه برای تمام آزادگان جهان که در جستجوی عدالت و رهایی از ستم هستند، قابل تأمل و الهام‌بخش هستند.

جهانیان می‌رساند.

۶. قدرت نرم و مقابله با جنگ روانی

حضور میلیونی و خودجوش در پیاده‌روی اربعین، نمایش قدرتمند "قدرت نرم" شیعیان است. این قدرت، مبتنی بر ایمان، عشق و اراده جمعی است که به مراتب از قدرت‌های سخت نظامی و اقتصادی مؤثرتر است. این رویداد عظیم، به نوعی خنثی‌کننده جنگ روانی و تبلیغات منفی علیه اسلام و شیعه است و تصویری متفاوت و الهام‌بخش از اتحاد و معنویت مسلمانان را به نمایش می‌گذارد.

۷. مقاومت و پایداری

مسیر طولانی و سختی‌های پیاده‌روی اربعین، نمادی از مقاومت و پایداری

و انسانیت شکل می‌گیرند، نه بر اساس طبقه اجتماعی یا ثروت. این درس سیاسی، بر ضرورت مبارزه با تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی تأکید می‌کند.

۵. بصیرت و آگاهی بخشی

زیارت اربعین، تنها یک سفر فیزیکی نیست، بلکه یک سفر فکری و معرفتی است. در طول مسیر، با سخنرانی‌ها، مداحی‌ها، و گفتگوها، به تبیین اهداف قیام امام حسین (ع) و پیام‌های کربلا پرداخته می‌شود. این فضا، به افزایش بصیرت و آگاهی سیاسی زائران نسبت به مسائل روز جهان اسلام و وظایف خود در قبال آن کمک می‌کند. اربعین، یک "رسانه زنده" است که پیام‌های انقلابی و بیدارگر را به گوش

بزرگترین پیاده‌روی‌های معنوی در جهان



سیاسی



میثم فرحی مصور
استاد حوزه علمیه آخوند

دیباچه

بدون تردید، از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان و متفکرانی که در زمینه تبیین علل و عوامل پیدایش انقلاب اسلامی ایران، نظریه پردازی نموده اند، عامل مذهب از قوی ترین و اصلی ترین عواملی است که در پیدایش و پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی نقش بسزایی ایفا نموده است. از سوی دیگر مروری بر ادبیات سیاسی رایج در روند وقوع انقلاب اسلامی، شعارها، سخنرانی ها، و بیانیه های انقلابیون و رهبران نهضت

بررسی برجسته ترین عوامل متأثر شدن پیدایش انقلاب اسلامی از فرهنگ عاشورا و اربعین حسینی

عمل می کردند و به عنوان نمونه باید گفت: اسلام زدایی را تا آنجا رساندند که به طور رسمی تاریخ هجرت پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» به تاریخ شاهنشاهی تبدیل کردند امام راحل «رحمه الله» درباره تاثیر عاشورا بر اهداف و انگیزهای انقلاب اسلامی می فرماید: «حضرت سیدالشهدا به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد». برخی از علمای اسلام بر این عقیده اند که مهم ترین انگیزه امام حسین «علیه السلام» از این قیام، ایجاد حکومت اسلامی بوده است. امام خمینی «رحمه الله» در این زمینه می فرماید: «زندگی سید الشهدا، زندگی حضرت صاحب «علیه السلام»، زندگی همه انبیای عالم، به این معنا بوده است که در مقابل حکومت جور، حکومت عدل را می خواستند درست کنند». از این روی یکی از مهم ترین شعارهای انقلابیون انقلاب، این بود: «نهضت ما حسینی، رهبر ما خمینی».

ب؛ تاثیر بر رهبری انقلاب
وجود رهبری حسین گونه همچون

، بیانگر این واقعیت است که از میان عناصر مذهبی «فرهنگ عاشورا و اربعین نقش بسزایی در این زمینه ایفا نموده است، حال ما در این گفتار به صورت اجمالی این نقش مهم و با اهمیت را از دیدگاه بنیان گذار انقلاب اسلامی امام راحل «قدس سره» مورد بررسی قرار می دهیم.

الف؛ تاثیر بر اهداف و انگیزه های انقلابیون

هدف و انگیزه مردم ایران از انقلاب اسلامی، نابودی ظلم، استبداد و استکبار و برپایی حکومت عدل الهی و اجرای احکام اسلامی به عنوان «معروف و جلوه گیری از وابستگی به اجانب و بیگانگان به عنوان «منکر» بود. اینها همان انگیزه و هدف امام حسین «علیه السلام» از قیام عاشورا بود آنجا که می فرماید: «انا خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی اريد ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر و اسیر بسيرة جدی وابی علی ابن ابی طالب علیه السلام». اگر یزید ابن معاویه تجاهر به فسق و فجور داشت، خاندان پهلوی نیز همان گونه

ای مهین حسینی،
صحیح امام رضایی
ایران ذوالفستک،
ایران عسکری





امام خمینی «رحمة الله عليه» یکی از مهم ترین تأثیرات نهضت عاشورا در پیدایش انقلاب اسلامی بود. مردم ایران، صلابت، شهامت، شجاعت، قاطعیت، سازش ناپذیری، و روح حماسه امام حسین «عليه السلام» را در شخصیت امام خمینی «رحمة الله» متجلی می دیدند و شرایطی که امام حسین «عليه السلام» برای رهبر و حاکم جامعه اسلامی توصیف می نمودند، در او می یافتند. شعار انقلابیون «خمینی، خمینی، تو وارث حسینی هم میی این امر است.

ج: تأثیر بر شیوه مبارزه

مردم ایران تحت تأثیر نهضت عاشورا، روحیه شهادت طلبی امام حسین «عليه السلام» و اصحابش را در خاطره ها مجدداً تکرار می کردند. هنگامی که جوانان انقلابی با شعارهای «الله اکبر» و «توب، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد.....» با تانک ها و مسلسل های رژیم ستم شاهی مقابله می نمودند، امام راحل فرمودند: «کیفیت مبارزه را اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده معدودی باید چه طور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سید الشهداء به ملت آموخته است». مردم از فرد ستیزی به دور بوده است و تحت تأثیر رافت اسلامی و با الهام از سیره امام حسین «عليه السلام» با دشمنان خود {مانند حربن یزید ریاحی و.....} {با شعار «گل در مقابل گلوله» فریاد می زدند: «ارتش ایران حسینی شده، رهبر ایران خمینی شده».

د: تأثیر از طریق ایام و اماکن عزاداری

ایام عزاداری امام حسین «عليه السلام» و اماکن، از قبیل مساجد، خیمه های عزاداری - به عنوان مهم ترین

شاهی لرزید. سران ساواک در تحلیل های درون سازمانی خود گفته بودند: «اگر ما بتوانیم ماه محرم را به خوبی پشت سر بگذاریم، رژیم پهلوی ماندنی است و همه دیدیم که بعد از اربعین حسینی در سال ۱۳۹۹ ه ق رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در کمتر از یک ماه ساقط شد.

*** الحمد لله رب العالمین ***

زمان و مکان برای فعالیت نیروهای انقلاب و بیداری مردم از مفاسد حکومت پهلوی و سازمان دهی آنان برای راهپیمایی و فعالیتهای انقلابی، محسوب می گردید. اساساً در طول دو ماه محرم و صفر در سال اوج گیری انقلاب اسلامی، نقطه اوج آن؛ یعنی همان تاسوعا و عاشورای حسینی بود که به کلی پایه های اساسی رژیم ستم

سیاسی



رضا بهرامی

معاون پژوهش حوزه سفیران علویون

دیباچه

پیاده‌روی اربعین، با حضور بی‌سابقه و میلیونی زائران از سراسر جهان، به ویژه در سال‌های اخیر، به یک رویداد جهانی تبدیل شده که تأثیرات شگرفی بر اذهان عمومی و رسانه‌های بین‌المللی گذاشته است. این تأثیرات، هرچند گاهی با سانسور یا تحریف همراه بوده، اما به تدریج در حال نفوذ به لایه‌های عمیق‌تر افکار عمومی دنیا است.

۱. مقیاس و عظمت بی‌نظیر؛ شکستن رکوردهای جهانی

اولین و برجسته‌ترین تأثیر اربعین بر اذهان عمومی جهان، مقیاس و عظمت بی‌نظیر آن است. این رویداد با حضور بیش از ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر، بزرگترین گردهمایی انسانی در جهان محسوب می‌شود که هر ساله رکورد جمعیت خود را می‌شکند. این حجم عظیم از جمعیت، که در صلح و نظم حرکت می‌کنند و از سوی مردم محلی با ایشار و مهمان‌نوازی بی‌حد و حصر پذیرایی می‌شوند، چیزی نیست که بتوان به راحتی آن را نادیده گرفت.

پیام‌های جهانی پیاده روی اربعین

• مسیحی، ایزدی و... در اربعین، تصویری از وحدت، همبستگی و همدلی را به جهان مخابره می‌کند. این پیام وحدت، به ویژه در منطقه خاورمیانه که با تفرقه‌افکنی‌های فرقه‌ای روبرو است، اهمیت دوچندانی دارد.

• هویت بخشی و خودباوری: برای شیعیان و مسلمانان در سراسر جهان، اربعین به یک نماد قدرت، هویت و خودباوری تبدیل شده است. این رویداد، احساس غرور و تعلق به یک امت بزرگ را تقویت می‌کند.

۳. پیام‌های جهانی انسانیت و عدالت

اربعین، فراتر از یک مناسبت مذهبی، حامل پیام‌های جهان‌شمول انسانی و عدالت‌طلبانه است که می‌تواند با وجدان بیدار هر انسانی در هر نقطه از جهان ارتباط برقرار کند.

• فلسفه "ایستادگی در برابر ظلم": امام حسین (ع) به نمادی جهانی برای مبارزه با ستم، فساد و طاغوت تبدیل شده است. پیاده‌روی اربعین، فریاد "هیئات منا الذله" (ذلت هرگز) را به گوش جهانیان می‌رساند و به ملت‌های مظلوم و ستم‌دیده الهام می‌بخشد که در برابر ظلم باید ایستاد.

• ترویج ایشار و از خودگذشتگی: صحنه‌های بی‌بدیل ایشار موکبداران و زائران، الگویی عملی از اخلاق انسانی و گذشت را به نمایش می‌گذارد. این درس‌ها، در جهانی که فردگرایی و سودجویی در حال افزایش است، بسیار ارزشمند است.

• دعوت به صلح و همزیستی: فضای آرام و مسالمت‌آمیز اربعین، علیرغم

• شگفتی و تحیر: حتی رسانه‌هایی که تمایلی به پوشش گسترده اربعین ندارند، نمی‌توانند از کنار این آمار شگفت‌انگیز بی‌تفاوت عبور کنند. این جمعیت میلیونی، حس کنجکاوی و تحیر را در ناظران خارجی برمی‌انگیزد.

• اثبات ظرفیت‌های عظیم مردمی: اربعین نشان می‌دهد که چگونه یک حرکت کاملاً مردمی و خودجوش، بدون اتکا به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، می‌تواند بزرگترین رویداد بشری را با نهایت نظم و کارآمدی برگزار کند. این مسئله، ظرفیت‌های بی‌نظیر جامعه مدنی و مردمی را به جهان نشان می‌دهد.

۲. نمایش قدرت نرم و هویت اسلامی

اربعین، تجلی‌گاه قدرت نرم شیعه و اسلام است. در دنیایی که تلاش می‌شود تصویری خشن و افراطی از اسلام ارائه شود، اربعین چهره‌ای متفاوت و انسانی به نمایش می‌گذارد.

• مقابله با اسلام‌هراسی: حضور میلیون‌ها مسلمان و حتی غیرمسلمان در یک راهپیمایی مسالمت‌آمیز، همراه با ایشار و مهربانی بی‌حد و حصر، به شدت با کلیشه‌های خشونت‌بار و تروریستی که توسط برخی رسانه‌ها و گروه‌های خاص از اسلام ترویج می‌شود، در تضاد است. این پدیده، به عنوان یک عامل مهم در مقابله با اسلام‌هراسی عمل می‌کند.

• نمایش وحدت و همبستگی: مشارکت افراد از ملیت‌ها، زبان‌ها و حتی مذاهب گوناگون (شیعه، سنی،



پیاده روی اربعین؛ رمز وحدت جهانی

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

امام حسین علیه السلام با پیام جهانی و انسانی "هیئات منا الذلة" متعلق به همه دنیا است؛ لذا از اهل تسنن و مذاهب غیر اسلامی نیز افراد فراوانی در پیاده روی اربعین شرکت می کنند و این مسأله یعنی اربعین رمز وحدت است.

مختلف و تجربه مستقیم آن‌ها از فضای اربعین، به آن‌ها امکان می دهد تا پس از بازگشت به کشورهای خود، روایت‌های دست اول و واقعی را به اشتراک بگذارند و به این ترتیب، تصویر مثبتی از اسلام و تشیع ارائه دهند.

نتیجه‌گیری

ابعاد بین‌المللی اربعین نشان می دهد که این رویداد، نه تنها یک مراسم مذهبی برای شیعیان، بلکه یک پدیده جهانی با تأثیرات عمیق انسانی، اجتماعی و سیاسی است. اربعین، به چالش کشیدن کلیشه‌های رایج، تقویت وحدت و همبستگی، و انتشار پیام‌های عدالت و انسانیت در سراسر جهان را به عهده گرفته است. علیرغم تلاش برخی رسانه‌ها برای بایکوت یا تحریف، عظمت و حقیقت این رویداد در حال نفوذ به اذهان عمومی جهان است و به تدریج، آن را به یک نیروی مؤثر در شکل دهی به افکار عمومی بین‌المللی تبدیل می کند.

که اربعین پوشش داده می شود، گاهی با تحریف و تقلیل‌گرایی همراه است. ممکن است آن را صرفاً یک "آیین شیعی" معرفی کنند، یا بر جنبه‌های خاصی که با روایت آن‌ها همخوانی دارد (مثلاً شلوغی، مشکلات بهداشتی کوچک یا مسائل امنیتی) تمرکز کنند و از ابعاد عظیم انسانی و معنوی آن غافل شوند.

● **نفوذ تدریجی:** با این حال، به دلیل عظمت اربعین و حضور خبرنگاران مستقل، بلاگرها و شهروند-خبرنگاران، و همچنین رشد رسانه‌های جایگزین، نفوذ این رویداد به تدریج در رسانه‌ها و اذهان عمومی در حال افزایش است. مقالاتی در نشریاتی مانند "هافینگتون پست" که اربعین را بزرگترین تجمع دینی جهان توصیف کرده و به میزبانی بی‌نظیر آن اشاره کرده‌اند، نمونه‌ای از این نفوذ هستند.

● **دیپلماسی عمومی:** اربعین به عنوان یک ابزار قدرتمند در دیپلماسی عمومی عمل می کند. حضور زائران از ملیت‌های

حضور میلیونی و تفاوت‌های فرهنگی، پیام صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز را به جهان مخابره می کند و نشان می دهد که می توان با وجود تفاوت‌ها، در یک هدف مشترک انسانی گرد هم آمد.

۴. بازتاب اربعین در رسانه‌های جهان: نبرد روایت‌ها

بازتاب اربعین در رسانه‌های بین‌المللی، خود یک میدان نبرد روایتی است:

● **سانسور و بایکوت خبری:** بسیاری از رسانه‌های جریان اصلی غربی، به دلایل مختلف (سیاسی، ایدئولوژیک، عدم درک عمیق از این پدیده و...)، تمایل چندانی به پوشش گسترده و عمیق اربعین ندارند و آن را بایکوت خبری می کنند یا به حاشیه می رانند. این بایکوت، علی‌رغم ارزش‌های خبری بالای اربعین (مقیاس، تأثیر، غرابت و...)، نشان‌دهنده تلاشی برای جلوگیری از دیده شدن تصویر واقعی اسلام است.

● **تحریف و تقلیل‌گرایی:** در مواردی

سیاسی



محمد مرتضی قلی
طلبه پایه پنجم حوزه سفیران علویون

دیباچه

"جغرافیای محور مقاومت" به شبکه پیچیده‌ای از کشورها، گروه‌ها و سازمان‌هایی اشاره دارد که در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) و با محوریت جمهوری اسلامی ایران، در راستای اهداف مشترک سیاسی و امنیتی، به ویژه مقابله با نفوذ و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، فعالیت می‌کنند. این جغرافیا صرفاً خطوط مرزی بر روی نقشه نیست، بلکه شبکه‌ای از نفوذ، اتحادها و همکاری‌های استراتژیک است که عمدتاً در منطقه‌ای به نام "هلال شیع" یا "کریدور مقاومت" شکل گرفته است.

بازیگران اصلی و مناطق نفوذ ۱. جمهوری اسلامی ایران:

- نقش: ایران به عنوان بازیگر اصلی و لنگرگاه این محور شناخته می‌شود که حمایت‌های سیاسی، نظامی، مالی و ایدئولوژیک راه‌به‌سایر اعضا ارائه می‌دهد.

- جغرافیای نفوذ: نفوذ ایران فراتر از مرزهای خود به عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، و یمن کشیده می‌شود. این نفوذ از طریق نیروی قدس سپاه پاسداران

جغرافیایی محور مقاومت

۴. عراق

- گروه‌های اصلی: الحشد الشعبی (نیروهای بسیج مردمی عراق) و گروه‌های مقاومت اسلامی عراق مانند کتائب حزب الله، جنبش نجباء، عصائب اهل الحق و...

- نقش: پس از سقوط صدام حسین و به ویژه در مبارزه با داعش، گروه‌های مقاومت در عراق تحت حمایت ایران تقویت شدند و به عنوان بازیگران مهمی



در تأمین امنیت و نفوذ محور مقاومت در عراق و منطقه عمل می‌کنند.

- جغرافیای نفوذ: نفوذ این گروه‌ها در مناطق مختلف عراق، به ویژه در مناطق شیعه‌نشین، مرز با سوریه و مناطق عملیاتی علیه داعش مشهود است.

۵. فلسطین

- گروه‌های اصلی: حماس و جهاد اسلامی فلسطین.

- نقش: این گروه‌ها در نوار غزه و کرانه باختری، در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی مقاومت می‌کنند و از حمایت‌های سیاسی و نظامی محور مقاومت برخوردارند.

- جغرافیای نفوذ: نوار غزه و برخی مناطق کرانه باختری، اصلی‌ترین مناطق فعالیت این گروه‌ها هستند.

۶. یمن

- گروه‌های اصلی: جنبش انصارالله (حوثی‌ها).

- نقش: انصارالله در جنگ داخلی یمن به قدرت رسید و با حمایت محور

انقلاب اسلامی و ارائه مشاوره و آموزش به گروه‌های همسو اعمال می‌گردد.

۲. سوریه

- نقش: سوریه، به ویژه تحت حکومت بشار اسد، همواره از متحدان نزدیک ایران بوده و به عنوان یک پل ارتباطی حیاتی (کریدور زمینی) برای انتقال کمک‌ها و تجهیزات به لبنان و فلسطین عمل کرده است.

- جغرافیای نفوذ: کل قلمرو سوریه به دلیل حضور نیروهای دولتی سوریه، مستشاران ایرانی و گروه‌های متحد (مانند حزب الله و برخی شبه‌نظامیان عراقی و افغانستانی) در خط مقدم این محور قرار دارد. که متأسفانه این روزها از محور مقاومت جدا شده ولی ان شالله بزودی به تعبیر حضرت امام خامنه ای جوان غیور سوری قیام خواهند کرد و سوریه را ازاد خواهند کرد.

۳. لبنان

- گروه اصلی: حزب الله لبنان.

- نقش: حزب الله به عنوان قدرتمندترین و سازمان‌یافته‌ترین بازیگر غیردولتی در محور مقاومت شناخته می‌شود که دارای توان نظامی قابل توجهی است و در برابر رژیم صهیونیستی و سیاست‌های آمریکا در منطقه مقابله می‌کند.

- جغرافیای نفوذ: مناطق شیعه‌نشین لبنان، به ویژه جنوب لبنان و ضاحیه جنوبی بیروت، کانون نفوذ حزب الله هستند. این نفوذ به تدریج در سایر مناطق نیز گسترش یافته است.



اساس منافع مشترک در برابر دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای شکل گرفته است.

چالش‌ها و پویایی‌ها

جغرافیای محور مقاومت یک پدیده ایستا نیست و همواره تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. تغییر در روابط کشورها، فشارهای اقتصادی و سیاسی، و عملیات‌های نظامی می‌توانند بر این جغرافیا و میزان نفوذ آن تأثیر بگذارند. به عنوان مثال، درگیری‌های اخیر در منطقه، به ویژه جنگ در غزه، نقش و اهمیت این جغرافیا را بیش از پیش پررنگ کرده است.

به طور کلی، جغرافیای محور مقاومت نشان‌دهنده یک ائتلاف استراتژیک و شبکه نفوذ در قلب خاورمیانه است که هدف اصلی آن، تغییر موازنه قوا در منطقه و مقابله با هژمونی قدرت‌های غربی و رژیم صهیونیستی است.



رژیم صهیونیستی (فلسطین) گسترش یافته است.

• **شبکه‌ای و غیرمتمرکز:** این جغرافیا صرفاً مجموعه‌ای از دولت‌ها نیست، بلکه یک شبکه از بازیگران دولتی و غیردولتی است که به صورت غیرمتمرکز اما با هماهنگی و اهداف مشترک عمل می‌کنند.

• **منافع مشترک:** این جغرافیا با وجود تفاوت‌های محلی و گاهی مذهبی، بر

مقاومت، به عنوان یک بازیگر مهم در جنوب شبه‌جزیره عربستان و تهدیدی برای کشتیرانی در دریای سرخ و منافع رژیم صهیونیستی و متحدانش مطرح شده است.

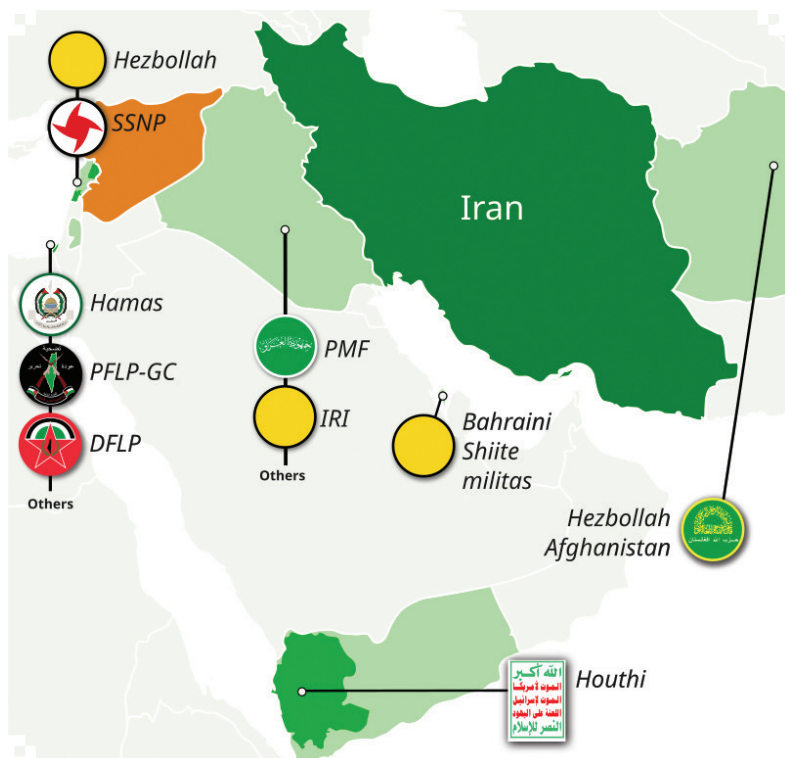
- **جغرافیای نفوذ:** بخش‌های وسیعی از شمال یمن، از جمله پایتخت، صنعا، تحت کنترل انصارالله است.

ویژگی‌های جغرافیای محور مقاومت

• **کریدور زمینی:** یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جغرافیایی این محور، تلاش برای ایجاد و حفظ یک کریدور زمینی (یا دسترسی) از ایران، از طریق عراق و سوریه، تا لبنان است. این کریدور برای انتقال لجستیکی، نظامی و ایدئولوژیکی حیاتی است.

• **کشورهای خط مقدم:** این محور در مناطقی فعال است که مستقیماً با رژیم صهیونیستی (لبنان، سوریه، فلسطین) و یا منافع آمریکا در منطقه (عراق، یمن) در تقابل هستند.

• **نفوذ و همسایگی:** نفوذ محور مقاومت عمدتاً در کشورهای همسایه ایران و یا کشورهای دارای جمعیت شیعه قابل توجه (مانند عراق و لبنان) و همچنین در مناطق دارای سابقه مقاومت علیه



سیاسی



رضا بهرامی

معاون پژوهش حوزه سفیران علویون

دیباچه

مساله اصلی این است که عده‌ای گمان می‌کنند هنوز می‌شود با مذاکره امتیاز گرفت یا انجام مذاکرات جهان را متوجه جنگ افروزی آمریکا و غرب میکند مادر این مقاله در صدد آن هستیم با ارایه چند سوال این انگاره را به چالش بکشیم.

سوال اول از کسانی که امیدوار به احیای حقوق ملت ایران هستند!

آیا شما تا به حال توانسته اید طی این سالها حقوق ملت ایران در زمان خروج ترامپ از برجام را احیا کنید؟ آیا توانسته اید مانع حمله‌ی دشمن به ایران شوید. چه حمله به سفارت ایران و چه حمله و جنگ ۱۲ روزه که با هدایت مستقیم آمریکا همراه شد. شما از این چندین سال مذاکرات که از سال ۷۴ شروع شده است آیا چیزی به عنوان سود کسب کرده اید یا توانسته اید از بحران جلوگیری کنید. همین الان هم سایه مکانیسم ماشه بعد از تحمل جنگ و

چرا مذاکره به درد ما نمیخورد؟ به جای مذاکره چه کنیم؟

سوال چهارم از کسانی است که به دنبال بیداری جهانیان هستند! واقعا کدام جنگ و ستم آمریکا باعث کنش و بیداری سران منفعل دنیا شد؟ ویرانی عراق دنیا را به تکاپو انداخت یا ویرانی افغانستان، دنیا سه سال است به نابودی غزه‌ی بی پناه سکوت کرده است، اگر ما جنگ زده شویم دنیا به تکاپو خواهد افتاد؟ حتی چپاول منابع اکراین هم کسی را بیدار نکرد، پس جنگ و مذاکره ما هیچ کس را بیدار نخواهد کرد که ما بخواهیم چنین هزینه گزافی را پرداخت کنیم و باز هم سر میز فریب ستمگران بنشینیم. در بهترین حالت سران دنیا حساب خواهند کرد چگونه از این جنگ سود خود را فراهم کنند.

به نظر می‌رسد آمریکا و اروپا مذاکره را به عنوان بخشی از مسیر جنگ و نابودی ما طراحی کرده‌اند و هر بار با گرفتن تعهداتی عرصه را بر ما تنگتر کرده و در انتها هم بر زیر میز مذاکرات و تعهدات خودشان می‌زنند و اهداف دشمنی خود را پیش می‌برند. در چنین حالتی خروج از مذاکرات و تلاش برای بی اثر کردن تحریم‌ها، پیگیری حقوق ملت ایران از طریق دادگاه‌های غربی، تلاش برای بهره‌بری از ظرفیت شرق برای شکستن آقایی دلار بیشتر به نفع ما باشد. البته نگارش این متن به معنای قدردان بودن زحمات دستگاه دیپلماسی و کارشناسان سختکوش آنها نیست اما پیشنهاد مسیری است که به نظر می‌رسد سود بیشتری برای ما دارد.

شهادت‌ها بر سر این ملت از طرف سران وقیح اروپا بلند شده است پس بازی که هر بار با فریب ما همراه بوده را چرا ادامه می‌دهید؟؟

سوال دوم از کسانی است که گمان می‌کنند اگر با مذاکره جنگ هم اتفاق بیفتد مردم بیشتر منسجم شده و علیه آمریکا و اسرائیل همدل می‌شوند این است که چقدر با مردم صحبت کرده اید؟ چرا گمان نمی‌کنید اینبار شاید مردم از امیدهای اجتماعی که در مذاکره به آنها داده می‌شود خشمگین شوند و گمان کنند عزت ملی آنها بازیچه چند سران دغل کار اروپایی و آمریکایی شده است! آیا نظرسنجی‌های میلیونی برگزار کرده اید تا بدانید مردم چه می‌خواهند. از کجا معلوم شاید مردم به ساخت بمب اتم برای حفظ امنیت، بیشتر از مذاکره خوشبین هستند؟؟

سوال سوم از کسانی است که به فرایند مذاکره خوشبین هستند؟ بزرگواران آیا دشمنی که از اعتماد شما برای جاسوسی استفاده کرد و از اطلاعات شما نهایت استفاده را برای ضربه زدن به شما استفاده کرد، چقدر مطمئنید اینبار اطلاعات جدیدی از شما برای ضربه به شما استفاده نکند. مذاکره با کسانی که قصد قتل وزیر و رئیس جمهور را داشته‌اند به گمان شما می‌تواند فرایند امنی برای ادامه روابط باشد.



مطلقاً معطل مذاکرات نشوید

در برنامه‌ریزی‌های کاری خودتان مطلقاً معطل مذاکرات هسته‌ای نشوید. ممکن است مذاکرات به جاهایی برسد؛ جاهای مثبتی، نیمه‌مثبتی، منفی‌ای هرچه بشود شما کار خودتان را بکنید.



نیم نگاهی به دستاوردهای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه



این دو قطبی کاذب نیست. ایرانیان نیم قرن است تکلیف خود را با این دو قطبی مشخص کرده‌اند. مسلمانان و دولت‌های جهان هم در حال تعیین تکلیف خود در این صف بندی هستند. یک طرف یک مرد الهی، فقیه، حکیم، فیلسوف، سیاستمدار، عارف و متخلق به اخلاق نبوی و علوی ایستاده است. طرف دیگر کسی است که به روایت رسانه‌های آمریکایی و غربی همه رذایل اخلاقی را یکجا در کارنامه زندگی خود دارد. انتخاب حضور در این دو قطبی خیلی مبهم نیست.

جنگ و تجاوز راه انداختند تا گسل‌های سیاسی و اجتماعی و اختلافات قومی و قبیله‌ای را فعال و مردم را در برابر هم قرار دهند. یکبارہ دشمن در کمال شگفتی و بطور بهت زده دید ملت ایران ایستاده‌اند و به خوبی‌های همدیگر به جای کینه‌ها و حقد‌ها و حسد‌ها نگاه می‌کنند. دیدند که مردم به آرمان‌های مشترک، هدف مشترک، زیست عزتمندانه و شرافتمندانه فکر می‌کنند. آن فکر و این ایستادگی، حتی مخالفان را به زیر پرچم "امام نور" و پرچم خدا درآورد. اینجا بود که ناوگان

اندازی غنی سازی «مای ایرانیان» بود. این نبرد «غیریت‌های موهوم» را زدود. از فاصله عید غدیر تا آغاز محرم در تاریخ این سرزمین یک «مایی» شکل گرفت که قبلاً قهرمان ملی ما ایرانیان شهید قاسم سلیمانی از آن به عنوان «ما ملت امام حسینیم»، «ما ملت شهادتیم» یاد کرده بود. اکنون در ایران هر شهروند ایرانی از خود سوال می‌کند؛ «من کجای سپاه حسینم؟!»

این «ما» اکنون از مرزهای جغرافیایی ایران فراتر رفته، جهان اسلام را فتح کرده و از آنجا مفهوم خود را در پهنای پنج قاره به نام «ما» انسان‌های آزاد و عدالت طلب ظلم ستیز نشان می‌دهد. این یک حقیقت الهی است که دشمن با چشم به سر می‌بیند، اما نمی‌خواهد این رویت را اعتراف کند. ترک مخاصمه موقت فرصتی است که می‌خواهند ببینند با این ادراک مطابق واقع چه کنند؟!

از خاکستر جنگ ۱۲ روزه یک دو قطبی در جامعه جهانی بیرون آمد. قطب اول ظهور «امام نور» قطب دوم «امام نار»

سیاسی



حجت الاسلام مرتضی غریب‌ان از اعضا هیئت تحریریه مجله مبلغان

پیروزی ایران در نبرد ۱۲ روزه خاصیت گزینه نظامی روی میز مذاکرات را از بین برد. غرب دیگر نمی‌تواند از این ورق در قمار دیپلماسی نه تنها با ایران حتی با طرف‌های احتمالی منازعه در جهان مثل روسیه و چین استفاده کند.

ضربه «عین الاسد» و «العیدید» تیر خلاص به نظامی‌گری دیپلماتیک آمریکازد. صدای این ضربه در گوش میلیتاریست‌های غرب این بود که ایران خود را برای ورود به جنگ‌های فرسایشی از مدت‌ها پیش آماده کرده است. اگر حریف آماده است، بسم الله!

باز شدن درهای جهنم بر روی ساکنان غاصب سرزمین‌های اشغالی به ویژه حیفا و تل‌آویو، نشان داد ایران برای دفاع برق‌آسا از خود حساب همه چیز را کرده است. ذخایر پهبادی و موشکی در زمین، هوا و دریا به اندازه‌ای است که می‌تواند یک جنگ فرسایشی را تا پیروزی قطعی و نهایی تضمین کند.

بزرگترین دستاورد نبرد ۱۲ روزه برای جمهوری اسلامی شکل‌گیری، قالب





رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای (حفظه الله):

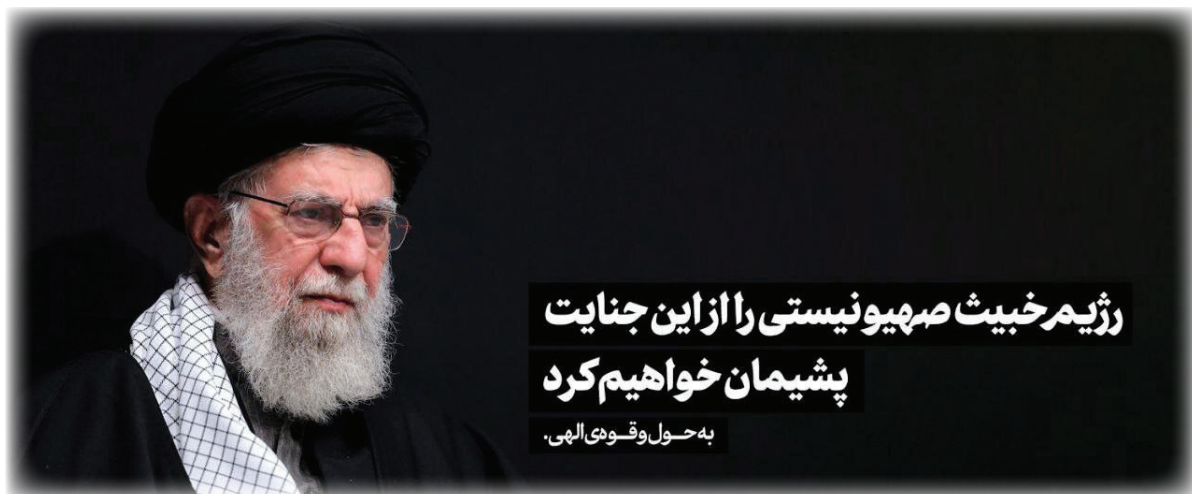
قدرت اول موشکی منطقه هستیم

و موشک مایه امنیت است. ۹۷/۰۳/۱۴

— بیچاره خواهند شد!
— منتظر مجازات سخت باشند!
— کسی را تهدید کنید که بترسد!
— دستاوردی نداشتند ایران پیروز شد!
یک اعتراف اعلام نشده از سوی دشمن وجود دارد و آن اینکه تدابیر امام خامنه‌ای جلوی یک جنگ خانمان سوز جهانی را گرفت و جامعه جهانی را از افتادن به جهنم یک جنگ سوم در قرن جدید نجات داد.

چطور امام خامنه‌ای یک بحرانی که می‌رفت با تجاوز به خاک ایران صلح، امنیت و آرامش جهانی را به خطر اندازد مهار کرد. او از دانش نظامی چه بهره‌ای داشت که توانست دو قدرت هسته‌ای جهان را به زانو زدن و ژنرال‌های ناتو و سنتکام را به تسلیم وادارد.
اکنون در اندیشه‌های نظامی روی کلید واژه‌های سه پیام رهبری و مدیریت بحران اودر این منازعه ۱۲ روزه کار می‌کنند.
— جنگ راه انداخته‌اند!

تجاوز هوایی آمریکا و اسرائیل در طوفان جنگ سخت و نرم به گل نشست.
محرم سال ۱۴۰۴ به ویژه تا سوعا و عاشورای امسال شاهد اقیانوس موج انسانی در تکریم امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا و شهدای ایران اسلامی بود. امواج انسانی که ارتفاع ایران خواهی، وطن خواهی و اسلام دوستی را در اوج خود به جهانیان نشان داد.
استراتژیست‌های نظامی و صاحب‌نظران سیاسی در حیرت این واقعه هستند که



**رژیم‌خبیث صهیونیستی را از این جنایت
پشیمان خواهیم کرد**

به‌حول وقوفی الهی.

دستاوردهای عملیات وعده صادق ۳

۶

منفور شدن بیش از پیش رژیم صهیونیستی

۷

اثبات قدرت ایران در مقابل پیشرفته ترین تکنولوژی های نظامی دنیا

۸

ناکامی دشمن در عقب راندن ایران از مواضع بحقی که داشت

۹

شکست هیمنه حامیان غربی اسرائیل

۱۰

افزایش درک مردم از شناسایی دشمن و اهمیت امنیت

۱

افزایش جایگاه نظامی ایران در مبارزه با دو قدرت اتمی

۲

شناسایی و ضربه به شبکه موساد و شاباک

۳

افزایش اتحاد و همبستگی ملی

۴

شناسایی نقاط قوت و ضعف جبهه خودی و دشمن

۵

رشد چشمگیر محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در جهان



مجلس شورای اسلامی





پژوهش

- ◀ الزامات قانون منع سگ گردانی
- ◀ کتابشناسی اربعین
- ◀ پیشنهاد موضوعات پایان نامه سطح ۳ و ۴ حوزی با محوریت اربعین حسینی
- ◀ تازه های نشر کتب طلاب

پژوهشی



حجت الاسلام حامد سر میلی
استاد حوزه علمیه سفیران علویون

در خصوص "الزامات قانون منع سگ گردانی" در ایران، نکته مهم این است که در حال حاضر قانون جامع و مصوب مجلس شورای اسلامی در این خصوص وجود ندارد که به طور خاص و ملی سگ گردانی را جرم انگاری کرده باشد. آنچه در حال حاضر مشاهده می شود، بیشتر دستورالعمل ها و بخشنامه های صادره از سوی دادستانی ها در شهرهای مختلف است که بر اساس برخی مواد قانونی کلی تر و موازین شرعی، اقدام به ممنوعیت سگ گردانی در اماکن عمومی می کنند.

با این حال، می توان الزامات و مبانی ای را که دادستانی ها و نهادهای قضایی برای این ممنوعیت اعلام می کنند، مورد بررسی قرار داد:

۱. مبانی قانونی مورد استناد (تفسیر و استنباط)

از آنجا که قانون صریح و خاصی وجود ندارد، مقامات قضایی و انتظامی به استناد مواد قانونی عام تر و اصول قانون

الزامات قانون منع سگ گردانی

اساسی اقدام می کنند:

• **اصل چهارم قانون اساسی:** این اصل بیان می کند: "هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد."

- الزام: مقامات قضایی استدلال می کنند که سگ گردانی در معابر عمومی، می تواند منجر به اضرار به غیر (مانند ترساندن کودکان، ایجاد مزاحمت صوتی، حمله احتمالی سگ، مشکلات بهداشتی ناشی از فضولات) و تجاوز به منافع عمومی (نظم عمومی، امنیت روانی، بهداشت عمومی) شود.

• **ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات):** این ماده مربوط به فعل حرام علنی و جریحه دار کردن عفت عمومی است.



- الزام: برخی دادستان ها با استناد به این ماده، سگ گردانی در معابر عمومی را عملی مغایر با عفت عمومی و هنجارهای اجتماعی و شرعی می دانند. (هرچند این استناد محل بحث حقوقدانان است).

• **ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات):** این ماده مربوط به تهدید بهداشت عمومی است.

- الزام: نگهداری و گرداندن سگ ها در فضاهای عمومی، از منظر برخی مقامات قضایی، می تواند تهدیدی برای سلامت و بهداشت عمومی جامعه باشد، به ویژه با توجه به نگرانی ها در مورد بیماری های مشترک بین انسان و حیوان (زئونوز).

• **قوانین شهرداری و بهداشت:** شهرداری ها و سازمان های بهداشتی نیز ممکن است دارای آیین نامه ها و مقرراتی برای جمع آوری سگ های ولگرد یا کنترل حیوانات باشند که در راستای این ممنوعیت تفسیر و اجرا می شوند.

۲. الزامات اجرایی و اقدامات عملی

بر اساس دستورالعمل های صادره، نهادهای اجرایی موظف به انجام اقداماتی هستند:

• **ممنوعیت در معابر عمومی و اماکن خاص:** این ممنوعیت عمدتاً شامل پارک ها، بوستان ها، فضاهای سبز عمومی، معابر عمومی، و وسایل نقلیه عمومی و خصوصی می شود. تأکید بر امکانی است که تردد عمومی و حضور خانواده ها و کودکان زیاد است.

• **برخورد با متخلفان:** نیروی انتظامی و ضابطان قضایی موظف به برخورد با متخلفان هستند. این برخورد می تواند شامل:

- تذکر و ارشاد.

- جریمه نقدی.

- توقیف حیوان و انتقال آن به مراکز نگهداری شهرداری یا دامپزشکی.

- توقیف خودرو در صورت حمل حیوان در آن.

مسیرهای پیاده‌روی مخصوص حیوانات یا دستورالعمل‌های بهداشتی شفاف، اعمال ممنوعیت می‌تواند مشکلات بیشتری ایجاد کند.

● **فشار روانی بر حیوانات و صاحبان:** این اقدامات می‌تواند منجر به فشار روانی و جسمی بر حیوانات خانگی و همچنین صاحبان آن‌ها شود.

نتیجه‌گیری

در حال حاضر، الزامات قانون منع سگ‌گردانی در ایران بیشتر بر پایه دستورالعمل‌های قضایی و انتظامی در سطح محلی و استناد به اصول کلی قانون و موازین شرعی استوار است، تا یک قانون ملی مصوب مجلس. این الزامات شامل ممنوعیت گرداندن سگ در اماکن عمومی و وسایل نقلیه، و برخورد با متخلفان (از جریمه تا توقیف حیوان) می‌شود. هدف اصلی این اقدامات، حفظ نظم عمومی، امنیت روانی، بهداشت عمومی و رعایت هنجارهای دینی و اجتماعی است. با این حال، نبود یک قانون جامع و شفاف و عدم وجود زیرساخت‌های لازم، انتقاداتی را نیز به همراه داشته است.

● حفظ بهداشت عمومی (کاهش انتقال بیماری‌های مشترک انسان و حیوان).

● رعایت ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه.

● کاهش شکایات مردمی.

۴. چالش‌ها و انتقادات

ممنوعیت سگ‌گردانی با چالش‌ها و انتقاداتی نیز همراه است:

● **نبود قانون جامع:** مهمترین نقد حقوقی این است که هرگونه جرم‌انگاری باید با تصویب قانون صریح از سوی مجلس صورت گیرد، و برخورد با سگ‌گردانی بدون مصوبه رسمی، ممکن است ناقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات باشد.

● **ابهامات اجرایی:** ابهاماتی در مورد نحوه برخورد با حیوانات، وضعیت حقوق مالکیت صاحبان حیوانات، و همچنین نحوه انتقال حیوانات به دامپزشکی یا مراکز نگهداری (با توجه به ممنوعیت حمل در خودرو) وجود دارد.

● **نبود زیرساخت‌ها:** منتقدان اشاره می‌کنند که بدون ایجاد زیرساخت‌های لازم مانند پارک‌های ویژه سگ،

- در صورت ایجاد مزاحمت یا تهدید برای دیگران، اعمال برخورد‌های شدیدتر قضایی.

● **تشکیل کارگروه ویژه:** برخی شهرها برای ساماندهی و برخورد با سگ‌گردانی و همچنین جمع‌آوری سگ‌های ولگرد، کارگروه‌های ویژه تشکیل داده‌اند.

● **نظارت مستمر:** از نیروی انتظامی، شهرداری و سایر دستگاه‌های نظارتی خواسته شده است که با تشکیل گشت‌های مشترک و پایش مستمر معابر، از تخلفات در این زمینه جلوگیری کنند.

● **گزارش‌دهی مردمی:** از شهروندان خواسته می‌شود موارد تخلف را از طریق سامانه‌های گزارش‌دهی به مراجع قضایی و انتظامی اطلاع دهند.

۳. اهداف اعلام شده برای این ممنوعیت

مقامات قضایی و اجرایی معمولاً اهداف زیر را برای این ممنوعیت بیان می‌کنند:

- حفظ نظم عمومی.
- تأمین امنیت روانی و آسایش شهروندان.
- صیانت از حقوق عامه (به ویژه کودکان و سالمندان).

آیا سگ‌گردانی در انظار عمومی و معابر جرم است؟



پژوهشی



مهدی درفش
طلبه پایه پنجم سفیران علویون

"کتابشناسی اربعین" موضوعی گسترده است که شامل کتب متنوعی در حوزه‌های مختلف می‌شود. از آنجا که پیاده‌روی اربعین و فلسفه آن ابعاد گوناگونی دارد، کتب مرتبط با آن نیز در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند. در ادامه به معرفی برخی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کتب در این حوزه می‌پردازیم:

نکته: بسیاری از کتب در مورد اربعین، مجموعه‌ای از مقالات یا سفرنامه‌ها هستند. همچنین، به دلیل رواج و اهمیت روزافزون اربعین، هر ساله کتب جدیدی در این زمینه منتشر می‌شود. این لیست، شامل برخی از کتب شاخص و پرمخاطب است.

۱. کتب تاریخی و تحلیلی مبانی اربعین

این دسته از کتب به بررسی ریشه‌های تاریخی اربعین، دلایل بزرگداشت آن، و تحلیل‌های عمیق از واقعه کربلا و پیوند آن با اربعین می‌پردازند.

• تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا (ع)

- نویسنده: سید محمدعلی قاضی

کتابشناسی اربعین

شرعی، فضیلت زیارت اربعین در روایات، و مباحث مرتبط با فقه زیارت می‌پردازند.

• تهذیب الاحکام (و دیگر کتب اربعه حدیثی شیعه)

- نویسنده: شیخ طوسی (و سایر مؤلفان کتب اربعه مانند شیخ کلینی و شیخ صدوق)

- اهمیت: اگرچه این کتب به صورت خاص به اربعین نمی‌پردازند، اما حدیث معروف امام حسن عسکری (ع) درباره نشانه‌های مؤمن (که زیارت اربعین یکی از آنهاست) در این کتب معتبر آمده است و از منابع اصلی فقه و حدیث شیعه محسوب می‌شوند.

• زیارت اربعین؛ نشانه‌ای از مؤمن

- نویسنده: (مجموعه مقالات یا تألیف محققان حوزوی)

- اهمیت: کتبی با این عنوان معمولاً به شرح و تفسیر حدیث امام حسن عسکری (ع) و ابعاد فقهی، کلامی و تاریخی زیارت اربعین می‌پردازند.

۳. سفرنامه‌ها و روایت‌های ادبی

این دسته از کتب، تجربیات شخصی زائران، خاطرات، و روایت‌های ادبی و داستانی از پیاده‌روی اربعین را دربرمی‌گیرند که به دلیل جذابیت و ملموس بودن، مخاطبان بسیاری دارند.

• خس بی سرو پا

- نویسنده: حمید حسام

- اهمیت: این کتاب شامل سفرنامه نویسنده در سال ۹۳ به کربلاست که به بیان شور و حال مردم برای شرکت در اربعین حسینی و تصاویر پیاده‌روی می‌پردازد.

طباطبائی (از علمای برجسته و شهید)

- اهمیت: این کتاب یکی از جامع‌ترین و مستدل‌ترین آثار در اثبات بازگشت اهل بیت (ع) به کربلا در روز اربعین است. نویسنده با استناد به منابع تاریخی و روایی متعدد، این نظریه را تقویت می‌کند و به شبهات پاسخ می‌دهد.

• اربعین در فرهنگ شیعه

- نویسنده:

سید محمد محسن حسینی طهرانی

- اهمیت: این کتاب تحلیلی حدیثی است که به بررسی اهمیت «اربعین» در فرهنگ شیعه می‌پردازد. در فصل اول به تحلیل عدد «چهل» و کاربردهای آن در روایات و عقاید پرداخته و سپس به فلسفه قیام امام حسین (ع) و اهمیت اربعین در احیای آن اشاره می‌کند.

• اربعین حسینی: امکان حضور در تاریخی دیگر

- نویسنده: اصغر طاهرزاده

- اهمیت: این کتاب با نگاهی فلسفی و معرفتی، به معنای حماسه میلیونی پیاده‌روی اربعین حسینی می‌پردازد و آن را سنت در حال شکوفایی و فرصتی برای حضور در «تاریخی دیگر» تحلیل می‌کند.

• تحلیل تاریخی اربعین حسینی

- نویسنده: محمد فاضل

- اهمیت: این کتاب نیز بر اثبات ورود اهل بیت (ع) به کربلا در بیستم صفر سال ۶۱ هجری قمری و دفن سرهای مطهر در آن روز تمرکز دارد.

۲. کتب فقهی و روایی

این دسته از کتب به بررسی احکام

• سر بر خاک دهکده

- نویسنده: فائزه غفار حدادی

- اهمیت: روایتی از سفر پیاده‌روی اربعین با نگاهی متفاوت، که گاه به مقایسه این سفر با سفرهای اروپایی می‌پردازد.

• پادشاهان پیاده

- اهمیت: (مجموعه سفرنامه‌ها یا روایاتی از زائران مختلف، ممکن است نویسنده واحدی نداشته باشد یا از انتشارات خاصی باشد). این کتاب به روایت‌های متنوع از این پیاده‌روی و تجربه‌های متفاوت زائران می‌پردازد.

• از این ستون به آن ستون

- نویسنده: محمدرضا وحیدزاده

- اهمیت: سفرنامه‌ای کوتاه و خواندنی از پیاده‌روی اربعین.

• موکب آمستردام

- نویسنده: (اطلاعات دقیق نویسنده ممکن است متفاوت باشد)

- اهمیت: این کتاب به روایت داستان‌هایی از زائرانی می‌پردازد که از کشورهای غربی (مانند اروپا) برای پیاده‌روی اربعین آمده‌اند و تجربه متفاوت آن‌ها را بازگو می‌کند.

• مادرلند

- نویسنده: فاطمه تقی‌زاده

- اهمیت: این کتاب نیز سفرنامه‌ای است که به سفر اربعین می‌پردازد و ابعاد معنوی و انسانی آن را برجسته می‌کند.

۴. کتب تحلیلی و جامعه‌شناختی

این دسته از کتب به تحلیل ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تمدنی پیاده‌روی اربعین می‌پردازند.

• پیاده‌روی اربعین: تأملات

جامعه‌شناختی (مجموعه مقالات)

مفید باشد.

• قدم‌های عاشقی: خاطرات مکتوب

پیاده‌روی اربعین

- اهمیت: معمولاً شامل خاطرات و تجربیات زائران است که حاوی نکات اخلاقی و تربیتی نیز هستند.

برای یافتن کتاب‌های جدیدتر و تخصصی‌تر، می‌توانید به سایت کتابخانه‌های معتبر (مانند کتابخانه ملی ایران، کتابخانه‌های حوزوی، کتابخانه تخصصی حج و زیارت) و همچنین پایگاه‌های نشر و فروش کتاب در ایران مراجعه کنید. همچنین، بسیاری از مقالات علمی پژوهشی در نشریات تخصصی نیز به ابعاد مختلف اربعین پرداخته‌اند که می‌تواند مکمل این کتابشناسی باشد.

- نویسنده: محسن حسام مظاهری (و مجموعه نویسندگان)

- اهمیت: این کتاب مجموعه‌ای از مقالات پژوهشی است که از منظر جامعه‌شناسی به پدیده اربعین می‌پردازد و ابعاد مختلف آن را تحلیل می‌کند.

• مجموعه مقالات اربعین

- ناشر: پژوهشکده حج و زیارت (یا سایر مراکز پژوهشی)

- اهمیت: این مجموعه‌ها غالباً شامل مقالات پژوهشی از محققان مختلف در ابعاد گوناگون اربعین (فلسفه، تاریخ، اجتماع، پیام‌ها و...) هستند.

• اربعین: جهانی دیگر

- نویسنده: مسعود معینی‌پور

- اهمیت: این کتاب نیز به تحلیل ابعاد بین‌المللی و تمدنی اربعین می‌پردازد.

• مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین

- نویسنده: مجموعه نویسندگان

- اهمیت: این کتاب به بررسی ابعاد عقلانی، مدنی و معنوی اربعین می‌پردازد و آن را از زوایای مختلف تحلیل می‌کند.

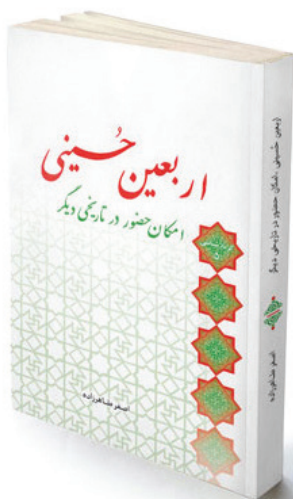
۵. کتب اخلاقی و تربیتی

این دسته از کتب به بهره‌گیری از فضای اربعین برای خودسازی، تهذیب نفس، و درس‌های اخلاقی از این سفر معنوی می‌پردازند.

• اسرار اربعین موسوی (ع)؛ ادب حضور (دفتر چهارم)

- نویسنده: محمدتقی فیاض‌بخش

- اهمیت: این کتاب شامل نکات و لطایف اخلاقی و سیر و سلوکی است که مؤلف از اساتید اخلاق دریافت کرده و می‌تواند برای زائران در جهت خودسازی



پژوهشی



پیشنهاد موضوعات پایان نامه سطح ۳ و ۴ حوزوی با محوریت اربعین حسینی، فرصتی مغتنم برای پژوهش عمیق و کاربردی در ابعاد مختلف این حماسه عظیم است. این موضوعات می توانند با رویکرد فقهی، کلامی، فلسفی، اخلاقی، تفسیری، تاریخی، اجتماعی و حتی رسانه ای تدوین شوند. در ادامه، پیشنهادهایی برای هر دو سطح ارائه می شود:

موضوعات پایان نامه سطح ۳ (کارشناسی ارشد حوزوی)

در سطح ۳، انتظار می رود دانشجو با تسلط بر مبانی فقهی و کلامی، به بررسی دقیق و تحلیل موضوع بپردازد.

رویکرد فقهی - اصولی:

• ارزیابی فقهی جایگاه پیاده روی اربعین در استحباب زیارت امام حسین (ع)؛ مطالعه تطبیقی آراء فقها.

- (بررسی ادله فقهی، سنت و سیره معصومین (ع)، و نظریات مختلف فقها در مورد پیاده قدم رفتن برای زیارت).

• احکام شرعی خاص زائران اربعین در حوزه های طهارت، نماز و روزه با تأکید بر فتاوی مراجع معاصر.

- (مسائل مربوط به کثیرالسفر، حد ترخص، حکم نماز جماعت در موکب ها، و طهارت در شرایط ازدحام).

• مسؤولیت شرعی و حقوقی موکب داران در قبال زائران از منظر فقه اسلامی.

- (بررسی ضمان، رعایت بهداشت، حقوق متقابل میزبان و مهمان در بستر اربعین).

پیشنهاد موضوعات پایان نامه سطح ۳ و ۴ حوزی با محوریت اربعین حسینی

تولید علم و ارائه نظریه های جدید بپردازد.

رویکرد اجتهادی - تطبیقی:

• اجتهاد در ادله فقهی جواز و استحباب پیاده روی اربعین و تحلیل سیر تحول فتاوا در طول تاریخ فقه شیعه.

- (کاوش عمیق در روایات، اقوال فقها از مقدمین تا متأخرین و ارائه نظریه اجتهادی).

• بازخوانی و نقد و بررسی دیدگاه های فقهی معاصر درباره حکم مشارکت زنان و غیرمسلمانان در پیاده روی اربعین.

- (تحلیل مبانی، چالش ها و ارائه راهکارهای فقهی در عصر حاضر).

• بررسی حکم شرعی و جایگاه فقهی نذر و وقف در موکب داری اربعین با تأکید بر مصارف و شرایط خاص.

- (تحلیل دقیق فقهی انواع نذر و وقف در این بستر، مسائل مربوط به تولی، مصرف و حدود آن).

رویکرد کلامی - فلسفی عمیق یافته:

• تحلیل فلسفی مبانی وحدت و همبستگی انسانی در پیاده روی اربعین و نسبت آن با نظریه جامعه مهدوی.

- (بررسی مبانی فلسفی وحدت، نقد و بررسی نظریه های اجتماعی از منظر اربعین و ارائه الگوی جامعه آرمانی).

• جایگاه شعائر حسینی در استحکام بخشی باورهای کلامی و نقش اربعین در بازتولید گفتمان تشیع.

- (تحلیل جامعه شناختی و کلامی نقش مناسک در شکل گیری هویت

رویکرد کلامی - فلسفی:

• تبیین کلامی کرامات حسینی در پیاده روی اربعین و نسبت آن با معجزه و سنت های الهی.

- (تحلیل عقلی و نقلی گزارش های کرامات، بررسی ملاک های شناخت کرامات صحیح و حکمت آن ها).

• نقش زیارت اربعین در تقویت مبانی ولایت تکوینی و تشریعی امام حسین (ع).

- (چگونه این زیارت به درک عمیق تر از جایگاه الهی امام و تأثیر ایشان در هستی کمک می کند).

• تحلیل فلسفه انتظار فعال مهدوی با محوریت پیاده روی اربعین.

- (بررسی ارتباط بین آمادگی های روحی و عملی برای ظهور با حرکت میلیون اربعین).

رویکرد اخلاقی - تربیتی:

• بررسی شاخصه های اخلاق زینبی در پیاده روی اربعین و تبیین آثار تربیتی آن.

- (مصادیق صبر، ایثار، عفاف، و شجاعت در زیست اربعینی و نقش آن در تربیت فردی و اجتماعی).

• اربعین؛ بستر خودسازی و تهذیب نفس؛ مطالعه تجربیات زائران.

- (چگونگی تبدیل سختی های سفر به فرصت هایی برای رشد اخلاقی و معنوی).

موضوعات پایان نامه سطح ۴ (دکترای حوزوی)

در سطح ۴، انتظار می رود دانشجو علاوه بر تسلط بر مبانی، به نوآوری،

تحقیق و دارای حد و مرز مشخص باشد تا بتوان در قالب پایان‌نامه به آن پرداخت.

• **علاقه شخصی:** علاقه و انگیزه پژوهشگر در انتخاب موضوع بسیار تعیین‌کننده است.

• **اهمیت کاربردی:** موضوعاتی که بتوانند گره‌ای از مشکلات جامعه باز کنند یا به عمق‌بخشی به فهم دین کمک کنند، اولویت دارند.

انتخاب موضوع پایان‌نامه، گام نخست و بسیار مهمی است. پیشنهاد می‌شود پس از انتخاب اولیه، با اساتید راهنما و مشاور در حوزه مربوطه مشورت صورت گیرد تا بهترین گزینه انتخاب شود.

زائران غیرمسلمان.

- (تحلیل سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و دینی، و ارائه راهکارهای مؤثر برای گسترش پیام اربعین در سطح بین‌الملل).

• تحلیل جامعه‌شناختی "زیست اربعینی" به عنوان یک الگوی پایدار در برابر سبک زندگی غربی.

- (بررسی شاخصه‌های زیست اربعینی، مقایسه با الگوهای زندگی مدرن و ارائه راهکارهایی برای تعمیم آن در جامعه).

نکات مهم برای انتخاب موضوع:

• **نوآوری:** موضوع باید دارای جنبه‌های نوآورانه باشد و صرفاً تکرار پژوهش‌های قبلی نباشد.

• **پشتیبانی علمی:** وجود منابع کافی (قرآنی، روایی، فقهی، تاریخی، کلامی و...) برای انجام تحقیق.

• **قابلیت پژوهش:** موضوع باید قابل

اعتقادی و ارزیابی تأثیر اربعین).

• **بررسی و تحلیل تطبیقی عناصر عرفانی و اخلاقی مشترک در آموزه‌های ائمه (ع) و زیست اربعینی.**

- (کاوش در متون عرفانی و اخلاقی شیعه و تطبیق آن با مصادیق عینی در پیاده‌روی اربعین).

رویکرد بین‌رشته‌ای و مطالعات فرهنگی:

• اربعین به مثابه یک "روایت جمعی" در عصر جهانی‌شدن: تحلیل نشانه‌شناختی و رسانه‌ای تأثیر آن بر اذهان عمومی جهان.

- (بررسی نقش رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، و روایت‌پردازی‌های مختلف از اربعین و تأثیر آن بر افکار جهانی).

• **واکاوی نقش اربعین در دیپلماسی عمومی شیعه و ارائه الگوی برون‌گفتمانی با تکیه بر تجربیات**



تازه های نشر کتب طلاب

پاسخگویی به نیازهای روز: این آثار، با توجه به مسائل و چالش های روز جامعه اسلامی و دغدغه های فکری طلاب و اساتید، به ارائه راهکارها و پاسخ های متناسب می پردازد.

ارتقای سطح علمی: مطالعه این کتاب ها، به طلاب و اساتید کمک می کند تا با جدیدترین مباحث و نظریات در حوزه علوم اسلامی آشنا شوند و سطح علمی خود را ارتقا دهند.

غناي فرهنگي: این آثار، به غنای فرهنگی جامعه اسلامی کمک کرده و زمینه را برای تبادل اندیشه ها و گسترش فرهنگ اسلامی فراهم می سازد.

در راستای ارتقای سطح علمی و غنای فرهنگی جامعه، بخش تازه های نشر، مجموعه ای از کتب ارزشمند و تازه منتشر شده از سوی طلاب و اساتید برجسته حوزه های علمیه را به شما معرفی می نماید. این مجموعه، شامل آثار متنوعی در زمینه های مختلف علوم اسلامی، فقه، اصول، تفسیر، حدیث، تاریخ اسلام، فلسفه، کلام و اخلاق است که با هدف پاسخگویی به نیازهای علمی و پژوهشی طلاب و اساتید محترم گردآوری شده است.

چرا این کتاب ها مهم هستند؟

تألیفات تخصصی: این کتاب ها، حاصل سال ها تجربه و تحقیق طلاب و اساتید مجرب است و به ارائه دیدگاه های نو و تحلیل های عمیق در مسائل مختلف می پردازد.



درسنامه
مسائل جدید کلامی

نهییه و نالیفت:
مهدی مرفش

کتاب حاضر با عنوان «درسنامه مسائل جدید کلامی» گوشه ای است برای ارائه مهم ترین مباحث کلام جدید با سافتی آموزشی و زبانی روان.

در این اثر تلاش شده است تا ضمن وفاداری به مبانی اصیل کلام شیعی که برآمده از قرآن کریم و عترت طاهره است، به بررسی و تحلیل پالاش های فکری معاصر پرداخته شود و پاسخ هایی درخور و مستدل برای آنها ارائه گردد.

مخاطبان اصلی این نوشتار، طلاب گرانقدر حوزه های علمیه سفیران هدایت هستند؛ عزیزانی که خود را برای ایفای نقش خطیر «تبلیغ معارف دینی» در جامعه آماده می کنند.

درسنامه مسائل جدید کلامی

نهییه و نالیفت: مهدی مرفش



ISBN: 978-622-8580-16-4
9 786228 580166

نردبان سلوک

تلفیص کتاب چهل حدیث امام خمینی (ره)
ممد رضا مهربانی

نردبان سلوک



حمید رضا مهربانی

کتاب ماضی، ارائه تلفیصی دقیق و علمی از کتاب "چهل حدیث" حضرت امام خمینی (ره) با مفقود روح اصلی آن است. در این پژوهش، با استفاده از روش‌های مختلفی همچون ساده‌سازی جملات، حذف توضیحات اضافی و تبیین کلمات ثقیل، تلاش شده است تا مفاهیم پیچیده به زبانی ساده و قابل فهم بیان شود. همچنین، با مفقود ترتیب اصلی امامی، سعی شده است تا انسجام و پیوستگی مطالب مفقود شود.



بهشت خانه

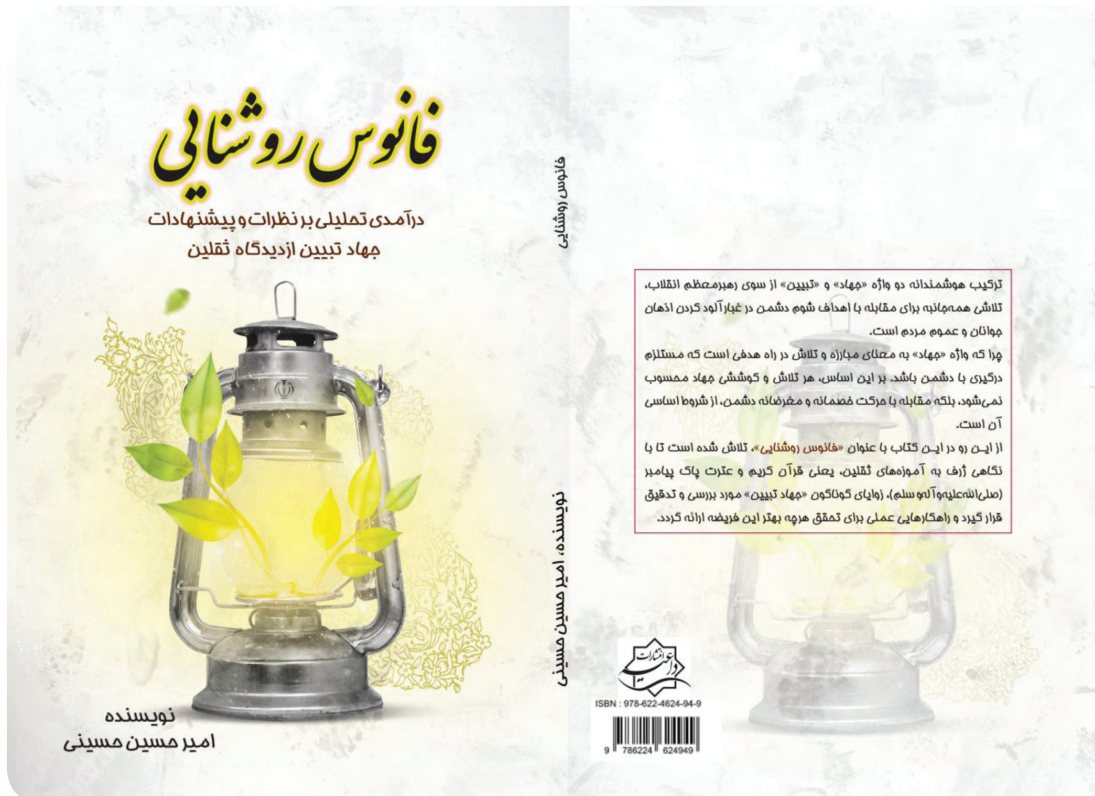
امتزاز به همسر از دیدگاه قرآن و حدیث



تهیه و تالیف
میدر هاشمی مشعوف، علیرضا عبادی شهرریور

در منظومه فکری اسلام، که محور را مکتبی جامع و انسان‌ساز معرفی می‌کند، جایگاه خانواده از اهمیتی بی‌بدیل برخوردار است؛ تا بدانجا که آن را "کانون تربیت و مهد مودت و رحمت" دانسته و سعادت یا شقاوت جامعه انسانی را به صلاح یا فساد این بنای مقدس وابسته می‌شمارد. از این جهت کتاب پیش رو، با اعلان به اهمیت بنیادین "امتزاز به همسر" در پایداری و تعالی خانواده، و در پاسخ به نیاز مجرب به تبیین دقیق مبانی قرآنی این اصل، تلاش کرده است تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد: "امتزاز به همسر از دیدگاه قرآن کریم چگونه تبیین می‌شود و ابعاد گوناگون گفتاری و رفتاری آن کدام است؟"







جلیس ۲

تہیہ و تدوین: جواد رستگار

(نشریہ سالانہ)
مجموعه فعالیت های پژوهشی
حوزه علمیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله

جلیس ۲

تہیہ و تدوین:
جواد رستگار



یکی از اقدامات موثر امروزه در حوزه های علمیه، در جهت تربیت طلاب در عرصه های مختلف، آموزش مقاله نویسی و نگارش کتب است تا فرد بتواند علاوه بر آشنایی با شیوه های نوین روز دنیا با مساله گردآوری و تحقیق و نوآوری در علم آشنا شده و با ارائه مطالب متنوع دین با بیان های مختلف به نشر آن پرداخته و با تحقیق و بررسی مطالب گوناگون به نوآوری و ایجاد عناوین نوین و جدید روی آورده و نظام هستی را با مضامین متنوع و کاربردی دین آشنا نماید.

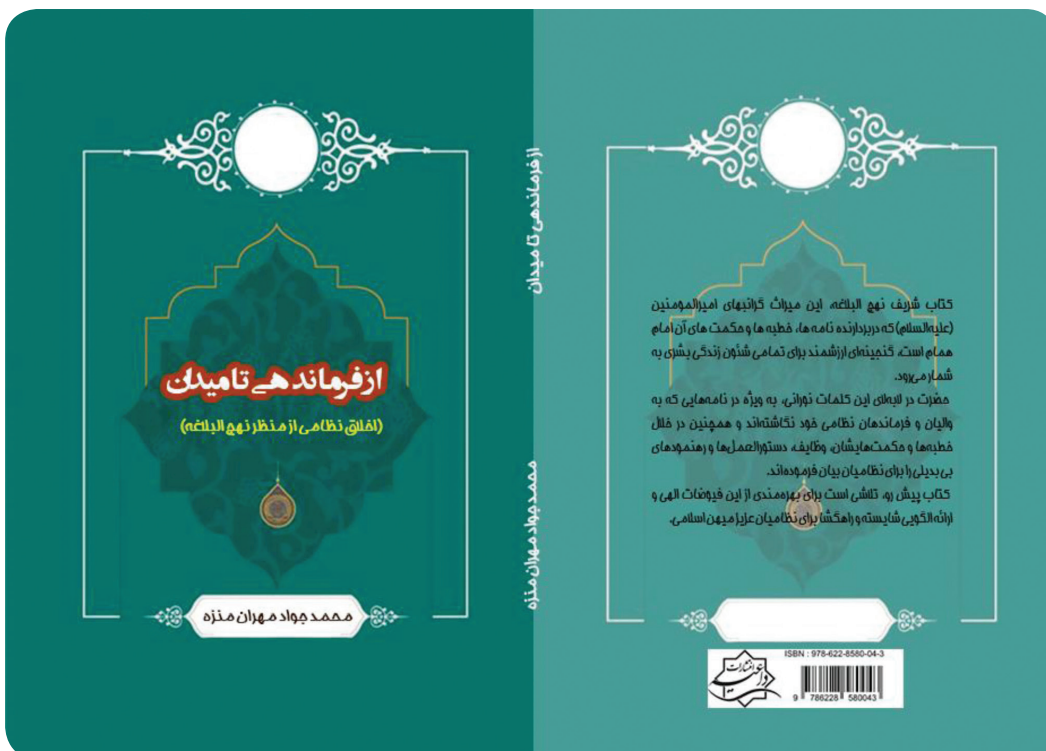
بی شک یکی از مهمترین ابزارهای کاربردی در جهت این هدف، والا تسلط بر روش های تحقیق و نگارش و شیوه ارائه ی آن به جامعه است. که این مهم در حوزه های علمیه در حال اجراست. نویسندگی و نوشتن کتاب انجمن پراهمیت است که امام صادق (ع) آن را یکی از نعمت های الهی برمی شمارد و خطاب به یکی از اصحاب خود می فرماید:

در نعمت هایی که خداوند به انسان داده است بیدیشی... از جمله این نعمت ها نویسندگی کتاب است که اخبار گذشتگان را به بازماندگان و از بازماندگان به آیندگان می رساند، به سبب آن است که دانش ها و آداب و... در کتاب ها جاویدان می ماند از این رو در کتاب پیش رو که سالنامه ای از مجموع مقالات و کتب با بالارین امنیت در سطح حوزه علمیه رسول اکرم (ص) مریاج است، سعی شده مطالب اصلی و کلیدی یا حفظ ساختار به رشته تحریر درآید تا علاوه بر نشر این تلاش ها، موجب تشویق نویسندگان آن گردد



ISBN : 978-622-4135-88-5

9 786228 135885



از فرماندهی تا میدان

محمّد جواد مهران منزّه

از فرماندهی تا میدان

(اتفاق نظامی از منظر نهج البلاغه)

محمّد جواد مهران منزّه

کتاب شریف نهج البلاغه این میراث گرانمای امیرالمومنین (علیه السلام) که دربردارنده نامه ها، خطبه ها و حکمت های آن امام همام است، گنجینه ای ارزشمند برای تمامی شئون زندگی بشری به شمار می رود.

حضرت در لایه های این کلمات نورانی، به چرخه در نامه های که به والیان و فرماندهان نظامی قوه نگاشته اند و همچنین در فلال خطبه ها و حکمت هایشان، وظایف دستورالعمل ها و رهنمودهای بی بدیلی را برای نظامیان بیان فرموده اند.

کتاب پیش رو، تلاشی است برای بهر بهمنی از این فیوضات الهی و ارائه الگوئی شایسته و راهگشا برای نظامیان عزیزان مهین اسلام.



ISBN : 978-622-8580-04-3

9 786228 858004



شهدای اقتدار ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام علی (علیه السلام): عقول الفضلاء فی اطراف اقلایها (غرر المحکم و دررالکلم، ص ۱۷۶)

مدیر مسئول محترم مجله داعیه واحد آموزشی مدرسه علمیه سفیران علویون

لوح سپاس نهمین جشنواره مجلات واحدهای آموزشی حوزه های علمیه به پاس
تلاشهای قابل تقدیر حضرت عالی، سردبیر و هیئت تحریریه محترم مجله علمی آن
واحد آموزشی اهدای شود.

به یقین، دستیابی به این جایگاه، جز با روحیه جهاد علمی، ایجاد محیطی پویا
برای فعالیت تحقیقی و همراهی طلاب و فضلاء پژوهشگر آن واحد علمی ممکن
نبوده است. این تلاش و تکاپوی علمی، مایه مباهات و درخور تحسین است. امید
است که با تکیه بر استعدادها و قابلیت های موجود آن واحد آموزشی، همچنان،
در عرصه های علمی بدرخشید و در تحقق چشم انداز مجلات علمی حوزه های
علمیه، نقش آفرین باشید.

ابوالقاسم مقیمی حاجی

معاون پژوهش حوزه های علمیه



وظیفه روحانیون در پیام رهبری

- ۱ هدایت معنوی و نورانی کردن دلها
 - ۲ و توصیه به صبر و سکینه و ثبات مردمی
- وظیفه‌ی حضرات روحانی است.